

شماره ۱۰۰۹ - شماره مخصوص آوریل

بهای مجله فقط 1 پوند

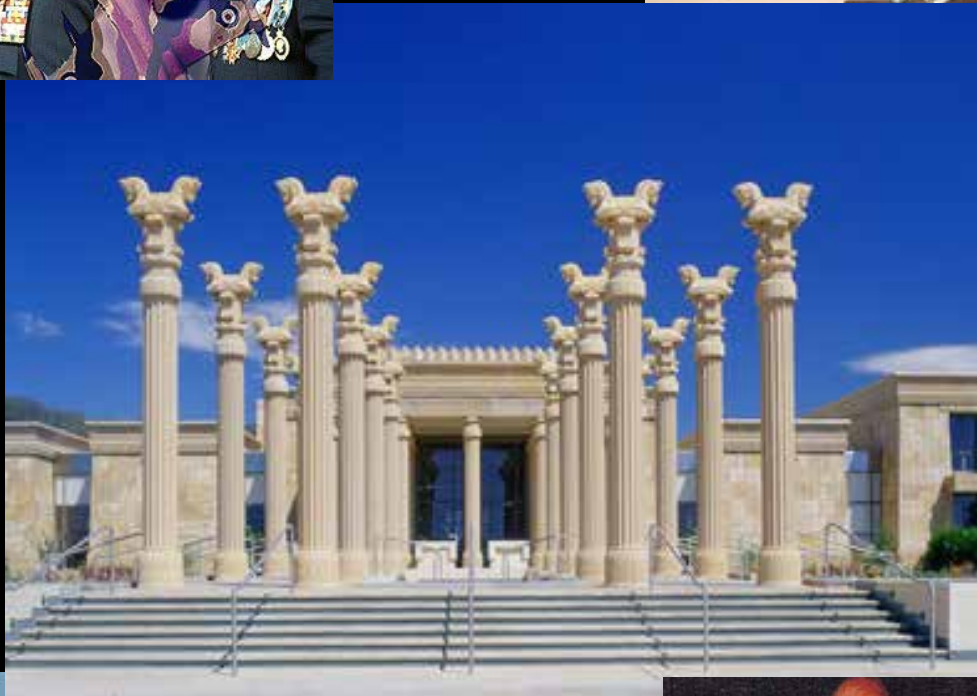
اروپا 5/1 یورو آمریکا 2 دلار



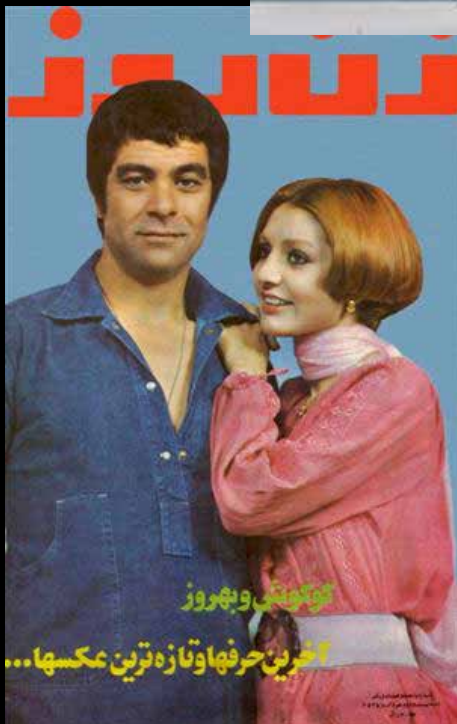
پای برج
ایفل با
اکبر گلپا



شاه :
به چشم
آبی ها
باج
نمی دهیم



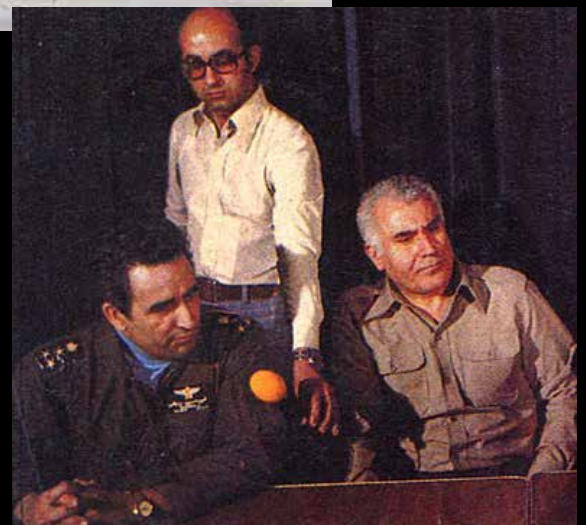
عظمت
تخت جمشید
در قلب
امریکا



همسر سابق گوگوش

:

بهروز وثوقی ملیجک



سرنوشت تاریخ ساز
دو خواهر

دفتر وکالت الاینس

میترا عادشی و دیگر وکلای با تجربه در خدمت جامعه

MITRA ADESHI (LLB HONS.)

متخصص در امور:

پناهندگی و مهاجرت

خرید، فروش و اجاره املاک و

مستغلات

خانواده، ازدواج و طلاق

حضور در مصاحبه های اداره مهاجرت، تنظیم و ارائه
درخواست پناهندگی، اقدامات و حضور در دادگاه
های مربوطه، اخذ ویزای دانشجویی، ازدواج، پیوستن

Immigration & Asylum

Community
Legal Service

Conveyancing

Family & Matrimonial



Tel: 020 8451 9996

Fax: 020 8451 4999

267 High Road, Willesden, London NW10 2RX

Dollis Hill نزدیکترین ایستگاه آندرگراند:

Alleanza
solicitors



آشپزی آسان با محصولات خانوم خانوما
خانوم خانوما میخواهد از اینا



خورش بامیه
خورش قورمه سبزی
خورش قیمه
خورش بادمجان
سبزی سرخ شده

کوفته تبریزی . خاویار بادمجان . دلمه برگ مو . دلمه فلفل . مایه کرفس
مایه فسنجان . آش شله قلمکار . حلیم بوقلمون انواع ترشیجات
خیارشور ، آبلیمو ، آب نارنج و محصولات خوشمزه دیگر.

کاسپین فود گالری (خزر)



انواع و اقسام مواد غذایی ایرانی، خشکبار، شیرینی های خشك و تر، سبزیجات و آجیل ،کلیه کاست ها و سی دی های و فیلمهای سینمایی قبل و بعد از انقلاب ، کتاب، نشریات، صنایع دستی، سازهای سنتی، انواع قلیان



بازارچه کاملی که فقط باید از نزدیک دید و قضاوت کرد

هر آنچه نیاز يك خانواده ایرانی است از پیرو جوان و هر نوع سلیقه در زیر يك سقف برایتان تهیه شده

30 Vivian Ave. Hendon Central NW4 3XR

Tel 020 - 8202 8022

شما می توانید با کلیه

کارت های اعتباری

از سوپر خزر خرید نمایید.

goldenphone

Digital Communication



T-Mobile



گلدن فون

همواره با بهترین و ارزانهترین
خدمات و جدیدترین گوشیهای
موبایل در خدمت هموطنان
عزیزانست



۱۹۰۰ دقیقه مجانی*

هر زمان و به تمام شبکه های موبایل

۱۸۰۰ دقیقه مجانی*

هر زمان و به تمام شبکه های موبایل

۳۰۰ TEXT مجانی

۷۵۰ دقیقه مجانی*

هر زمان و به تمام شبکه های موبایل

۳۰۰ TEXT مجانی



۹۰۰ دقیقه مجانی*

هر زمان و به تمام شبکه های موبایل



دفتر

020 8434 0561

020 8434 0562



مسعود

07958 181 878

فکس

020 8434 0563

اردوان

07950 111 222

Address: 1, Olympic Way , Wembley , Middlesex , HA9 0NP

* Terms & conditions apply, Call us for details . Offer available for a limited period only



منشور آزادی ملت ها هدیه ارزنده در تقویم های بی نظیر صرافی پاکپور

مقدس آن دل مرا لرزاند و مردم بابل در اجرای مراسم آئین و کیش خویش توفیق یافتند و از اسارت بی دینیان رستند من از ویرانی خانه های آنان پیش گیری کردم و من نگذاشتم هستی مردم بابل بباد فنا رود. مردوک سرور بزرگ از کارهای من شادمان شد و هنگامی که از ته دل و با شادمانی مقام خدائی بلند پایه او را ستایش می کردم بن که کورشم و او را بزرگ میدارم به پسر م کبوی جی ی و همگی سپاه من از راه عنایت برکت بخشید پادشاهانی که در همگی کشورهای جهان در زیستگاه های خود نشسته اند از دریای بالا تا دریای پائین (۱) و پادشاه باختر که در خیمه ها زندگی می کنند همگان باج بسیار خود را به من پیشکش کردند و در شهر بابل پاهای مرا بوسیدند از (۲) تا آشور و شوش و آگاده :اشنوناک: زامبان: متورنو: دری با استانهای گویتان و شهرهائیکه در آن سوی دجله قرار دارد و از دوران باستان بنا شده و خدایانی را که در این سرزمین ها زندگی می کردند به جاهای نخستین آنان باز گرداندم تا در زیستگاه اصلی خود استوار بمانند و مردم آن سرزمین ها را گردآوری کردم و زیستگاه های آنان را از نو ساختم و خدایان سومر و



منم کورش شاه جهان شاه بزرگ شاه مقتدر شاه بابل شاه سومر آکاد شاه چهار کشور پسر کبوی ی شاه بزرگ شاه شهرانشان نوه کورش شاه بزرگ شاه شهرانشان از بازماندگان چیش یا ای پش شاه بزرگ شاه شهرانشان از دودمان شاهنشاهی جاویدان که سلسله پادشاهی وی مورد عنایت بعل و بنو (خدایان بزرگ شهر بابل) فرمانروایی وی مورد پذیرش دلهای آن خدایان بزرگ است . هنگامیکه بدون جنگ و ستیز در شهر تیر (بابل) با مسرت و شادمانی مردم در زیستگاه شاهان بر سریر شاهی نشستم و مردوک سرور بزرگ دلهای مردم نجیب بابل را بسوی من فرا خواند زیرا من همواره در اندیشه پرستش او بودم سپاه بزرگ من به آرامی به شهر بابل درون شد من نگذاشتم هیچ دشمنی به سومر و آکاد گام نهد اوضاع درون شهر بابل و بناهای

آکاد را که نا بویند به بابل آورده بود و باعث خشم سرور خدایان شده بود به امر مردوک آقای بزرگ بی آسیب به قصرهای آنان به نام شادی دل بازگرداندم از خدایانیکه به شهرهای خودشان به دستور من برگشته اند خواستارم که همواره در پیشگاه بعل و بنو درازی عمر مرا خواستار شوند و بن نظر عنایت خود را ارزانی دارند به مردوک سرور من بگوئید کورش شاه ترا ستایش می کند و پسر کبوی جی ی کورش بزرگ ۵۳۹ پیش از زایچه مسیح

Ali Pakpour

FOREIGN EXCHANGE ESTABLISHED IN 1953

Tel: 02088 688 788 / 0207 584 23 23

Mobile : 07979 73 73 73 / 07979 61 61 61

Fax: 0208 866 73 73 / 0207 584 35 39

Email: info@alipakpour.com www.alipakpour.com



علی پاکپور (ندن)
صراف مجاز از سال ۱۳۳۲



ایام هفته	چهارشنبه ۸۵/۱/۲۳	پنجشنبه ۸۵/۱/۲۴	جمعه ۸۵/۱/۲۵	شنبه ۸۵/۱/۲۶	یکشنبه ۸۵/۱/۲۷	دوشنبه ۸۵/۱/۲۸	سه شنبه ۸۵/۱/۲۹	چهارشنبه ۸۵/۱/۳۰
دلار آمریکا	از: ۹۱۲۰ تا: ۹۱۷۰	از: ۹۱۲۰ تا: ۹۱۷۰	از: ۹۱۲۰ تا: ۹۱۷۰	از: ۹۱۲۰ تا: ۹۱۷۰	از: ۹۱۲۰ تا: ۹۱۷۰	از: ۹۱۲۰ تا: ۹۱۷۰	از: ۹۱۲۰ تا: ۹۱۷۰	از: ۹۱۲۰ تا: ۹۱۷۰
پوند انگلیس	از: ۱۵۹۵۰ تا: ۱۶۱۰۰	از: ۱۵۹۵۰ تا: ۱۶۱۰۰	از: ۱۵۹۰۰ تا: ۱۶۰۵۰	از: ۱۵۹۰۰ تا: ۱۶۰۵۰	از: ۱۵۹۰۰ تا: ۱۶۰۵۰	از: ۱۶۰۰۰ تا: ۱۶۱۵۰	از: ۱۶۰۰۰ تا: ۱۶۱۵۰	از: ۱۶۱۵۰ تا: ۱۶۳۰۰
یورو	از: ۱۱۰۷۰ تا: ۱۱۱۵۰	از: ۱۱۰۴۰ تا: ۱۱۱۲۰	از: ۱۱۰۵۰ تا: ۱۱۱۳۰	از: ۱۱۰۵۰ تا: ۱۱۱۳۰	از: ۱۱۰۳۰ تا: ۱۱۱۰۰	از: ۱۱۱۰۰ تا: ۱۱۱۷۰	از: ۱۱۱۲۰ تا: ۱۱۱۹۰	از: ۱۱۲۲۰ تا: ۱۱۳۲۰

جمع و تفریق شوم

پناهنده ایرانی مخالف + پاسپورت جمهوری اسلامی +

پادوهای مزدور رژیم در خارج = ایرانی بی تفاوت



محمود سرابی

جمعی از فرزندان ایشان دارد که بر چهار عمل اصلی انسانی، ملی و میهنی و اخلاقی پایدار مانده اند و لحظه ای از مبارزه و تلاش و کوشش در راه رهایی کشورشان از چنگال آدمخواران قرون وسطایی کوتاه نمی آیند هر چند میدانی نابرابر و غیر منصفانه پیش روی است و در مقابل رژیمی جنایتکار با تمام ثروت دزدیده شده از ملتی و ترفندهایش و صفی از مزدوران تریبون دار و حقوق بگیر ایستاده اند و گروهی چند صد هزار نفری ایرانی از یاسا برده چهار عمل اصلی قرار دارند که رژیم در تلاش است آنان را با تعداد بیشتری بسوی طرح کثیف خود بکشند و در این سو همان اندک دلسوختگان وطن و درد کشیده این روزگاران با دست خالی و امکانات ناچیز در این میدان نا برابر در تلاش هستند تا روزی این لشکر انبوه پاسپورت به دست آگاه شوند که چگونه اسیر یک بازی شوم شده اند و لباس بد قواره و زشت بی تفاوتی و بی هویتی و نظاره گری را از تن در آورند و جبران این سالهای سیاه را بکنند و انتقامی تاریخی از این رژیم سفک و عوامل و مزدورانش بگیرند

به امید آن روز بزرگ

عمل اصلی زندگی سالم انسانی بوده اند با تمام وابستگی ها و علائق عاطفی و ریشه های میهنی با استقبال هزاران خطر از جهنم آخوندی گریخته اند تا سر پناهی بجویند و بتوانند چون سایر انسانها در جهان متمدن با اصول بشری زندگی کنند. این چند میلیون ایرانی آواره ولی آزاده، سفیر دهها میلیون هموطن در بند و اسیر خود نیز بوده اند تا صدای مظلومیت آنان را بگوش جهانیان برسانند و روزنه هایی برای آزادی اسیران وطن بگشایند ولی رژیم سالوس و فربیکار و شارلاتان با افکار شیطانی و شوم با کیسه هایی ملو از پولهایی آغشته به قیمت زندگی میلیونها انسان دردمند داخل کشور به سراغ ایرانیان فراری آمد و با اجیر کردن مشتی مزدور ارزان فروش که صاحب قلم و میکروفن، روزنامه، مجله، رادیو، تلویزیون، کانون، انجمن در مجموع صاحب تریبون بودند وبا کمک سرمایه داران ایرانی در خارج از کشور به فریب و اغفال ایرانیان فراری آمده اند و با اسب تروای توطئه و عروسک گول زنک (پاسپورت بیلاق و قشلاق) زیر پای فراریان نشستند که بتوانند فرمول چهار عمل اصلی بی هویتی بی تفاوتی، خاموشی و بی امیدی را در جامعه تبعیدی رایج کنند و به خاطر رفت و آمدی به وطنی به یغما رفته و آلوده و بیمار و دریند، مهر سکوت بر لب زنند.

و در این روزگار سیاه و تلخ هنوز امید ایران، سرزمین کهن تاریخ چشم امید به

در اولین مرحله فراگیری ریاضی در دبستان دانش آموزان را با چهار عمل اصلی در حساب آشنا می کنند که ساده ترین و اساسی ترین اصول پایه در ریاضیات است. در زندگی ما انسانها هم ساده ترین و در این حال اساسی ترین پایه و اصول زندگی بر مبنای چند عملکرد اصلی بنا شده است که می توان به چهار عمل اصلی آن اشاره کرد:

اخلاق، شرافت، تعهد و مسئولیت که مجموعه این خصایل از موجودی متحرک انسانی با معیارهای پسندیده و مورد قبول می سازد

شرایط خاص زندگی ما انسانهای ایرانی به نوعی این جدول چهار عمل اصلی را بر هم زده است و دلیل اصلی آن هم حضور موجوداتی فاقد معیارهای انسانی به نام حکومتگران جمهوری اسلامی در ایران است که ۲۷ سال تمام تلاش و کوشش های خود را صرف کرده اند تا اخلاق و شرافت، تعهد و مسئولیت را از ملت ایران بگیرند و سیستم شیوه تنازع بقا و جنگ برای خویشان را جایگزین کنند.

شعارهای مذهبی و اعتقادات دینی هم اجناس این مغازه عوامفریبی است که هر کس بر اساس فراخور و اندازه سقوط بیشتر در این منجلاب بهره بیشتری می برد و گروهی چند میلیونی از ایرانیان که نخواسسته اند در باتلاق و منجلاب چنین رژیمی گرفتار شوند و به دنبال معیار چهار

P.O.Box 2821
LONDON NW2 1DS

Tel: 020 8731 9333

Fax: 020 8731 1992

Email: rangarang_London@hotmail.com

(زیر نظر شورای نویسندگان)

رنگارنگ هر ماه منتشر می شود



چای احمد



مجموعه جدید چای سبز احمد شامل چای سبز مخصوص ، چای یاس ، چای سبز با طعم نعناع ، ارل گری و چای لیمو، حضورتان معرفی میگردد. طعم چای سبز مخصوص بسیار شبیه چای روزانه شما تهیه شده است و برای تشخیصی که ذائقه شان با طعم چای سبز عادت نکرده است، تنوع بسیار ساده و دلپذیری است.

رستوران ونیزیا در قلب گلاسکو



Venezia



با لذیذترین و متنوع‌ترین غذاهای ایرانی و فرنگی
مکانی زیبا و استثنایی جهت مهمانیهای شما

Venezia 363 Argyle Steet, Glasgow G2

8LT

Tel: 0141 572 1572 Fax: 0141 572

ایام نوروز در اروپا چگونه بود؟

- بیژن مرتضوی در فرانسه نشان داد که او تنها نوازنده است
- ایرانیان در آلمان چون سالهای پیش از کنسرتها استقبال نکردند.
- کنسرت گذاران با عدم استقبال تماشاچیان مواجه شدند.

همه ایرانیان است اکبر گلیپاگانی خواننده حنجره طلایی نیز در تعطیلات نوروزی در پاریس بود که حضور او برای هیچ برنامه هنری نبود بلکه فقط دید و باز دیدی با فرزندانش بود که در فرانسه زندگی می کنند.

گروه فرهنگی ابن سینا مراسم نوروز را با حضور صد ها نفر جشن گرفتند و در این مراسم بخش هایی مختلف با حضور هنرمندان مقیم پاریس برگزار شد و این برنامه را سرپرست گروه فرهنگی ابن سینا دکتر راست بین و همکارانش برگزار کردند.

انجمن فرهنگ ایران نیز مراسمی جهت دید و بازدید اعضای خود برگزار کرد که در این مراسم جمعی از شعرا و نویسندگان ایرانی مقیم پاریس شرکت داشتند و در ضمن این انجمن بیست سالگی فعالیتهای خود را نیز جشن گرفت .

انجمن فرهنگی آریا نیز برگزار کننده کنسرتی با حضور بیژن مرتضوی و هنگامه بود شادانلو مدیر این انجمن با ابراز رضایت از استقبال مردم امیدوار به برنامه های بهتر در آینده بود. بیژن مرتضوی در این شب نشان داد که او

خواستند جلوی جشن و سرور ایرانیان را بگیرند ولی چنان تو دهنی جانانه ای از ایرانیان اصیل و شریف خوردند که مسلما درد آن را در درون به تلخی مز مزه کردند.

مجله رنگارنگ نیز گزارشی از جشنها و مراسم پایکوبی و شادی هم وطنان خود از کشورهای اروپایی تهیه کرده است بعنوان یک هدیه نوروزی تقدیم هم وطنان عزیزی می کند تا ارزش و اعتبار سنن و یادگارهای عزیز و تاریخی نزد ما به بزرگی حفظ و نگهداری شود.

فرانسه

پاریس شهری است که میزبان دهها هزار ایرانی است و امسال در این شهر زیبا و دیدنی ایرانیان الحق گل کاشتند و بر خلاف تمامی سالهای گذشته همه برنامه های نوروزی ایرانیان در پاریس پر رونق بود و با اینکه ترافیک برنامه ها به هم بسیار نزدیک بود ولی استقبال و حضور هم وطنان در تمامی برنامه ها چشمگیر و استثنایی بود در ایام نوروز پاریس یک مهمان ویژه هم داشت که نامی ماندگار و عزیز برای



نوروز سال ۱۳۸۵ را می توان نقطه عطفی در تاریخ ۲۷ ساله حضور رژیم جمهوری اسلامی و ملت ایران دانست زیرا چون سالهای اول انقلاب که خمینی و دار و دسته اش علیه نمادهای باستانی و سنتی ایرانی جبهه گرفتند و چهارشنبه سوری نوروز سیزده بدر را دست آورد شیطان خواندند ولی ملت ایران با دهان کجی و مشتاق تر از سالهای دور نوروز را پاس داشتند و امسال نیز رژیم ملایان به سرکردگی احمدی نژاد برای نوروز شمشیر از روی بستند و به بهانه ایام ماه صفر و عزا داربهای مذهبی

سوپر و شیرینی سرای مازندران

سوپر و شیرینی سرای مازندران با کلیه محصولات و مواد غذایی ایرانی ، آخرین نوارهای اورینتال ، فیلمها و شوهای جدید و مرغوب ترین خاویار ایران در خدمت هموطنان عزیز است



159 UXBRIDGE ROAD
WEST EALING W13 9AU
Tel:020 8579 9500

قهوه خانه و ساندویچ
نارنج افتتاح شد

201 UXBRIDGE ROAD
WEST EALING W13 9AU
Tel:020 88405912



برگزار کننده مراسم سنتی و تاریخی و ملی کشور خود باشند برگزاری جشنهای مختلف در آلمان باعث شده بود چون سالهای گذشته کنسرتها بزرگ در این کشور شلوغ نباشد و غیر از یک کنسرت که در اورهان بود بقیه چون گذشته نباشد.

در انگلستان هم ایرانیان شاهد برگزاری دهها مراسم از سوی گروه های مختلف در این کشور بودند و با وجود اعلام برنامه های زیاد از سوی برگزار کننده گان ایرانیان در اکثر برنامه ها حضور داشتند و یک پارچه بزرگترین جشن ملی و تاریخی ایران زمین را با شادمانی برگزار نمودند. در مراسم سیزده بدر در لندن ایرانیان در چندین منطقه مختلف گرد هم آمده بودند و با شادمانی و خوشحالی به جشن و پایکوبی پرداختند جالب ترین نکات این مراسم را می



نوازنده چیره دستی است و کار خواننده گی او در استانداردهای خوب نوا زنده گی اش نیست هنگامه هم بعنوان یک خواننده تازه کار در صحنه بسیار مسلط و حرفه ای کارش را انجام داد.

شهادت هم در پاریس برنامه ای خوب را برگزار کرد و گروهی از دوست داران او یک شب نوروزی را با او سپری کردند.

مجید از هنرمندان ساکن پاریس است که او هم زمان با دو برنامه نوروزی دیگر مهمان جمعی دیگر از ایرانیان ساکن پاریس بود که با اجرای برنامه ای موفق شب شادی برای هم وطنان خود ساخت.

ایرانیان ساکن آلمان نیز با برپایی مراسم و جشنهای باشکوه نوروز امسال را بهتر از هر سال برگزار کردند سازمانها و انجمن های فرهنگی در شهر های مختلف آلمان با برگزاری مراسم چهارشنبه سوری نوروز و سیزده بدر باعث شدند دهها هزار ایرانی در نقاط مختلف آلمان گرد هم آیند و با شادی و هیجان و افتخار

شد در ارائه کاراکترهای خاص ایرانیان دید که با آوردن پرچم شیر و خورشید نشان و پوشیدن لباسهای آخوندی درواقع مشتی بر دهان گروهی واپسگرای قرون وسطایی زدند که نشان دهند ایران و ایرانی بارها در طول تاریخ امتحان حضور خود را پس دادند و با همه سختی ها و مرارتها



یک انگلستان ، یک لندن ، يك قنادی را

نامی که می شناسید و در عرض ۲۵ سال به آن اطمینان دارید

کلیه مایحتاج خود را مانند همیشه با بهترین کیفیت و قیمت از



سوپر قنادی رضاتهییه فرمایید

همه روزه انواع شیرینیجات خشك و تر

در قنادی رضا طبخ و به مشتریان عرضه می شود

High Street Kensington London W9 345

Tel: 020 - 7603 0924



و از تسهیلات استثنایی شرکت کاسادل سو بهره مند شوید



آب و هوای مدیترانه و سواحل رویایی
جنوب اسپانیا به شما اوج آرامش و
آسایش و لذت را هدیه می دهد
فقط با یک تلفن از مشاوره رایگان
شرکت کاسادل سو استفاده کنید

با مشاورین
فارسی زبان با
تلفنهای زیر تماس



TEL: +34 952 574040
FAX: +34 952 574043

GLOBAL INVESTMENT & MANAGEMENT LTD
URB, NUEVA TORREQUEBRADA
C.C. TORRENUEVA, LOCAL13
29630 BENALMADENA, MALAGA, SPAIN

تخت جمشید

سریع ، ارزان و قابل اطمینان

شماره جدید و ارزان قیمت از انگلستان به سراسر ایران
دیگر مجبور به پیدا کردن کارت ارزان قیمت تلفن و چندین شماره برای تلفن
به تهران و شهرستانهای ایران یا موبایل ایران نیست
تنها یک شماره نیاز دارید

08714250002 فقط ۸/۵ پنس در دقیقه

حتی از تلفن موبایل خود هم با همین قیمت می توانید به سراسر ایران
و (موبایل) با همین قیمت تلفن کنید (لطفاً با شرکت موبایل خود قیمت فوق را چک کنید)

08447792525 (5p)	08714252525 (10p)	09115172525 (15p)	09114352525 (20p)	0911528 2525 (25p)
Argentina	Armenia	Algeria - Mobile	Germany - Mobile	Afghanistan
Austria	Bangladesh	Bahrain	Labanon - Mobile	Austria - Mobile
Canada	Brazil	Egypt - Mobile	Netherland - Mobile	Belgium - Mobile
China	Colombia	Finland - Mobile	Nigeria - Mobile	Germany - Premium
Denmark	Cyprus - Mobile	Greece - Mobile	Norway - Mobile	Hjamaica - Mobile
France	France - Mobile	India	Oman	Hungary - Mobile
Hong Kong	Malaysia	Jordan	Palestine - Mobile	Italy - Mobile
Ireland	Nigeria	Latvia - Mobile	Portugal - Mobile	Kenya - Mobile
Italy	Pakistan	Lebanon	Saudi Arabia - Mobile	Libya - Mobile
Netherland	Russia - Mobile	Mali	Spain - Mobile	Qatar
Poland	Saudi Arabia	Palestine	Sweden - Mobile	Romania - Mobile
Russia	Turkey	Sweden - Mobile		Spain - Mobile
Singapore		Turkey - Mobile		Switzerland - Mobile
Spain				UAE - Mobile
Sweden				
USA				

از شماره های بالا می توانید بدون نیاز به اسم نویسی و دادن شماره کارت اعتباری و آدرس خود استفاده نمائید.

استفاده از شماره های تخت جمشید در صورت حساب شماره تلفن شما با ثانیه منظور خواهد شد

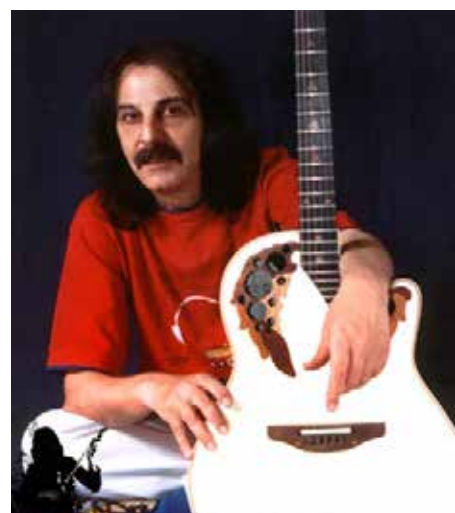
برای اطلاعات بیشتر با ما از طریق شماره 08700921090 تماس بگیرید و یا به سایت www.msglobe.net مراجعه نمائید



به لس آنجلس نقل مکان کند و حضور خود و گروهش را به محک آزمایش بگذارد.

کوروش یغمایی خواننده و نوازنده سرشناس قبل از انقلاب در ایران است آهنگ معروف گل یخ او زیانزد جوانان آن سالها بود و حالا پس از نزدیک به ۳۰ سال شاهد حضور فرزندان او بر صحنه هستیم .

کاوه پسر کوروش یغمایی است که چون پدر گیتار به دوش و آواز خوان در جاده هنری گام نهاده است آلبوم مترسک اولین برگ شناسنامه هنری کاوه است که در ایران پس از سالها مجوز تولید گرفت . کاوه مدتی است که از ایران خارج شده و به کانادا رفته و به همراه همسر و برادرش کامیل یک گروه هنری تشکیل داده اند که قرار است به زودی



کنسرت گذاران قمار بازانی همیشه بازنده

بعنوان سود گیرش بیاید که سالهاست تجربه و کارنامه این افراد نشان داده است درصد بسیار بالای این برنامه ها همه گاه با شکست مالی روبرو شده است . به راستی چرا باید این همه تلاش و زحمت همه گاه با ضرر و زیان برای برنامه گذار همراه باشد مجله رنگارنگ با توجه به تجارب ۲۰ ساله خود می تواند به این نکات اشاره کند.

عدم شناخت کافی برنامه گذاران از خلق و خوی واقعی هنرمندان عدم ثبات دستمزد هنرمندان در کشورهای مختلف تفاوت خواسته ها و توقعات هنرمندان در هر کشور و با برنامه گذار رقابت بی منطق برنامه گذاران با یکدیگر شناخت حرفه ای برنامه گذاردن با چارچوب قوانین حقوقی و به همین دلیل برنامه گذار چون طرح و الگویی مناسب و ثابت ندارد در هر برنامه گرفتار و اسیر حوادث و اتفاقات مختلف میشود که چنین مسیری نتیجه ای چون شکست و ضرر و زیان دارد که در شماره آینده مفصل در این باره خواهیم نوشت .

سالهای زیادی است افرادی بعنوان کنسرت گذار در کشورهای مختلف جهان عهده دار برگزاری برنامه های هنری هستند این افراد که در وهله اول عشق و علاقه شان به هنر و هنرمندان باعث کنشش آنان بوده است در این سالها غربت بیشترین تاوان را داده اند تا مردم دور هم جمع شوند و گروهی به نام هنرمند با گرفتن دستمزدهای خوب شبی را بخاطر مردم به صحنه بروند. اگر در نظر بگیریم مثلث مردم هنرمندان و برنامه گذاران را که در تمام دنیا این اساس وجود دارد مردم نقش اصلی و تعیین کننده را ایفا می کنند زیرا با خرید بلیط باعث کسب درآمد می شوند هنرمند هم با گرفتن دستمزد بعنوان حقوق که باید زندگیش بگذرد وظیفه دارد با اجرای بهترین برنامه رضایت و خوشحالی مردم را فراهم کند ولی در این میان برنامه گذار نقشی نامرئی و ناپایدار دارد سرمایه اولیه را او باید فراهم کند ماه ها تلاش و کوشش کند تا مقدمات و زمینه های برنامه را مهیا سازد و همه این دوندگی ها خرج کردنها و فشارهای روحی و روانی را در شبی به امتحان بگذارد که در پایان مبلغی

مژده به ایرانیان ساکن شهر ردینگ



سوپر کیان

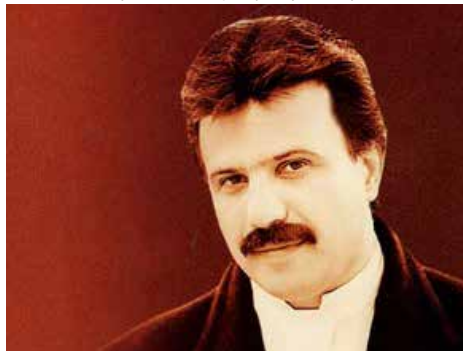
سوپر کیان مفتخر به ارائه بهترین محصولات ایرانی می باشد شما می توانید شیرینی جات، بستنی و فالوده ایرانی، خشکبار، ترشیجات و دیگر محصولات ایرانی را از ما تهیه فرمائید.

Tel: 011 8957 5362

48, Station Hill , Reading RG1 (روبروی ایستگاه قطار ردینگ با پارکینگ مجانی)

راحتی داخل ایران بروند و خارج شوند؟ چگونه است که بهمن مفید محمد خردادیان و گرفتار زندان توهین و می شوند ولی بیژن مرتضوی به راحتی می رود و می آید یا به قول دوستی شاید کارت بسیج دارد و محرم است به هر حال مجله رنگارنگ از شماره آینده این بحث را به طور گسترده و عمومی در سراسر جهان مطرح خواهد کرد که خط قرمز رژیم کجاست و گذشتن از این خط چگونه و با چه تعهد اتی امکان پذیر است و هنرمندان در برابر مجوز رفت و آمد به ایران چه وظایفی را باید بپذیرند و انجام دهند؟

از خوانندگان رنگارنگ هم می خواهیم با ارائه نقطه نظرات خود در این بحث شرکت کنند.



بیژن مرتضوی مسافری به ایران

چند سال پیش که در لس آنجلس هیاهویی به پا شد و گروهی از ایرانیان در مقابل هتلی جمع کردند و فریاد برآوردند که چگونه ممکن است ماموران رژیم که گویا پسر رفسنجانی هم در میان آنان بوده است با بیژن مرتضوی و حمید شب خیز جلسه ای داشته اند و حتی مردم چرخ های ماشینهای این افراد را هم دریده بودند هر چند این افراد منکر قضایا شده اند و تکذیب کرده اند تا اینکه زمزمه های سفر بیژن مرتضوی به ایران شنیده شد و گفته شده که او چند صبحی است خوش خوشان به ایران می رود و بهانه اش هم بیماری مادر است سوال این است که :

رژیم جمهوری اسلامی بر نام افرادی به نام مطرب لس آنجلسی فراری خط قرمز کشیده است و حتی هنرمندانی که در ایران مانده اند ۲۷ سال است زیر این خط قرمز رژیم نابود شده اند هنوز حق زندگی هنری ندارند حالا چگونه است که بعضی از این هنرمندان که شیوه و کارشان در تضاد با مقررات و قوانین رژیم است و به همین دلیل طاغوتی نامیده می شوند می توانند از خط قرمز رژیم بگذرند و به

مهسا با آلبوم اگه بری



مهسا از خوانندگان جدیدی است که با آلبوم اگه بری توانسته است خود را بعنوان یک چهره صاحب سبک معرفی کند در آلبوم مهسا ۶ آهنگ اجرا شده که هر یک تم خاص خود را دارد

پیام تجاری و آگهی تبلیغاتی خود را در

مجله رنگارنگ امتحان کنید تا متوجه تفاوتها شده باشید

غرفه مخصوص تلفن همراه
فروش، تعمیر و بازکردن قفل

سوپر مارکت آلما

در قلب فینچلی سنترال

هر آنچه یک خانواده ایرانی احتیاج دارد در سوپر

ساعت کار: ۸:۳۰ صبح تا ۱۰:۳۰ شب

TEL: 020 8349 3414

ALMA SUPER MARKET
151-153 BALLARDS LANE
FINCHLEY CENTRAL
LONDON N3 1LJ

تازه ترین
گوشت و مرغ



پای برج ایفل با مردی که صدایش بلند تر و رساتر و زیباتر از برج ایفل برای همه ایرانیان است

دارایی توپ زد و عناوین قهرمانی هم به دست آورد.

از این شماره کارنامه جذاب و شیرین زندگی اکبر گلپایگانی را با هم می خوانیم و برای ثبت در تاریخ حفظ می کنیم این گفتگو چند شماره به درازا خواهد کشید که سیاسی اندک در برابر مردی بزرگ است .

تنها صداست که می ماند و یک دنیا خاطره

با باز شدن در خانه شماره ۵۴ در آن منطقه شمالی تهران دریچه ای به باغ رویاها و خاطرات کوچه های کودکی ام گشوده می شود با اینکه صاحب خانه را پیش از آن هرگز ندیده ام برایم غریبه نیست صدایش در آن بیلاق مصفاي جاده هراز کنار چشمه حریری و زیر درختان بلند بید مجنون و تبریزی هنگامی که ماه بالا سر آن کوه کوچک مقابل ما در می آمد گوشمان را نوازش می داد سکوت کوهستان با صدای او که از گرام پخش می شد در هم می شکست و همه را به سکوت وا می داشت آوازهایش را در کوچه های کودکی بی دانستن شناسنامه درستی از خواننده اش زمزمه می کردیم و بزرگ می شدیم در نوجوانی

وقتی صحبت از او می شد می گفتند تنها سلطان آواز ایران است و حنجره ای طلایی در او به ودیعه نهاده شده است در سالهای پایانی دهه سی پا به عرصه هنر ایران نهاد و از آن هنگام تا سالهای آغازین انقلاب آواز ایران تحت سیطره نام او قرار داشت یکی از چند چهره تابناک برنامه گلهای که خاطره اش

بکشنبه بعد از ظهر در پاریس است و پس از سالها یک بار دیگر فرصتی دست داده تا با مرد اسطوره ای دنیای موسیقی کشورمان همکلام شوم پیوند نسل من و حتی نسل قبل و بعد از من با سوز و سازهای عاشقانه صوت ملکوتی اکبر گلپای زندگی کرده است نیم قرن و جالب اینکه نیمی از این سالها را او در سکوتی اجباری گذرانده است .

به همراه اکبر گلپایگانی ویار و یاور همیشگی زندگیش گلرخ گرا یلی ساعاتی را در خانه دکتر عباسی گذرانده ایم
با گلپای می توان از هر دری سخن گفت او عصاره تجربه و زندگی اجتماعی است
با همه محبوبیت و اعتبار و ارزش هنریش متواضع و فروتن و مردم دار است با هر غریبه ای چنان گرم و صمیمی برخورد می کند که گویی سالها دوستی و آشنایی میانشان بوده است گلپای به همراه خود هدیه ای به ما می دهد که کارنامه زندگی هنری او را در خود جای داده است شماره ویژه ای اختصاص به اکبر گلپایگانی در مجله ای به نام موسیقی قرن ۲۱ که شامل مرور زندگی او دوستان و یاران و همکاران و بخشی هم اختصاص به گلبانوی زندگی گلپای همسرش گلی خانم دارد ما هم برای شما عزیزان بخش هایی از این نشریه را به امانت گرفته ایم و چون مصاحبه با گلپایگانی به صورت تلویزیونی بوده و در سه قسمت از تلویزیون رنگارنگ لندن در سراسر جهان پخش شده است این مصاحبه را هم به صورت نوشتاری به آینده وا می گذاریم.

در سال ۱۳۱۲ در محله تکیه زرگرها در دهمین روز دی ماه چشم به جهان گشود دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس فرهنگ دبستان اقبال دبیرستان بدر و در سال ۱۳۲۷ ورود به مدرسه نظام و در نوجوانی به ورزش فوتبال روی آورد و در باشگاه تهران جوان به سرپرستی استاد فقید حسین فکری آموزش دید و سالها در تهران جوان و باشگاه

همواره در دل و جان علاقمندان موسیقی زنده است حالا صاحب آن صدا در مقابلم نشست است دیگر آن چهره شادابی را که از او در تلویزیون سالهای قبل از انقلاب در ذهنم به جا مانده ندارد اما امیدواری جزئی از برق چشمانش است که هنوز می درخشد از هنگام ورود دوباره او به عرصه آواز ایران تاکنون چند ماهی بیش نمی گذرد از دو کاست جدیدش چنان استقبالی شده که طی سالیان بعد از انقلاب از هیچ خواننده ای نشده است طبق آمار منتشره در هفته های جاری هنوز رکورد پرفروش ترین نوار را در اختیار دارد رقمی شگفت آور . روز پیش از این دیدار از سوی کمیته ملی المپیک ایران به عضویت افتخاری کمیسیون پیشکسوتان ورزش ایران انتخاب شد در این باره می گوید:

برای من باعث افتخار است که به عضویت یک نهاد ورزشی در آمده ام اگر آدم اهل محفل دود و دم باشد ننگ آور است .

سال پیش نیز دکترای افتخار اقتصاد و هنر یونسکو به او اعطاء شد در این باره می گوید :
اعطاء این دکترای و قدردانی هایی از این دست به انسان امیدواری می دهد که ارزش هنر هیچ گاه فراموش نخواهد شد بعد کمی سکوت می کند نگاهش را به بالای چناری که در انتهای حیاط قرار دارد می دوزد و می گوید: اما من دکترایم را چهل و چهار سال پیش از مردم گرفتم اعتباری که هنوز هم به قوت خود باقی است این را نگاه مهربان و رفتار صمیمی مردم به من می گوید ابراز احساسات هموطنانم در غربت هم به من نشان میدهد همین برایم کافی است عشق مردم.

هر روز ساعاتی را به ورزش می گذرانم می گوید: اگر تیم فوتبال پیشکسوتان هنرمند هم تشکیل شود در آن بازی خواهم کرد لحظه ای سکوت می کند می خندد و می گوید اما فقط در بغل چپ . همت او را پایدار ماندن و بازگشت دوباره اعتماد به نفس عجیبی را می طلبد. پازولینی یکی از آوازه های گلپای را در فیلمش گنجاند و صدای آواز خوش آواز خوان بزرگ ایران را به گوش جهانیان رساند به مصاحبه ما با این هنرمند ارزشمند آواز ایران توجه بفرمایید.

حنجره طلایی از زندگی خود سخن می گوید در سالهایی که رژیم جدید ایران داشت پایه





های حکومت خود را بنا می نهاد و در دورانی که هنوز نسل داش مشدی ها میدان دار هر کوی و برزنی بودند من در زمستان سخت سال هزار و سیصد و دوازده در محله تکیه زرگرها در خیابان ری به دنیا آمدم در یکی از کوچه هایی که جوی آب از میانشان می گذشت در جوی های آب سوراخ هایی کنده بودند که آب جوی را به آب انبار خانه ها می ریخت یک توری هم جلوی سوراخ نصب کرده بودند تا جلوی ورود آت و آشغالها را بگیرد اما با این همه آب انبارها همیشه پر از خاکشیر بودند به هر حال از آن سالها چه انتظاری می توان داشت ؟ من فرزند اول خانواده ای بودم که بعد از من صاحب چهار پسر و دو دختر دیگر شدند پدر تعریف می کرد قبل از من آنها صاحب فرزندی شده بودند که نماند و مرد.

پدر چکاره بود؟

پدر بزرگ اهل گلپایگان بود و در معامله پنبه، از او دو دختر و دو پسر به جای ماند که بعد از فوت پدر بزرگ به تهران کوچ کردند پسر بزرگ به کار فرش پرداخت و پسر کوچک که پدر من باشد به جمع روحانیون پیوست .

صدای خوش در خانواده شما موروثی بود و یا از شما آغاز شد؟

صدای خوش ارثی بود که در خانواده پدری ما از پدر به پسر رسید. می گویند پدر بزرگ چنان صدای خوش و غرایبی داشت که زبانزد خاص و عام بود پدر نیز به خاطر صدای خوشش به حاج حسین بلبل شهرت داشت.

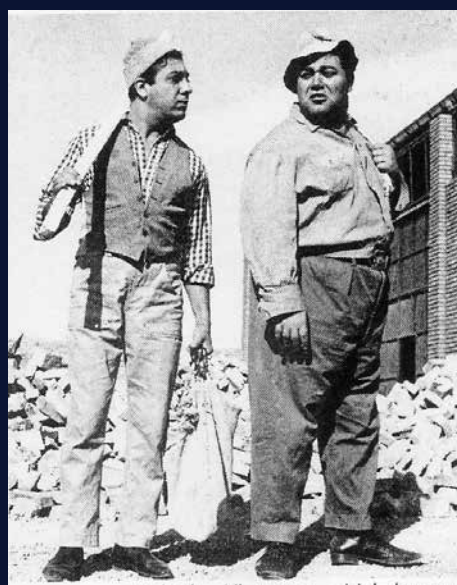
از چه زمانی عشق به صدای خوش را در خود کشف کردید؟

وقتی انسان با صدای خوش بزرگ می شود وجود آن در همه زوایای آشکار و پنهان روحش حس و بالطبع هر صدای خوشی او را به سمت خود جلب می کند در آن روزگار تعزیه یکی از بهترین سرگرمی های مردم تهران بشمار می آمد بساط تعزیه در هر محله ای بر پا بود و مردمی که به دیدن تعزیه میآمدند دوره گرد بودند عده ای که مومن بودند و می آمدند تا بر درد و رخ شهدای کربلا گریه کنند و گروهی که تنها به عنوان یک سرگرمی به آن نگاه می کردند اما تعزیه برای من جایی برای شنیدن صداهای خوش و متفاوت بود من همواره به همراه پدر به دیدن تعزیه می رفتم وقتی همه غرق تماشا بودند متوجه کودکی نبودند که محو صداهای خوش بود هنوز صدای کسی که در نقش حضرت عباس (ع) بازی می کرد و می خواند در گوشم می پیچد که می خواند: آمدم آب برم بهر حسین بن علی . بعد ها فهمیدم این را در راک عبدالله می خواند . و خانی که نقش حضرت زینب (ع) را ایفا می کرد دشتستانی می خواند یا شمر که رجز می خواند. یک ابراهیم گردن بود که ردیفها و دستگاه های موسیقی ایرانی را می شناخت

او از خوش صدا ترین تعزیه خوان های تهران بود من معتقدم که تعزیه به حفظ موسیقی ایرانی کمک بسیاری کرد.

اولین بار که صدای خوش را در شما کشف کردند یا خودتان حس کردید صدای خوشی دارید مربوط به چه زمانی میشود؟

غیر از تجربه های پنهان یا زمزمه های آرام و ناخود آگاهی که هر کودکی دارد متأسفانه اولین تجربه ملموس من با یک خاطره تلخ و دردناک همراه شد یک روز پای مادر به خاطر زخمی که برداشته بود عفونی شد آن موقع هم که آمپول ضد کزاز به شکلی که امروز در دسترس هست وجود نداشت سعی کردند با داروهای خانگی معالجه اش کنند نشد تب و لرز کرد و بیماری اش سخت شد تمام وجودم می لرزید پای پله ها نشسته بودم مگر کودک شش هفت ساله آن دوران می توانست چه تصویری از مرگ داشته باشد فقط یک حس غریب به او می گفت که نگران حال مادر باشد خاله ام که مرا بسیار دوست می داشت وقتی التهاب مرا دید گفت حال مامانت خیلی بده . با لحنی کودکانه و پر از رخ پرسیدم چیکار کنیم؟ گفت برو پشت دیوار اذان بگو تا حال



مامانت خوب بشه . وقتی اذان گفتنم تمام شد تشویقم کرد و گفت ببین حال مامانت چقدر بهتر شد او می خواست به من امید بدهد و از التهام بکاهد مادر اما فوت کرد ولی آنها دریافته بودند که من ته صدایی دارم این را بعد ها خاله برایم تعریف کرد. یک ماه بعد از مرگ مادر یقه ما را چسبیدند چند تا نوشته شعر مانند به من دادند و گفتند اینها مناجاته برو برای شادی روح مادر مناجات بخوان . از آن شب به بعد کار من این شده بود که هر شب به پشت بام بروم و مناجات بخوانم کم کم این مسئله به صورت یک تمرین درآمد و این احساس در من به وجود آمد که می توانم بخوانم چون خواندن را دوست داشتم از تکرار خواندن بدم نمی آمد.

یعنی این باور در شما شکل گرفت که باید این ته صدا را تربیت کنید چه کسانی تربیت این صدا را به عهده گرفتند؟

وقتی شما چیزی را دوست دارید حس آن شما را به محض نزدیک شدن متوقف می کند و به شما می گوید این همان چیزی است که می خواهید. توجه کن! پیرمردی در محله ما زندگی می کرد که خرازی داشت و ما از مغازه اش مداد و پاک کن می خریدیم قاری مساجد هم بود وقتی برای خرید به مغازه اش می رفتم متوجه می شدم که آرام زیر لب آواز می خواند صدای خوشی داشت توقف های کوتاه من و توجه به صدای او وی را متوجه این علاقه کرد و با آشنایی که با خانواده ما داشت یک روز از من خواست تا قطعه ای بخوانم من هم یک شعر کودکانه برایش خواندم از آن پس هر وقت به مغازه اش می رفتم برایم می خواند و راجع به دستگاه ها توضیح می داد وقتی خبر این علاقه به گوش پدر رسید شخصا تعلیم مرا به عهده گرفت و چنان با علاقه و منظم به تعلیم گوشه ها ردیف ها و دستگاه ها پرداخت که به آینده من و پیشبرد آن کمک بسیاری کرد پس اولین معلم من همان محمود آقا خراز بود و اولین مربی جدی تعلیم صدایم

با ابتکار مجله رنگارنگ پنجره ای به روی کسانی که می خواهند وارد دنیای مد شوند گشوده شد.



مجله رنگارنگ باتوجه به استقبال هموطنان و همچنین بادر نظر گرفتن بخشی از نیاز جامعه ایرانی که نشان میدهد خیل عظیمی از ایرانیان در رده سنی مختلف علاقه مند به کارمدلینگ هستند اولین آژانس رسمی بنام Hannah Modeling Agency به ثبت رسانده و طبق قوانین حقوق و صنفی در انگلستان اعلام موجودیت می نماید و کسانی که مایلند بصورت جدی فعالیت داشته باشند میتوانند بادر دفتر این آژانس تماس گرفته و اطلاعات بیشتر رادریافت نمایند 02087319333

هدف از انجام چنین برنامه ای به منظور شرکت دادن علاقه مندان به مدل شدن در دومین جشنواره سپاس است که قراراست بزودی در لندن برگزار گردد. در دومین جشنواره سپاس که اختصاص به محبوبترین چهره های هنری انتخابی مردم دارد بخشی نیز به اولین ثنوی مد ایرانی اختصاص دارد و کسانی که در چند مرحله انتخاب شده اند بعنوان مدل های ایرانی شرکت خواهند نمود که در این جهت نامهای شناخته شده ای چون جواهری مظفریان - کیف و کفش گلچین - طراحان بزرگ لباس شهرروز و شهرزادماکویی و میکاپ آرتیست نیز همکاری خواهند داشت در دومین انتخاب این برنامه که مرحله دوم آن نیز برگزار شد

چنانچه شما نیز علاقه مند شرکت در این برنامه جذاب هستید میتوانید جهت حضور در مرحله سوم بادر دفتر مجله رنگارنگ تماس بگیرید و در این برنامه شرکت کنید چون حضور در چنین برنامه هایی که زیر نظر افراد باصلاحیت و با سابقه روشن در جامعه ایرانی برگزار میگردد. استعداد، علاقه، اعتماد بنفس و شخصیت اجتماعی شما را تقویت نموده و باعث میشود جریه ای جالب برایتان به ارمغان بیاورد. منتظر تماس های شما برای مرحله سوم (مدلینگ) هستیم.

Hannah Modeling Agency

اولین آژانس رسمی ثبت شده طبق قوانین حقوق و صنفی در انگلستان اعلام

موجودیت می نماید و کسانی که مایلند بصورت جدی فعالیت داشته باشند

میتوانند بادر دفتر این آژانس تماس گرفته و اطلاعات بیشتر رادریافت نمایند

02087319333

سرخوشت عجیب و تاریخ ساز دو خواهر



دکتر فاطمی وزیر امور خارجه دولت مصدق

رسوایی روبرو شدند. زیرا تیمسار مهدی رحیمی با قامتی ایستاده و کلامی محکم به دفاع به اعتقاداتی که داشت پرداخت تا نشان دهد از جنس مرام و اعتقاد است شاهان عینی آن جلسات غیر انسانی حتی می گویند تیمسار رحیمی سیلی محکمی به گوش ابراهیم یزدی نواخت. تیمسار مهدی رحیمی را با چند افسر دیگر تیر باران کردند و این در حالی بود که او محکم و استوار مقابل جوخه اعدام ایستاد و با سرود ای ایران در خون خود غلتید و اما حکایت تاریخ اینکه این دو مرد شجاع همسرشان دو خواهر به نام های پریش و منیژه سیوتی بودند که شوهران شان در دو مقطع خاص تاریخ ایران اعدام شدند ولی هر یک با صلابت و افتخار پریش همسر دکتر حسین فاطمی بود و منیژه همسر



دکتر فاطمی در دادگاه شاه

تیمسار رحیمی

مردان این دو خواهر با پذیرش مرگ با افتخار نامی بزرگ از خود بجای نهادند سرلشکر سیوتی از افسران برجسته در ارتش رضا شاه بود و پریش و منیژه فرزندان این افسر رشید دوران رضا شاه بودند زندگی حکایتی عجیب و استثنایی است و زندگی انسانها

همسران این دو خواهر در ۲ مرحله تاریخی نامی پر ارزش و پر افتخار از خود به جای نهادند

دکتر حسین فاطمی همسر پریش
تیمسار مهدی رحیمی همسر
منیژه



تیمسار مهدی رحیمی و پریش

دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه دولت دکتر مصدق بود که پس از حادثه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت مصدق به اعدام محکوم شد و دلیل آن هم پایبندی دکتر فاطمی به اعتقادات و آرمانهایش بود و حتی در برابر جوخه اعدام نیز با رشادت و سرافرازی ایستاد.

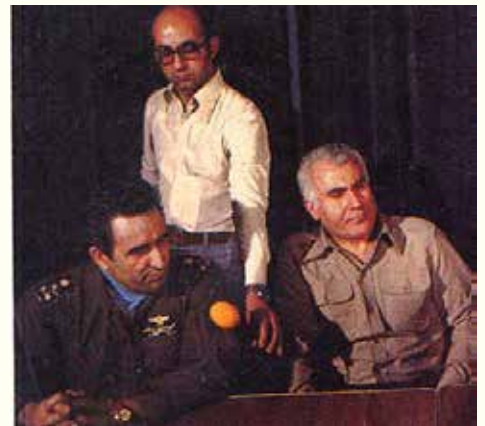
او در روز ۱۹ آبان ۱۳۳۳ اعدام شد و آخرین فریاد او پاینده ایران بود.

۲۴ سال بعد یک بار دیگر ملت ایران در روزهای بحران زده انقلاب شاهد ظهور مردی دیگر از جنس استقامت و ایستادگی و پایداری بودند. میوه دزدان انقلاب در روزهای احساس زده مردم سینه افسران ارتش ایران را می دریدند. ابراهیم یزدی تفاله استعمار جهانی در آن روزها میدان دار بود و نقش نوکر و پادوی خمینی ملعون را بازی می کرد و در یک نمایش تلویزیونی که پادوهای انقلاب می خواستند با خوار و زیون کردن یکی از سربازان ایران به تبلیغات پردازند با



تیمسار مهدی رحیمی و همسرش منیژه

به جرات می توان گفت در تاریخ حماسه ساز ملت ها کمتر چنین حوادثی عجیب و تاثیر گذار رخ داده است که دو خواهر زنان زندگی مردانی باشند که در تاریخ کشورشان نامشان با احترام و ستایش برده شود



تیمسار مهدی رحیمی در دادگاه خمینی

اعتقاد و اصول اخلاقی و پایبندی به مرام سیاسی در هر انسانی باشد ستایش برانگیز است حتی دشمنان هم به چنین افرادی با تحسین و ستایش برخورد می کنند در تاریخ ۵۰ ساله سیاسی معاصر ایران دو رویداد ماندگار در ذهن تاریخی ایرانیان نقش بسته است ۲ اعدام سیاسی از سوی دو رژیم پهلوی و خمینی نام دو مرد بعنوان ۲ سردار معتقد و مومن به اعتقاداتشان به ثبت تاریخ سپرد.

نسل دوم ایرانیان خارج از کشور سر به آسمان موفقیت و پیروزی و ژرور می ستایند

ربع قرن از کوچ میلیون ها ایرانی از کشورشان می گذرد این گروه بزرگ که اکثرا در جوان سالی یا میان سالی مجبور به ترک وطن شدند خود پرورش دهندگان نسلی جدید شدند هرچه در سرزمین اسیر و دریند مان فردای تاریک و مبهم در برابر جوانان قرار گرفته است در این سو دور نمایی آزاد پر از امکانات و قابل پیشرفت وجود داشت جای تاسف که چرا ما ایرانیان دچار چنین مصیبتی غم بار شدیم مایی که کشورمان با داشتن ثروت های بی شمار فرهنگ و تاریخ کهن آب و هوایی استثنایی باید غرق در فقر و اعتیاد و فساد باشد. نسل دوم ایرانیان در خارج از کشور که نماینده کوچکی از نسل بزرگ اسیر در ایران است توانست نشان دهد که استعداد و نبوغ و شایستگی در خمیرمایه ذاتی ایرانی وجود دارد و در مقایسه با سایر ملت هایی که حتی چند دهه و گاهی چند قرن به کشورهای دیگر کوچ کرده اند یک سر و گردن ایرانیان برتر و بالا تر هستند در این شماره از میان صدها چهره مطرح در جهان امروز نمونه هایی از این جوانان موفق را برایتان انتخاب کرده ایم که مسلما تنها اشاره ای کوچک به کارنامه ای قطور است و از همه شما هم وطنان عزیزمان می خواهیم در شناسایی و معرفی این چهره های موفق با مجله رنگارنگ همکاری کنید



سلطان کمالی قهرمان پرورش اندام

کمالی در سال ۱۹۷۲ به دنیا آمده و امروز ۳۴ سال دارد او موفق شده است عنوان قهرمانی پرورش اندام را از شهر محل سکونتش در واشنگتن دی سی شروع کند و به تدریج به سایر ایالت های آمریکا و سپس به قاره های دیگر برسد به او لقب کینگ یعنی سلطان داده اند و به حق او یکی از زیباترین اندام های پرورش یافته در جهان بدن سازی را دارد بارها و بارها عکس او روی جلد نشریات معتبر جهان چاپ شده است او یکی از فرزندان لایق ایران زمین است که باعث خلق عناوین بزرگ جهانی به نام یک ایرانی شده است



بزرگترین و مدرنترین مرکز فرهنگی ایران در لندن.

وارد کننده و پخش کننده کتابهای چاپ ایران و خارج و آلبوم های موسیقی از شرکتهای ترانه، کلتکس، پارس، آونگ، چهره نما، MZM و کیا

انواع سازهای ایرانی همراه با کتاب نت و فیلمهای آموزش موسیقی

فرهنگسرای لندن

نماینده رسمی پخش کتاب آئین نامه رانندگی به زبان فارسی

قیمتهای جدید در فرهنگسرای لندن

برگ	£	نویسنده	عنوان
357	30	منصوره پیر نیا	روایت خاطرات اردشیر زاهدی
242	4	اکبر گنجی	مانیفست جمهوری خواهی
828	19	پل ژاگو	راهنمون کلمات الهام بخش
496	10	شمس الدین محمد حافظ	مثن کامل فال حافظ با معنی

CD £6

Tape £3

CD/DVD/ Double CD £8

VHS £7

DVD £10

قیمت بسیاری از کتابها نیز تا ۳۰٪ کاهش یافته است.

1261, Finchley Road, Temple Fortune, London NW11 0AD

Tel: 020 8455 5550 Fax: 020 8201 8506

www.farhangsara.co.uk

پگاه انواریان طراح بزرگ ستارگان جهان

پگاه انواریان از مطرح ترین و سرشناس ترین طراح های لباس در جهان است طرح های ابتکاری و خلاق او مشتریان سرشناسی در جهان دارد شوهای مد او در فصل های گوناگون با استقبال و توجه رسانه های معتبر جهان روبرو میشود.

او در امریکا زندگی می کند ولی به دلیل حرفه خود همه گاه در مسافرت های مختلف به سراسر جهان می باشد پگاه انواریان از نمونه زنان خود ساخته و نابغه ای است که توانسته است در دنیای بی رحم و پر رقابت مد نامی بزرگ و افتخار آفرین برای سرزمینش ایران کسب کند



گروه DEPARTURE



چهار جوان ایرانی به نام های
بوریس براز : فرهاد کاظمی : رضا جهانگیری و زوبین مولوی

گروهی به وجود آورده اند به نام DEPARTURE

که اولین قرار داد خود را با اورلیا اینتر تنمنت بسته اند

آلبوم آنان به وسیله کمپانی معتبر آرماد رکوردز

به بازار آمده است و اولین آلبوم آنان به نام

SHE TURNS با موفقیت بسیار

روبرو شده است

آهنگ این گروه به نام های

WITH OUT YOU NEAR

SHE TURNS

DID YOU KNOW

به بازار عرضه شده است و کمپانی

بین المللی نیسان هم اسپانسر این گروه

سوپر مارکت زمان

بازارچه ای در قلب کنزینگتون

آجیل، تازه ترین سبزیجات و میوه های ایرانی

ویدیو کلاب زمان بهترین کاست ،سی دی و ویدیوهای
ایرانی را با تخفیف ویژه در اختیار شما قرار می دهد.

Tel: 020 7603 8909

347Kensington High St. W8



تلویزیون رنگارنگ لندن در منازل میلیونها ایرانی در سراسر جهان

از طریق کانال جهانی CHANNEL ONE



باره کنسرتها برنامه گذاران
خوانندگان و مردم

روشنگری و افشاء گری در باره
فعاليتهاي رژيم ملايان در خارج

تلویزیون رنگارنگ لندن با
سابقه ۱۴ ساله حرف اول
رسانه های تصویری ایرانیان در
اروپاست

می گردد
در این برنامه شما شاهد
گزارشهایی از فعاليتهاي ورزشی
در ایران و جهان خواهید بود
مصاحبه با قهرمانان و هنرمندان
سرشناس

معرفی چهره های جدید در دنیای
ورزش و موزیک و سینما و تئاتر
معرفی چهره های علاقه مند به
حرفه مدل شدن
تفسیر و گزارش هایی در

جمعه شبها :
از ساعت ۸/۳۰ دقیقه شب به
وقت انگلستان ۹/۳۰ به وقت اروپا
شنبه ها :
صبح از ساعت ۸ به وقت
انگلستان

بیننده قدیمی ترین کانال
تلویزیونی ایرانی در اروپا باشید
ورزش و هنر برنامه ویژه هفتگی
تلویزیون رنگارنگ که از طریق
شبکه جهانی کانال یک پخش

اطلاعیه تلویزیون رنگارنگ لندن

تلویزیون رنگارنگ لندن با سابقه ۱۴ ساله فعالیت تصویری که چندین سالی است از شبکه های جهانی
نیز پخش می گردد جهت تولید برنامه های اروپایی خود در زمینه های زیر

بازیگر

مجری

گزارشگر

بازاریاب جهت معرفی چهره های موفق در زمینه تجاری علمی پزشکی هنری و آگهی های جاری
تلویزیون رنگارنگ لندن تنها کانال تصویری ایرانی در جهان است که از کانالهای کیبل و سته لایت در
سراسر دنیا به منازل میلیونها ایرانی می رود

۰۲۰۸۷۳۱۹۳۳۳



سدرینا



زندگی مشترک زن و مرد با بچه ها رنگ و بویی دیگر می گیرد عشق و علاقه مشترک کادر و پدر به فرزند زیباترین و معنوی ترین احساسات و عواطف است لذت و شیرینی لحظات زندگی فرزند برای پدر و مادر وصف شدنی نیست و مجله رنگارنگ از این ماه صفحاتی را اختصاص به این آلبوم خاطره انگیز و دوست داشتنی میوه های شیرین زندگی خانواده های ایرانی اختصاص داده است و از نوزادان تازه تولد یافته تا نوجوانان ۱۶ ساله می توانند در این آلبوم بیاد ماندنی جای داشته باشند که مسلماً بعدها همین عکس ها خاطرات بسیاری را زنده می کند چنانچه مایل هستید عکس عزیزانتان در این صفحات باشد با ما تماس بگیرید تا شرایط چاپ تصاویر عزیزانتان را اعلام کنیم



قابل توجه ایرانیان ساکن شمال لندن

سو پر ساوالان

سوپر ساوالان بازارچه ای را زیر یک سقف برای شما تدارک دیده است

مدیریت سوپر ساوالان فضای جدیدی را برای عرضه بهترین و تازه ترین گوشت و مرغ با قیمت های مناسب اختصاص داده است

سوپر ساوالان همه مایحتاج شما را از شیرینی آجیل و میوه های تازه : ماهی سفید و دودی و سبزیجات مختلف را تدارک دیده است .

سوپر ساولان کماکان بهترین های ویدئو کاست و سی دی را
5&6, Queens Parade, Green Lane
London N8 0RD

Tel: 020 8347 8822 ساعات کار ۸ صبح تا ۱۲ شب

شرکت بین المللی حمل و نقل اورکس (لندن)



we are different!



حمل محموله های سفارشی از سراسر انگلستان با قیمتهایی باورنکردنی به مقصد ایران

تا ۱۰۰ کیلو ۱/۵۰ پوند

تا ۳۰۰ کیلو ۱/۲۵ پوند

تا ۵۰۰ کیلو ۱/۱۵ پوند

از ۱۰۰۰ کیلو به بالا فقط ۹۰ پنس

دفاتر ما در لندن ، دبی و بانکوک با ده سال سابقه پذیرش سفارشات شما به ایران است

حمل و نقل ارزان ، سریع با صرفه و مطمئن با کادری حرفه ای و کارآزموده

شرکت اورکس با سرویس سریع DOOR TO DOOR از انگلستان به تهران و دبی سفارشات شما را انجام می دهد

شما می توانید در سراسر انگلستان محموله های سفارشی خود را به ما تحویل دهید و ما آن را به مقصد مورد نظر شما انتقال خواهیم داد

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن : 02087575930

و شماره فکس 02087575925 تماس حاصل فرمائید.

Warehousing • Packing • Local Transportation • Custom Formalities

WWW.EVEREXGLOBAL.COM

London

+44(0)208 757 5930
uksales@everexglobal.com

Tehran

+98(0)21 4466 4462
irsales@everexglobal.com

Dubai

+971(0)4 299 0445
uaesales@everexglobal.com

Bangkok

+66(0)2 535 7901
thsales@everexglobal.com



ماهان

نامی قابل اعتماد در تهیه و تولید مواد غذایی در خارج از کشور

شرکت ماهان با عرضه بهترین اجناس ایرانی اعم از سبزیجات خشک، ترشیجات، شیرینی های ایرانی، انواع آجیل و خشکبار، زعفران، مرباجات و خرمای رطب، برج باسماتی مهیار و پلوپز شهرزاد، بستنی و فالوده اصیل ایرانی و همچنین ارایه محصولات شرکت های یک یک ، مهیار در خدمت هموطنان عزیز است.

بالاخره انتظارها به سر رسید :

سسویس و کالباس باب طبع ایرانیان



بستنی ، فالوده و دوغ گازدار سنتی

در تمامی اروپا شهره عام و خاص است

سفره خود را با محصولات ماهان رنگین کنید



Tel: 020 8963 0012

Fax: 020 8963 0090

MAHAN FOOD Ltd
21A, DRAGOR ROAD
LONDON NW10 6JN



تحقیق نشان داد کودکانی که در خواب خرناس می کشند، این خصیصه را از والدین خود به ارث برده اند.

محققان بیمارستان مراقبت های ویژه کودکان شهر سینسیناتی ایالت اوهایو، گفتند کودکانی که پدر و مادرشان، در خواب خرناس می کشند، سه برابر بیش از کودکان عادی، به این عادت، مبتلا می شوند. براساس این تحقیق، همچنین کودکانی که به عوارض اولیه حساسیت و آسم مبتلا هستند، دو برابر بیش از باقی کودکان، خرناس می کشند.

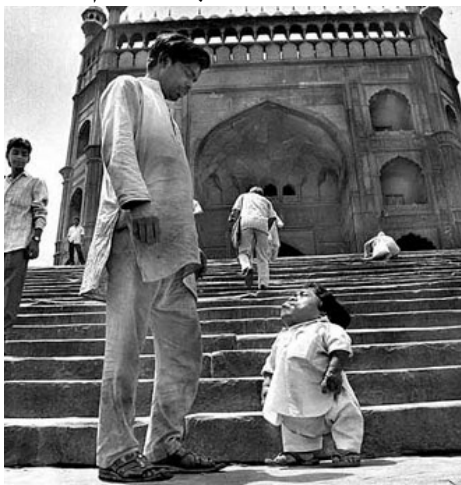
دکتر مانیندر کارلا، مدیر گروه تحقیق گفت: کشف زودهنگام این موضوع، به پزشکان کمک می کنند بتوانند در معالجه آن پیشتر بکوشند و نگرانی های کودکان درباره خواب و خرناس کشیدن را کاهش دهند.

چرا وقتی می ترسیم رنگمان می پرد؟

وقتی که بسیار هیجانزده باشید، غده های فوق کلیوی ناگهان مقدار زیادی آدرنالین در خون ترشح می کنند آدرنالین سبب افزایش شدت ضربان قلب و کارایی آن میشود این ماده، رگهای متصل به ماهیچه ها را گشاد میکند و علاوه بر آن موجب افزایش غلظت قند در خون میشود به این طریق است که بدن خود را با شرایط تطبیق میدهد با تاثیر آدرنالین، خون از چهره به ماهیچه ها هجوم آورده و به بخش هایی که ضروری تر است جریان می یابد برای همین است که هنگام ترس رنگ از رخسارتان میپرد.



به نام کوتولگی یا نانسیسم رخ خواهد داد. مبتلایان به این اختلال، دارای جثه ای بسیار کوچک هستند. به طوری که گاهی بلندی قد آنها به یک متر هم نمی رسد. با این حال قوای عقلانی و بهره هوشی آنها در حد افراد عادی است. تصویر فوق از کوچکترین آدم کوتوله



دنیا اهل کشور هندوستان می باشد.

پیرزن ۸۲ ساله هندی، از دانشگاه فارغ التحصیل می شود

پیرزن ۸۲ ساله هندی، در ایالت اندراپرادیش در



جنوب هند. پس از تحصیل در رشته حقوق در یکی از دانشگاه های این ایالت، به زودی با ارائه پایان نامه اش، فارغ التحصیل می شود. برابها واثی گفت از کودکی آرزو داشته وکیل شود ولی به دلیل مسایل خانوادگی قادر به رسیدن به این آرزو نبوده است. وی افزود: شوهر، برادر و چهار نفر از فرزندان و نوادگان وی وکیل هستند و او را تشویق کرده اند تا با ارائه پایان نامه اش، فارغ التحصیل شود.

خرناس ارثی است



سگها هم لهجه دارند!

سگها با توجه به منطقه ای که در آن زندگی می کنند، دارای لهجه های متفاوت می شوند. برای انجام این مطالعه تحقیقاتی از صاحبان سگها خواسته شد در پیغام گیر تلفن صدای خود و صدای سگهایشان را ضبط کنند تا محققان بتوانند این صداها را بررسی کنند. با بررسی محققان مشخص شد: زیر و بمی و آهنگ صدای سگها در سراسر انگلیس با یکدیگر متفاوت است و سگها در تقلید صداهای قویتر و متمایزتر قابلیت بیشتری در مقایسه با صداهای آرامتر دارند.

هندوانه و پرتقال آرامش روحی می آورد



مصرف میوه تازه به ویژه هندوانه و پرتقال پس از ورزش سنگین موجب آرامش روحی و جسمی می شود.

محققان می گویند، هندوانه و پرتقال بخاطر داشتن انواع ویتامینها و املاح معدنی، نیاز بدن را به این مواد تامین و مایعات هدر رفته را جبران می کنند.

همچنین مصرف هندوانه و پرتقال و سایر میوه های تازه در ساعات اولیه پس از تمرینات ورزشی، قند مورد نیاز را به بدن می رساند و به خنک شدن بدن کمک می کند.

کوچکترین آدم کوتوله دنیا

هورمون رشد، شاید معروف ترین هورمون هیپوفیز قدما باشد. این هورمون، با واسطه تحریک ساخت هورمون ها و مواد دیگر، باعث رشد بدن در دوران کودکی و رسیدن به اندازه و ابعاد طبیعی یک فرد بالغ می شود. به علاوه هورمون رشد در برخی فعالیت های مربوط به سوخت و ساز بدن نیز وظایفی را به عهده دارد. در صورتی که این هورمون به هر علتی در دوران پیش از بلوغ به اندازه کافی ترشح نشود، رشد طبیعی مختل می شود و عارضه ای

محمود قربانی شوهر سابق گوگوش:

بهروز وثوقی ملیجک اشرف پهلوی بود



او در این برنامه با استفاده از محمود قربانی به دنبال دو هدف بود یکی تسویه حساب شخصی با گوگوش که امیر قاسمی را به دادگاه برد و محکوم کرد و از سویی برای لوندی مقابل ملایان که نشان دهد چگونه او از زبان مردی به نام قربانی حرفهایی بیرون می کشد که نشانگر فساد در میان اهالی رژیم گذشته بوده است .

محمود قربانی بیش از هر چیز به بهروز وثوقی در زندگیش اعتراض داشت و مدعی بود بهروز وثوقی ملیجک اشرف پهلوی بوده و زیر باد قدرت او دست به هر کار مشروع و نامشروعی می زده است که از جمله بر هم زدن زندگی مشترک گوگوش و قربانی بوده است .

اینکه پس از سالها محمود قربانی افساء گری می کند و حرفهایی می زند که مسلماً خیلی از آنها هم به حقیقت نزدیک است بحثی است ولی نقش کسی مثل امیر قاسمی که می خواهد برای دلبری رژیم آخوندی به فساد رژیم گذشته بپردازد

باید پرسید مگر پدر بزرگوار خودت یکی از عوامل با نفوذ و صاحب نام همان رژیم نبود

در یک مصاحبه تلویزیونی محمود قربانی صاحب کاباره میامی در قبل از انقلاب و شوهر سابق گوگوش و پدر کامبیز حرفهایی زد که طراح برنامه کسی نبود غیر از علیرضا امیر قاسمی چهره فعال رسانه به رسانه فعالیتها بودار هنری در خارج از کشور که این روزها با چهره وزارت اطلاعاتی شناخته شده ای چون منوچهر خوش زبان به طور علنی همکاری می کند .



و بعنوان کارگذاری شناخته شده در دربار پهلوی غلام حلقه به گوشت ارباب نبود و تو زیر سایه امکانات درباری رشد و پرورش نکرده ای ؟

هر چند در اوایل انقلاب بسیاری معتقد هستند پدر شریف جنابعالی چه خدمات ارزنده ای در لو دادن افراد به رژیم اسلامی انجام داد و جای تعجب نیست که می گویند پسر کو ندارد نشان از پدر.....

در باره حرفهای محمود قربانی و توطئه سیاسی امیر قاسمی مفصل خواهیم

خدمات ارزی و بازرگانی

راوندی

RAVANDI TRADE&FINANCE CO. Ltd

نامی مطمئن و آشنا

دفتر مرکزی لندن:

Tel: 020 - 7499 5455

Fax: 020 - 7629 2974

Oxford Street, 24 North Audley St

London W1K 6WD

Under New Licence No. 12113380

e-mail: jravandi@btconnect.com

دوبی:

Tel: (9714) - 22 72 765

Fax: (9714) - 22 77 920

email: ravandi@emirates.net.ae



روی خط جام جهانی

بکام:

انگلستان با وحدت به

جام جهانی می رود



دیوید بکام، کاپیتان تیم ملی انگلیس اطمینان دارد که هم تیمی هایش تا پیش از جام جهانی مشکلات مختلف خود و منجمله وضعیت شرط بندی هایشان را تحت کنترل خواهند گرفت.

وین رونی در حال حاضر مبلغ ۷۰۰ هزار پوند به شریک مایکل اوون بدهکار است و اسون گوران اریکسون، سرمربی سوئدی تیم ملی جزیره در هراس است که مبادا تیمش با غوطه ور شدن در شرط بندی و مسائل جانبی راهی آلمان شود.

اما دیوید بکام، ستاره انگلیسی رئال مادرید و کاپیتان انگلیس در آستانه برگزاری جام جهانی لب به سخن گشوده و راجع به شرط بندی هم تیمی هایش می گوید.

هافبک ۳۰ ساله برنابئو در این خصوص گفت: در انگلیس محال است که بازیکنان خود را درگیر چنین مسائلی کنند.

اتحاد و وحدت تیمی آنقدر بالاست که مهره ها هیچگاه تحت تأثیر این گونه مسائل جزئی قرار نمی گیرند. مردم می گویند که جریاناتی بین وین رونی و مایکل اوون برقرار است. شاید

دلیل این شایعات آن است که این دو در خط حمله قرار دارند.

اما از حالا بگویم که مشکلی در میان نیست. نه رونی و نه اوون هیچ کدام مشکلی از این بابت ندارند. و بر عکس بیشترین تفاهم و همکاری را با یکدیگر دارند. تیم ما به لحاظ فنی در سطح بالایی است و اگر بتوان مسائل روحی و اختلاف سلیقه در بین نفرات تیم را حل کرد دیگر مشکلی باقی نخواهد ماند.



ایتالیا نگران کاسانو

ایتالیایی ها هر روز بیش از گذشته نگران کاسانو و حضور او در تیم ملی این کشور می شوند.

مهاجرت ستاره باری به رئال مادرید نور امیدی را در دل هواداران او روشن کرده بود که خیلی زود خاموش شد.

چرا که بازیکن سابق جالوروسی نه تنها در رئال ندرخشید بلکه فرصت بازی و خودنمایی هم هرگز برایش فراهم نشد و هر روز کمتر از گذشته به میدان می رود.

اکنون هواداران کاسانو آرزوی دیدن او با پیراهن اصلی تیم را دارند و این احتمال هر لحظه کمزنگ تر می شود. او این هفته در بازی رئال مقابل ختافه تنها در دقیقه ۸۵ به جای پابلو گارسیا به میدان آمد و قطعا این فرصت

مناسبی برای هنرنمایی یا حتی تأثیر گذاشتن در روند مسابقه نیست و با این وضعیت تردیدهای مارچلو لیپی سرمربی آتزواری هم برای دعوت او روز به روز بیشتر می شود و با این شرایط به نظر می رسد کاسانو باید از جام جهانی آلمان خداحافظی کند.

با درخشش مهاجمانی چون اینترزگی و دل پیرو دیگر فرصتی برای کاسانوی نیمکت نشین باقی نخواهد ماند.

هرچند سرمربی آتزواری هنوز هم به بازگشت کاسانو امیدوار است و جا را برای او باز گذاشته است اما با این شرایط فعلا باید از آتزواری خداحافظی کند. هرچند برای او هنوز هم فرصت باقی است.

رونالدینیو:

به رونالدو احترام بگذارید

رونالدینیو از مردم خواست که به رونالدو بیشتر احترام بگذارند. رونالدو طی فصل اخیر به شدت مورد انتقاد قرار گرفته و هواداران تیم فوتبال رئال مادرید بارها خشم خود را نسبت به او بروز داده اند. به هر حال رونالدینیو که در تیم رقیب رونالدو یعنی بارسلونا بازی می کند در مورد رونالدو گفت: «بازیکنی با کلاس رونالدو که هر هفته کارش را به خوبی برای تیمش انجام می دهد شایسته احترام بیشتری است. البته تمامی انتقادات برای برزیلی ها خوب خواهد بود چرا که به ما انگیزه زیادی می دهد تا اینکه تابستان امسال خود را به

با کمترین هزینه، مدرک دانشگاهی انگلستان را دریافت کنید

دانشجویان عزیز
آیا نگران شهریه زیاد تحصیل در دانشگاههای انگلستان هستید؟
با مراجعه به ما آسان می توانید مدرک تحصیلی از دانشگاههای انگلستان را با حداقل هزینه دریافت کنید.
دوره های دانشگاهی ۳ ساله ما در رشته های بازرگانی، کامپیوتر، هتلداری و صنعت جهانگردی با هزینه ای حدود ۶۲۰۰ پوند در سال برگزار می گردد. (ورود از سال اول، دوم یا سوم مقدور است)

جهت اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید

MBA, BBA, BSc, BA - all with flexible entry

WEST LONDON COLLEGE **WLC**

Drop in for a chat. (We're opposite Selfridges).
Or phone for our Prospectus.

Parliament House, 35 North Row, London W1K 6DB
Tel: 020 7491 1841 www.westlondoncollege.com



شروع ترم
جدید از ماه
جون و جولای

برای هر مسابقه جام جهانی آلمان پانزده توپ در نظر گرفته شده که بر روی تمام آنها تاریخ مسابقه، زمان شروع بازی، محل برگزاری و نام دو تیم نوشته شده است. بجز پانزده توپ "طلایی" بازی فینال که در

طلایی" که ساخت کمپانی آدیداس است، بازی خواهند کرد. روز سه شنبه ۱۸ آوریل فرانتس بکن باوئر، رئیس کمیته برگزار کننده جام جهانی از نمونه بزرگ این توپ در برلین پرده برداری کرد. این توپ که منحصر برای بازی فینال جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان طراحی شده، در شهر برلین محل برگزاری فینال این مسابقات معرفی شد.

آقای بکن باوئر گفت که این ایده خوبی است که یک توپ مخصوص، منحصر برای بازی



فینال طراحی شود.

رنگ توپ ۶۳ بازی دیگر این مسابقات برخلاف دو دوره گذشته جام جهانی سیاه و سفید است. توپ های سیاه و سفید این بازیها "تیم گایست" (روح تیم) نامگذاری شده اند. آخرین بار استفاده از توپ سیاه و سفید در جام جهانی، به بازیهای ۱۹۹۴ آمریکا باز می گردد. در جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه، کمپانی آدیداس با استفاده از رنگهای تشکیل دهنده پرچم فرانسه (آبی، سفید و قرمز) توپ بازیها را طراحی کرد.

در جام جهانی ۲۰۰۲ که در ژاپن و کره جنوبی برگزار شد، دو رنگ طلایی و قرمز در طراحی توپها بکار گرفته شده بود.



همگان ثابت کنیم. جام جهانی امسال مال برزیل است. این تنها فکر من نیست بلکه همه با من هم عقیده هستند.»

رونالدینیو و تب جهانی

کم کم بوی جام جهانی به مشام می رسد. رونالدینیو ستاره بارسلونا که تاکنون همه تلاشش برای بارسا بوده کم کم به جام جهانی فکر می کند.

او می گوید: «من همیشه تب جام جهانی داشته ام، غیرممکن است که به آن فکر نکنی.» رونالدینیو در ادامه می گوید: «قطعا این رقابت برای ما خیلی سخت خواهد بود چون همه تلاش می کنند ما را شکست دهند، باید خیلی مراقب باشیم و همه حریفان را زیر نظر بگیریم. به نظر من بیش از هر چیز کار تیمی مهم است. یک بازیکن به تنهایی نمی تواند کاری از پیش ببرد. آرامش و احترام مهمترین نکته است. من مطمئنم انتقادات هم می تواند باعث پیشرفت و انگیزه شود.»

توپ فینال

جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان

فقط دو تیم راه یافته به فینال این بازیها که روز نهم ژوئیه برگزار می شود. با این توپ

دعوت به همکاری در مجله رنگارنگ

جهت تکمیل کادر همکاران خود در اروپا از ایرانیان علاقمند در زمینه های زیر دعوت به همکاری بعمل می آید

- ۱ - گزارشگر و خبرنگار
- ۲ - توزیع مجله . فعالیت در بخش آگهی و تبلیغات

در هر شهر یا استانی که در اروپا زندگی می کنید می توانید به جمع همکاران ما بپیوندید

جهت کسب اطلاعات بیشتر با دفتر مرکزی در لندن تماس حاصل نمایید

SAB & CO

SOLICITORS

365 Walworth Road
London SE17 2AL
Tel: 020 7701 8026/8792
Fax: 020 72526370

رضا سبزواری

وکیل شناخته شده در خدمت جامعه ایرانیان

عضو کانون وکلای متخصص در امور

خانواده با بیش از ۱۷ سال سابقه

و همچنین امور قانونی خرید و فروش

املاک و مستغلات

از پذیرش هر گونه تقاضای Legal Aid پوزش می طلبیم

ایران ، جنگ بر سر منافع امریکا و اروپا

محمود سرابی

بودند در ایران پیاده میشود چنین حکومتگران متجاوز با افکاری واپسگرا که بر سه محور حلال، مکروه و حرام بر جان و مال و ناموس مردم حکومت می رانند مسئله ظالم و مظلوم است ظالم برای بقاء برای قدرت برای ثروت برای شهوت رانی براحتی هر چیز را بر اساس منفعت خود حلال یا حرام می کند یا بر حسب موقعیت مباح می گرداند.

امروز مثلث امریکا و اروپا و ایران سه ضلعی هستند که در انتهای اضلاع منفعت قرار دارد منفعت امریکا رسیدن به قله اقتدار و اعمال قدرت است منفعت اروپا رسیدن به منافع و سود مالی است و منفعت ایران رسیدن به حاشیه امنیت بقا ست بقای رژیم مغایر دست یابی امریکا به اهدا فش که قدرت طلبی است می باشد هم سویی رژیم با اروپا دادن باج هایی نجومی است که منافع اروپا را تامین می کند و تضادی نیز با نحوه حکومتی

در این بازی جهانی استفاده کردند . اولین هدف اروپا وقت خریدن و کش دادن زمان بود که بتوانند دولت بوش را در جنگ فرسایشی به پایان دوران حکومتش ببرند و از سویی عراق را هم به میدان مبارزه ای ناامن و غیر قابل کنترل تبدیل سازند و در پشت پرده از کشورهای چون ایران و سوریه هم بخواهند به ناامنی های عراق علیه امریکا دامان بزنند و صحنه به شکلی آرایش شود که مسئله ایران و سوریه از اولویت مبارزه نظامی خارج گردد و تبدیل به مسئله ای دیپلماسی و گفتگوی پشت میزهای مذاکره تبدیل شود .

آن چه مربوط به این نوشتار است مسئله ایران است و اینکه سرنوشت کشور ما به کجا خواهد کشید؟ ایران قلب تپنده خاورمیانه است کشوری با ثروتهایی افسانه ای از جمله نفت ، طلا، مس ، ثروت طلایی در دریا از جمله ماهی و خاویار و ایران رویایی

ایران مدت هاست محور چالش دولتمردان جهان است پس از ۱۱ سپتامبر حادثه دلخراش نیویورک که مهرش به نام القا عده زده شد امریکا مجوزی به دست آورد که بتواند به این بهانه به کشورهای افغانستان ، عراق، ایران ، سوریه و کره شمالی در این لیست قرار داشت

برگ برنده اروپا در مقابل امریکا:

اپوزیسیون داخل ایران

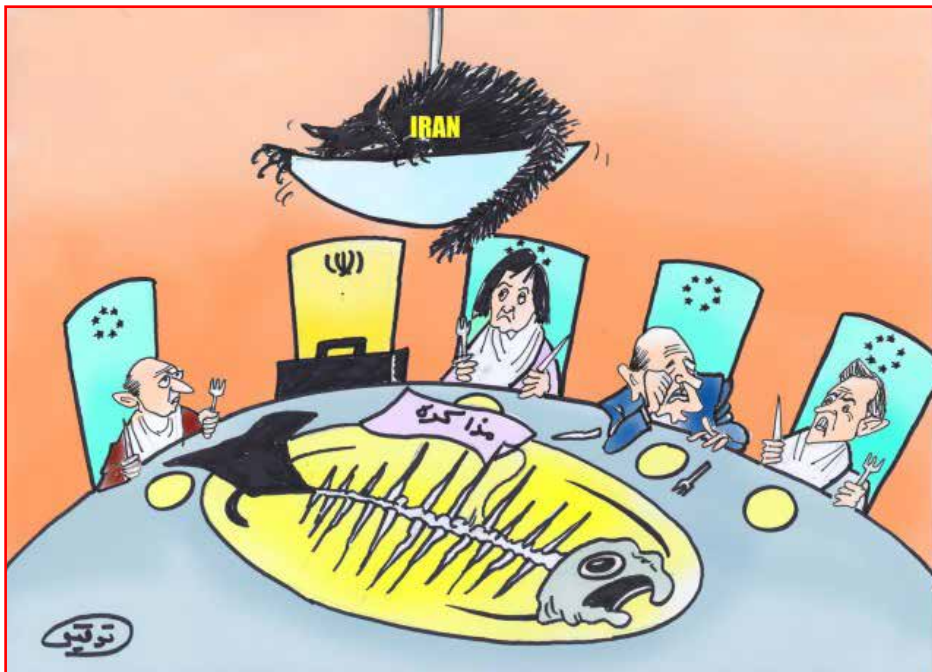
امریکا در برابر این پرسش اروپا

برگ برنده ای بعنوان اپوزیسیون

هماهنگ جایگزین رژیم ندارد

. قدرت نظامی و بنیه قوی مالی امریکا و تک محوری قدرت جهانی این کشور دیگر کشورها را به پرهیز از درگیری روی در روی با امریکا قرار می دهد و کشورهایی چون انگلستان ،فرانسه،آلمان، ایتالیا، روسیه ،اسپانیا و چین چون نمی خواهند در مقابل امریکا قرار بگیرند ولی از سوی دیگر هم نمی خواهند منافع شان در بعضی کشورها از میان برود سعی دارند در حاشیه روابط سیاسی با امریکا درگیر باشند و سیاست یکی به نعل و یکی به میخ را دنبال کردند.

دولت بوش در طی چهار سال اول حکومت خود دچار یک تناقص و دو دستگی آشکار در کابینه اش بود حضور کالین پاول به عنوان وزیر امور خارجه دولت بوش که طرفدار سیاست نرمش دیالوگ اتحادیه اروپا بود در برابر رادیکال عمل کردن رامسفلد وزیر دفاع امریکا باعث کند پیش رفتن برنامه های دولت بوش به شمار می رفت پاول به طولانی کردن اقدامات جدی و نظامی دولت بوش کار را تا آنجا رساند که بالاخره در دور دوم انتخاب شدن بوش به عنوان رئیس جمهور او را کنار گذاردند و به جای او کاندولیزا رایس بعنوان وزیر امور خارجه امریکا برگزیده شد رایس که زنی با سابقه ای درخشان در صحنه سیاسی جهان بود توانست اهداف و طرح های دولت امریکا را محور همه برنامه های سیاسی جهان کند و با وجود آگاهی از عمل کرد کشورهای اروپایی در به تاخیر انداختن برنامه های او، ولی رایس بیشتر از زبان دیپلماسی از زبان قدرت بهره گرفت اروپائیان که در مسئله افغانستان و عراق مقابل امریکا شکست را پذیرفته بودند همه سرمایه سیاسی خود را روی ایران واریز کردند و از ایران به عنوان برگه سرنوشت ساز



رژیم هم ندارند کما اینکه ۲۷ سال گذشته هم نداشته حتی در بسیاری از تگناهای سیاسی جهانی نیز به کمک رژیم شتافته اند دولت بوش با هزینه های انسانی و اقتصادی فراوانی که کرده است غرور و شخصیت قدرت طلبانه اش در فتح افغانستان و عراق ارضاء نشده و نقطه ایده آل قهرمان شدن را در فتح ایران و دگرگونی حکومتی فعلی در ایران می داند که هم پرونده رژیمی را ببندد که در کارنامه اش گروگانگیری امریکایی ها و شکست در طبس و امروز تسویه حساب اصلی را دارد و همچنین قطع ریشه های محکم اروپائیان در ساختار رژیم اسلامی در ایران که یک بار دیگر امریکا حرف اول را در مهم ترین کشور

ایده آل برای همه جهانخواران و استعمارگران سیاسی جهان است . حداقل در صد سال اخیر تاریخ سیاسی ایران جای پای اثر گذار چپاولگران جهانی مانند انگلیس ،روسیه ، امریکا ،فرانسه و حتی آلمان بجای مانده است ولی امروز تفاوتی بسیار با سالهای گذشته دارد امروز در ایران حکومتی بر سر کار قرار دارد که به طور رسمی و علنی خود را وابسته به قوانین و احکامی میداند که رنگ و بویی ایرانی ندارد قبله آمال و الگو ها و سمبل های نمادین این رژیم از درون بیابان های شبه جزیره عربستان الهام می گیرد و بساط حکومتی ولایتی بر مبنای عینی زندگی انسانهای هزار و چهارصد سال پیش که بدوی و غیر متمدن



جمهوری اسلامی با دست مایه پول طی سالهای اخیر دیواری دفاعی درخار از کشور ساخته است

آیا یک هم سو نگر سرنوشت ساز و تعیین کننده که باعث سرنگونی قطعی و سریع رژیم در این مقطع تاریخی خواهد شد و باعث رهایی ۸۰ میلیون ایرانی اسیر و در بند خواهد بود ارزش این فداکاری و گذشت سیاسی را ندارد؟

آیا می توان امید و اعتقاد داشت که رهبرانی چون رضا پهلوی مریم رجوی جبهه ملی های رادیکال گروه های چپ غیر وابسته و مستقل در یک همسو ملی هدف را سرنگونی رژیم قرار دهند؟ همسو یعنی هر فرد و گروه و سازمان با حفظ مرام و اعتقاد و خط مش مستقل خود در یک نقطه اشتراک که همان نابودی رژیم است و مرحله اول و اصلی این نبرد است برسند و اعلام نمایند حاضرند بر سر یک میز با هم بنشینند و فقط و فقط در باره سقوط رژیم بحث نمایند و همین

رسانه های نوشتاری گفتاری و تصویری در خارج از کشور و در انتها پاسپورت داران آرم خر چنگ حکومت اسلامی .

سوال ملی این است که آیا اپوزیسیون واقعی و مبارز ایران در خارج از کشور می تواند به وظایف و تعهداتش در برابر آزادی و دموکراسی برای ملت ایران عمل کند؟

آیا اپوزیسیون ایران می تواند این خط شوم تک روی و تک بعدی گرایی را کنار بگذارد؟

آیا چشم ملت ایران به روزی روشن خواهد شد که رهبران اپوزیسیون رسماً اعلام نمایند اختلافات و معضلات سیاسی گذشته را در این مقطع کنار خواهند گذارد و در یک مسیر همسو نگر خواهان سرنگونی رژیم خواهند بود و تعیین سرنوشت شیوه و سیستم حکومتی را به فردای آزادی ایران واگذار خواهند کرد؟

به یک همسویی مشترک هم نرسیده اند و حاشیه امنیتی برای رژیم و اروپائیان به وجود آورده اند امریکای خواهان سرنگونی این رژیم در معرفی جایگزین دستش خالی است ولی اروپائیان در برابر برگی به نام اپوزیسیون داخلی را رو می کنند. اپوزیسیونی که چنانچه مورد توافق قرار بگیرد ظاهراً کلیه ساختار رژیم فرو نمی ریزد تضاد و اپوزیسیون خارج به داخل راه پیدا نمی کند و مهم تر از همه چهره های اپوزیسیون داخل مهره های دست آموزی هستند که در یک برنامه بلند مدت از بدنه رژیم به ظاهر جدا شده اند و نقش ساختگی مخالف رژیم را گرفته اند تا در چنین روزهایی بتوانند نقشی موثر ایفاء کنند چهره هایی چون اکبر گنجی، طبر زدی، کرباسچی، حجابیان، باقی، سازگارا، افشاری و عطری که این اپوزیسیون دروغین با حمایت و پشتیبانی باج خورهای رژیم امثال بهنود، نوری زاده، خانابا تهران، فرخ نگهدار، پیروز مجتهد زاده و حزب توده، چریک های اکثریتی بخشی از جبهه ملی

اپوزیسیون خارج از کشور مخالفت با یکدیگر اولویت اول است

ها و سلطنت طلبان و توانین سازمان مجاهدین بخشی از نمایندگان پارلمان های کشورهای اروپایی و امریکا اساتید دانشگاه های اروپا و امریکا در برابر پول و سفرهای تفریحی پر خرج به ایران

خاورمیانه بزند.

رژیم اسلامی به خوبی از شکاف میان امریکا و اروپا آگاه است از سویی ۲۷ سال حکومت نیمه بیشتر منافع ملت ایران را به اروپائیان باج داده است و منافع آنان را تامین کرده است .

در هر بن بستنی که رژیم گرفتار آمده اروپا به سرکردگی انگلستان راه گشا بوده اند ولی امروز اروپا آن فراخ دستی گذشته را ندارد شمشیر قدرت امریکا آنها را هم

حکومت اسلامی در ایران با هزینه های ملی باج خور جهانی استخدام می کند

می ترسند و نمی خواهند مورد کینه و غضب دولت امریکا واقع شوند و تنها امید شان توسل به ترفندها و طرح ها و برنامه های سیاسی است که به شکل یک سوال و جواب کلی و تعیین کننده مطرح می باشد که طرح این سوال از سوی اتحادیه اروپا در واقع با اندوخته های همه سالهای سیاسی اروپائیان آمیخته است اروپائیان در برابر خواسته امریکا که می گوید این رژیم باید برود می گویند جایگزین چه خواهد بود؟ امریکا در برابر این پرسش اروپا برگ برنده ای بعنوان اپوزیسیون هماهنگ جایگزین رژیم ندارد زیرا مدعیان سرنگونی این رژیم همان قدر به هم کینه و نفرت دارند که با رژیم دارند و با تمام فرصت های تاریخی که داشته اند حتی

مجله رنگارنگ همیشه زیانزد همگان است

پیام تبلیغاتی خود را در معرض دید اکثریت ایرانیان قرار دهید

02087319333

در پیشگاه تاریخ

سالهایی که شاه بر اریکه قدرت در پروازهای رویایی از جامعه سنتی ایران فاصله گرفته بود.

پادشاهی که برای چشم آبی ها شمشیر را از رو بسته بود

داریم. و در آمد ما نزدیک به ۴ میلیارد دلار کاهش یافته است. ما تلاش داریم هر چه می توانیم در داخل صرفه جوئی کنیم. ما یک برنامه منسجم و جدی بر علیه فساد و ارتشاء آغاز کرده ایم. در بسیاری موارد می بینیم که ارتشاء داخلی ما بدلیل ارتباط مردم با خارجیان است (منظور شاه در اینجا اشاره به رشوه خواری هائی که بیگانگان به ایران خمیل میکردن می باشد). و خدایا. این خارجیان بسیار. بسیار دچار فساد هستند! من در این مورد سخن نخواهم گفت ولی غیر قابل تحمل هستند. بیگانگان از اینکه معامله های کثیف انجام بدهند یا رشوه بدهند دریغ نمی کنند. ما ریشه این را خواهیم سوزاند. و این شاید بسیار صرفه جوئی کند.

ما هیچ یک از برنامه ها را تعطیل نخواهیم کرد. شاید بعضی به تاخیر بیافتد. چند ماهی. ولی همین. تصور می کنم ما قادر خواهیم بود طرح ها را با کمی تاخیر انجام دهیم.

پرسش : شما بلیون ها دلار صرف امور دفاعی می کنید. آیا امنیت ایران نیازی به چنین تجهیزاتی و ارتشی با این عظمت دارد؟

جواب : بدیهی است. برای اینکه آنچه در اطراف ما میگذرد و میزان تسلیحاتی که در اطراف ما است این را اقتضا می کند. فقط بیست سال آینده منطقه اقیانوس هند را در نظر بگیرید. و منظور از " اقیانوس هند " همه کشور هائی هستند که حرمشان به اقیانوس هند متصل است. شرق آفریقا هنوز از آرامش و امنیت بسیار فاصله دارد و احتمالا تحولات منطقه ای این ناحیه را نا آرام خواهد کرد. بیربر (نقطه ای که روس ها بصورت ستاد نیروی دریائی در جمهوری سومالی می سازند) تنها مورد نیست نقاط حساس دیگری هم هستند.

خلیج پارس. در خود ۷۰ درصد انرژی مورد نیاز جهان را و تقریبا ۹۰ درصد نفت ژاپن را تامین می کند. اگر این راه ارتباطی امن نباشد. در آنصورت ژاپن. و اروپا ترک بر می دارد. حال که ما اینکار را خودمان می کنیم همزمان بنظر من خدمت بزرگی برای تمام اروپا و ژاپن انجام میدهم. امیدوار بودم این مسئولیت مشترک بود و بسیاری کشور های دیگر بحد امکاناتشان شریک بودند. اما در حال حاضر ما اینکار را انجام میدهم.

پرسش : کنگره آمریکا نگرانی خود را در مورد شرکت آمریکا به منظور افزایش قدرت نظامی ایران ابراز نگرانی کرده است. آیا ریسک بزرگی نیست که اینهمه مشاور آمریکائی دارید؟

نخواهد بود و شما بایستی باز هم گریبانگیر همان مشکلات خواهید بود. من امیدوارم بعد از انتخابات بتوانید تصمیم هائی بگیرید که شما را بجلو رهنمون شود...۱

پرسش: آیا شما طرحی در دست دارید که راکتور های اتمی ، و حتی مراکز تهیه سوخت اتمی، از آمریکا بخرید؟

محمد رضا شاه پهلوی شاه ایران : من در نظر دارم راکتور های اتمی از آمریکا بخرم. اگر آنها قیمت های رقابتی داشته باشند... در مورد مراکز تهیه سوخت اتمی. هنوز نه. زیرا فقط در صورتی با صرفه است که به مقدار انبوه تولید شود. شاید یکروز ما بسیاری نیروگاه اتمی داشته باشیم آنگاه ممکن است تولید انرژی هسته ای را هم در کشور خود انجام دهیم. اما فراموش نکنید که ما قرار داد منع گسترش را امضا کرده ایم و وقتی ما چیزی امضا کردیم متعهد هستیم.

نکات برجسته:

یک رهبر خاور میانه ای روی آمریکا برای تسلیحات. صنایع مدرن و تکنولوژی حساب می کند. آمریکا ایران را یک تولید کننده نفتی مطمئن می داند. با وجود این روابط گرم دوستان به جانب فرسایش گام بر میدارد. شاه

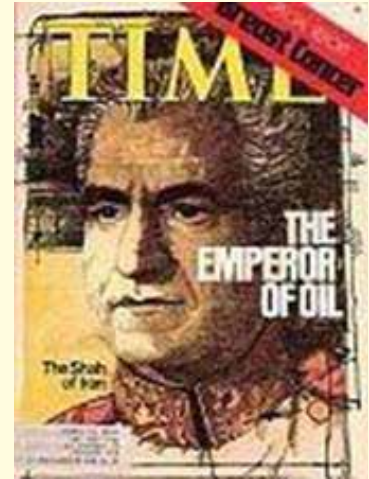


توضیح میدهد چرا.

بدنه:

پرسش : اعلیحضرت. ما می شنویم که ایران بسوی گرفتاری های مالی زیادی گام بر میدارد با وجود اینکه ثروتی مثل نفت دارد. آیا شما میخواهید از خواسته ها و برنامه های پیشرفتگی خود را قطع کنید؟

جواب : ما تقریبا ۲ بلیون دلار کسر بودجه



مصاحبه

مجله

تایمز

با

شاه

ایران

محمد رضا شاه پهلوی : اجازه بدهید این پرسش را از شما بکنم. آیا ایالات متحده آمریکا از عهده از دست دادن ایران بر می آید؟ آیا همه جهان چنین استیلاعتی را دارد؟ شما نمی توانید فقط در دنیای خیالی خود " آمریکای نظامی " زندگی کنید - و ببینید که کشور های دیگر سرانجام از بین میروند. یک احساس امنیت غیر واقعی شما را نابود خواهد کرد - مثل هیچ. اگر شما سیاست را دنبال کنید ایران کشوری است که اگر برود شما نیز این رفتن را بطور بدی حس خواهید کرد. اگر ما نابود شویم. فکر نکنید که بقیه منطقه آنطور که هست خواهد ماند. اگر ما برویم سرنوشت سگدلانه منطقه در مورد این منابع انرژی برای اروپا و ژاپن و تا اندازه ای آمریکا هم خواهد رفت و نه تنها به مخاطره خواهد افتاد بلکه بکلی قطع خواهد شد... اگر شما دوستان ما باقی بمانید. روشن است که از اعتبار. قدرت و منزلت کشور من برفع کشور تان بهره خواهید برد. اما اگر تلاش کنید تا روش های غیر دوستانه در مقابل کشور من اتخاذ کنید. ما می توانیم بد جوری شما را صدمه بزنیم بیش از آنکه شما بتوانید با صدمه بزنید. نه فقط از طریق نفت - ما می توانیم دردسر برای شما در منطقه ایجاد کنیم. اگر شما به ما فشار بیاورید تا ما روش دوستانه خود را با شما تغییر دهیم واکنش آن غیر قابل اندازه گیری خواهد بود... نگران هستیم که امروز آمریکا دیگر آن اعتبار خود را از دست داده است. شما همانند یک غول زمین گیر و عاجز دیده می شوید. آنگولا تاثیر بسیار زیادی در آن داشته است. این نوع سیاست ها تنها شما را به سوی ویتنام های دیگری در آینده سوق می دهد. اتفاقات زیادی پیش از انتخابات خواهد افتاد: اما بعد از انتخابات دنیا دیگر همان جهان



انتخابات هم شما دیگر در آن مقام نخواهید بود که بتوانید مشکل را مهار کنید. من فقط امیدوارم بعد از انتخابات بتوانید تصمیم درستی برای پیشبرد مقاصد اتخاذ کنید.

پرسش : برخی ای مقامات آمریکائی وزیر خزانه داری ویلیام - ای. سیمون یکی از آن ها است میگوید آمریکا بایستی از ایران رو برگرداند و بیشتر به عربستان سعودی نزدیک شود.

جواب : من تصور می کنم روابط بین دو کشور در چنان سطح بالائی قرار دارد که نمی تواند احساسات شخصی و زود گذر شغلی را تحت الشعاع قرار دهند. این یک روابط پایه دار است. و حتی اگر مردمانی این عقیده را پیدا کنند پایدار نخواهد بود.

پرسش : آیا شما پیش بینی می کنید یک جنگ دیگر بین اعراب و اسرائیل در این سال رخ دهد و یا ادامه جنگ ها در لبنان باشد؟ اگر جنگی در خاور میانه رخ دهد سیاست ایران چه خواهد بود؟

جواب : نمی توانم بگویم که یک موقعیت گلگون و مناسبی است. و باز هم. شاید انتخابات آمریکا با آن ارتباط داشته باشد. من مطمئن هستم که انتخابات آمریکا چیز هائی بسمت دیگر حرکت در خواهند آمد. در ضمن ما بایستی. تمام ما. به آنچه قادریم و میتوانیم تلاش کنیم. به تصور من بهترین آن است که کنفرانس ژنو را مجدداً بر پا کنیم و فرمول مناسبی برای شرکت فلسطینی ها در آن بیابیم. ۱

اتفاقاتی که در لبنان می افتد مایوس کننده است. و این کشور بیچاره متحمل خسارات زیادی شده. در این برهه از زمان بنظر می رسد به بن بست رسیده. از نوع بسیار خطرناکش. میتوان دید که نخست وزیر اسرائیل (اسحق رابین) میگوید منتظر جنگی در ماه مه است. من نظر خودم بر این بوده که قطعنامه شماره ۲۴۲ (شورای امنیت سازمان ملل) و قطعنامه ۳۳۸ (که در واقع خواستار آتش بس و خارج کردن نیرو ها و مذاکرات صلح است) بایستی مورد اجرا درآید. ما نمی توانیم تمام شده تلقی کنیم - تصرف زمین بزور - برای اینکه اگر در یک جائی بپذیرید چرا در جای دیگر مانع دیگری شوید؟

از طریق نفت - ما میتوانیم شرائطی بوجود آوریم که منطقه برای شما متلاطم شود. اگر شما به ما فشار بیاورید و روش دوستانه خود را عوض کنید بازگردانی آن غیر قابل اندازه گیری خواهد بود. ۱

پرسش : آیا تسلیحات و تکنولوژی آمریکا برای مردم شما بیش از اندازه پیچیده نیست؟

جواب : خوب. تا حالا که ما قادر بوده ایم آنرا را اداره کنیم. میزان و دسته بندی این تسلیحات همان است که خودتان دارید. اگر دسته بندی آنها پائین است دلیل کمبود وسائل یدکی است. و آنهم مسئولیتش به گردن شماست. شما وسائل یدکی لازم را به ریتمی که مورد نیاز است تامین نمی کنید. و گر نه تعلیماتی که افراد ما میگیرند همان تعلیماتی است که نفرات شما می گیرند. آنها از مدارس شما فارغ التحصیل می شوند. بنا بر این اگر خوب نیستند محصول تعلیمات شما هستند. ۱

پرسش : آیا ایران به خرید تسلیحات آمریکائی ادامه خواهد داد اگر هنوز آمریکا به اندازه کافی نفت نخرد؟

جواب : بدیهی است - اگر ما پول داشته باشیم اینکار را می کنیم. ما هرگز برنامه نداریم بیش از سفارش اول اف ۱۴ - هواپیما بخریم. ولی طرحی داریم که میخواهیم صد ها و صدها نوع دیگر هواپیما های پیشرفته از نوع اف ۱۶ - و چیز های دیگر بخریم. من تصور می کنم نیاز این کشور به هواپیما های آواکس (هواپیما های اعلام خطر و سیستم کنترل هوائی) بدون حد است.

" شما ها همانند غول های شکسته و تکیده میمانید "

پرسش : آیا ایران ایالات متحده را یک هم پیمان با مسئولیت و قابل اعتماد می داند؟

جواب : خوب. من تصور می کنم امریکای امروز فاقد آن اعتبار بالای سابق است. شما بیشتر همانند غول های شکسته و تکیده هستید. آنگولا به این مسئله بیشتر دامن زده است. این نوع سیاست شما را در آینده به ویتنام های بیشتر سوق خواهد داد. بسیاری چیز ها پیش از انتخابات اتفاق خواهد افتاد و بعد از

جواب : پیش از همه چیز. من نمیدانم نگرانی شما در اینمورد چیست. ما هزینه این متخصصین و اسلحه ها را می پردازیم. من ضمناً نمیتوانم ببینم که شما چه منظوری از " گرفتاری - درگیری " دارید برای اینکه قرار داد ها حاکی از آن است که این افراد در هیچ جنگی دخالت نخواهند کرد اگر کشور من با کشور دیگری جنگ کند. اینها شرائط قرار داد است.

پرسش : اجازه بدهید این پرسش را از شما بکنم. آیا ایالات متحده آمریکا از عهده از دست دادن ایران بر می آید؟ آیا همه جهان چنین استطاعتی را دارد؟

جواب : شما نمی توانید فقط در دنیای خیالی خود " امریکای نظامی " زندگی کنید - و ببینید که کشور های دیگر سرانجام از بین میروند. یک احساس امنیت غیر واقعی شما را نابود خواهد کرد - مثل هیچ. اگر شما سیاست را دنبال کنید ایران کشوری است که اگر برود شما نیز این رفتن را بطور بدی حس خواهید کرد. اگر ما نابود شویم. فکر نکنید که بقیه منطقه آنطور که هست خواهد ماند. اگر ما برویم سرنوشت سنگدلانه منطقه در مورد این منابع انرژی برای اروپا و ژاپن و تا اندازه ای آمریکا هم خواهد رفت و نه تنها به مخاطره خواهد افتاد بلکه بکلی قطع خواهد شد....

پرسش : چه خواهید کرد اگر کنگره آمریکا فروش این سلاح ها را در منطقه خلیج پارس ختم کند؟

جواب : این کار بسیار عاری از حس مسئولیت خواهد بود که اصلاً در موردش فکر نمی کنم. اما اگر اتفاق بیافتد تصور می کنید دستان مان بسته است؟ ما ده بازار دیگر برای اینکه این کالا هائی را که لازم داریم به ما بدهند داریم. کسانی هستند که منتظر همین لحظه هستند.

اگر شما دوستان ما باقی بمانید. آشکار است که از منزلت. اعتبار و قدرت ما بهره خواهید برد. اما اگر تلاش کنید که قدم های غیر دوستانه بر علیه کشور من بردارید ما میتوانیم شما را بد جوری صدمه بزنیم بیشتر از اینکه شما بتوانید به ما صدمه بزنید. نه



پرسش : شما پیشتر در مورد ضد فساد گفتید. ضد فساد انتخاباتی گفتید. چه برنامه هائی در نظر دارید؟

جواب : مبارزه با سود جوئی منجر به این شده که تورم به صفر برسد. امیدوارم صفر شود؛ و در مورد فساد، ما در حال حاضر در کشور در موقعیتی هستیم که ثبات داخلی و مبارزه با فساد در تمام سطوح نه فقط در مورد فساد یقه سفید ها، اگر ما با فساد در مقامات بالا برخورد کنیم سرها خواهد چرخید. و شکی ندارم که این کار دنبال خواهد شد. در کشور های دیگر ممکن است بخواهند در فساد زندگی کنند ولی نه در مورد ما.

گذشته از آن، ما به زمان نیاز خواهیم داشت که بتوانیم قیمت مایحتاج اولیه را تثبیت کنیم. برای داخل و برای واردات. ما در گذشته توسط بیگانگان رو دست خورده ایم. شرکت های خارجی و موسسات به ما گرانفروشی می کردند و مدتی وقت لازم داریم تا قیمت های اصلی را بیابیم.

پرسش : آیا ایران " دارای پلیس امنیتی است " آنطور که دیگران می گویند؟

جواب : نه، من فکر نمیکنم دارم بعضی راز های دولتی را فاش می کنم. ولی بسیاری از مردمان در پلیس امنیتی ما که نزدیک به ۳۴۰۰ نفر هستند سازمان یافته اند. من به ارقام چشم گیری برخورده ام که می گوید میلیون ها نفر

در نفت را آغاز کنیم. در ضمن ما بسوی استفاده از نیروی اتمی و انرژی خورشیدی خواهیم رفت. ما ناپیستی در راه پیشرفت دچار بحران اقتصادی بشویم. کشور پهناور است و ما زمین سسترون فراوانی در اختیار داریم و بنظر نمی رسد که آلودگی هوا مشکلی باشد. ما بایستی در ذخیره انرژی و استفاده از پتروشیمی پیشقدم شویم. همچنین ما بایستی ذخیره گاه بکنیم. ما مردم خود را آموزش خواهیم داد که بتوانند در زمینه های مختلف این کشور را از جمله یکی از فریبنده ترین کشور ها بشود. ۱

پرسش : آیا شما طرحی در دست دارید که راکتور های اتمی، و حتی مراکز تهیه سوخت اتمی، از آمریکا بخرید؟

جواب : من در نظر دارم راکتور های اتمی از آمریکا بخرم. اگر آنها قیمت های رقابتی بهتری نسبت به آنچه از سوی فرانسه و آلمان ارائه شده داشته باشند...

در مورد مراکز تهیه سوخت اتمی، هنوز نه، زیرا فقط در صورتی با صرفه است که به مقدار انبوه تولید شود. شاید یکروز ما بسیاری نیروگاه اتمی داشته باشیم آنگاه ممکن است تولید انرژی هسته ای را هم در کشور خود انجام دهیم. اما فراموش نکنید که ما قرار داد منع گسترش را امضا کرده این و وقتی ما چیزی امضا کردیم متعهد هستیم.

" پیوند ها در ایران : سرها خواهد چرخید "

اسرائیل و سازمان ملل، بایستی در پی یک تظمینی باشند که فرمولی مبنی بر امنیت مرز ها را در آینده تضمین کند. همیشه که نمیتوان جنگ را تجربه کرد.

پی ال او (سازمان آزادیبخش فلسطین) بهر طریق بایستی در ژنو شرکت داده شود؛ زیرا شما نمی توانید وجود اینهمه فلسطینی را منکر شوید. ما هنوز اینرا نپذیرفته ایم، اگر ما موجودیت اسرائیل را می پذیریم، بایستی موجودیت فلسطین را هم بپذیریم. این یک حقیقت است. در صورت جنگ من نمیتوانم ببینم که رفتار ما تغییر پیدا کند. اما امیدوارم جنگ هرگز اتفاق نیافتد. زیرا نتیجه اش انتظارات غیر قابل تصور خواهد بود.

پرسش : اعلیحضرت، هنوز باور دارید که ایران به یک قدرت جهانی تبدیل خواهد شد؟

جواب : آری. من فکر می کنم در ۲۵ سال آینده بسیار کار ها می توان انجام داد. شاید من نباشم ولی پیشتر بنیان کارها ریخته خواهد شد. ۱

در دوازده یا ۱۳ سال چهار چوب اساسی در هر زمینه ای بطور محکم ریخته خواهد شد. و از هماغها ما طرح های خود را با استفاده از موقعیت ها برای تولید امکانات و قدرت پیش خواهیم برد - اقتصادی، صنعتی و نیروی انسانی که از همه مهمتر هستند. ۱

شاید نفت تا آن زمان تمام نشود. گر چه من امیدوارم در ده سال آینده بتوانیم صرفه جوئی

خدمات ارزی

پرشیا

با ۲۵ سال سابقه خدمات ارزی و بازرگانی در انگلستان و ۵۰ سال در صنعت جواهر

Tel: 020 7483 0012

Mobile: 07974 784 790

Fax: 020 7722 5673

Dubai: 0097 150 658 7062

در جواهری

با مدیریت محمد توکلی

Haideh's Happy Gems, 8a Northways Parade (Argos روبروی)
Finchley Road, Swiss Cottage, London NW3 5EN

PERSIA EXCHANGE

Licence No:
1
2
1
3
7
1
3
8
0
0
0
0



او بهترین هالیوودی سینمای حاضر است

برای او شانسی بود که توانست نقش اصلی در فیلم (تبریک) محصول ۱۹۶۸ را در دست بگیرد. اما فیلم‌هایی که او در آن ایفای نقش می‌کرد، فیلم‌های موفق نبود.

او با بازی در فیلم (کوچه کثیف) در سال ۱۹۷۳ جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل را از آن خود کرد.

موفقیت بزرگ بعدی دنیرو هنگامی بود که (فرانسیس فورد کاپولا) او را برای نقش (دون کولونه) جوان در فیلم (پدرخوانده ۲) به سال ۱۹۷۴ انتخاب کرد که او جایزه آکادمی اسکار را برای بهترین بازیگر نقش دوم دریافت کرد.

سپس به او پیشنهاد نقش (یک راننده تاکسی) شد. لذا او روزهای متمادی در تاکسی‌های نیویورک می‌نشست و رفتار رانندگان تاکسی را مشاهده می‌کرد و پس از بازی در فیلم (راننده تاکسی) در سال ۱۹۷۶ جایزه بهترین بازیگر را به خود اختصاص داد. کار بعدی او (نیویورک نیویورک) به سال ۱۹۷۷ بود. رابرت در سال ۱۹۷۶ در فیلم ۱۹۰۰ شرکت کرد. این فیلم به زبان ایتالیایی و محصول مشترک سه کشور فرانسه، ایتالیا و آلمان بود.



در سال ۱۹۷۸ رابرت دنیرو با اجرای نقش (مایکل ورناسکی) در فیلم (شکارچی گوزن) یکی دیگر از بازی‌های عالی خود را ارائه داد. فیلم (گاو خشمگین) در سال ۱۹۸۰ نیز با استقبال مردم روبرو شد و او در این فیلم مجبور شد که ۲۸ کیلو به وزن خود بیفزاید. (کازینو) محصول ۱۹۹۵، (زوربای یونانی) نیز یکی از مهمترین آثار وی در کارنامه هنری اش می‌باشد.

رابرت دنیرو در طول دوران بازیگری چهره‌های بسیار متفاوتی را ارائه کرده است که به‌رغم شباهت‌های ساختاری بسیاری از آنها نقش‌آفرینی دنیرو در آنها کاملاً متفاوت بوده است. او در نقش آدمکش، مشتزن، کم‌دین، راننده تاکسی، گانگستر، مافیا، پلیس و... ظاهر شده است که از او بازیگری قوی ساخته

(رابرت دنیرو) به نظر اکثر منتقدان سینما یکی از قوی‌ترین هنرپیشه‌های سینمای دنیا می‌باشد.

او به عنوان برجسته‌ترین بازیگران زمان خود شناخته شده است. (رابرت دنیرو) با بازی در فیلم (پدرخوانده ۲)، به شهرتی مضاعف رسید. او از هنرپیشگان پرکار هالیوودی به شمار می‌رود. همچنین او دومین بازیگری است که به خاطر ایفای نقش (ویتو کورلئون) برنده جایزه اسکار شد. نفر اول (مارلون براندو) بود که برای ایفای همین نقش جایزه اسکار را از آن خود کرد. می‌خواهیم اشاره‌ای به زندگی وی داشته باشیم. بازیگری که در نقش‌های جدی و کمدی چنان ایفای نقش می‌کند که همه از او به نیکی یاد می‌کنند.

کودکی رابرت دنیرو

رابرت دنیرو در هفدهم آگوست ۱۹۴۳ در (نیویورک) به دنیا آمد. پدر و مادرش هنرمند بودند. پدرش (روبرت) شاعر و مجسمه‌ساز و نقاش بود و مادرش (ویرجینا آمیرال) نیز یک نقاش بود. والدین رابرت اصالت ایتالیایی داشتند. اما برای زندگی بهتر به نیویورک مهاجرت کرده بودند. رابرت جثه کوچک و ضعیف و پوست بسیار سفیدی داشت. لذا او را بابی‌میلک (شیربرنج) لقب دادند.

رابرت دنیرو دو ساله بود که والدینش از هم جدا شدند و او مانند توپ فوتبال مدتی را به سوی مادر و مدتی نزد پدر پرتاب می‌شد. همین افت‌محببت و تغییر دگرگونی در زندگی رابرت کوچک‌سبب شد که او به بچه‌ای خجالتی و منزوی تبدیل شود. رابرت ۶ ساله زمانی که به مدرسه رفت همیشه از دوستان و همکلاسی‌هایش دوری می‌جست. یکی از معلمان او متوجه حالات و روحیات وی شد و برای این که رابرت اعتماد به نفس پیدا کند و وارد جمع دوستانش شود او را وادار کرد تا در تئاترهای نمایشی مدرسه ایفای نقش داشته باشد. همین مساله خجالت او را کاهش داد.

ورود به عرصه بازیگری

او احساس می‌کرد برای بازیگری نیاز به آموزش دارد. لذا در هنرستان (استلادالر) و همچنین در کارگاه هنری آمریکایی آموزش بازیگری دید. به این ترتیب کار حرفه‌ای خود را در زمینه بازیگری به طور نامنظم در برادوی و چند تبلیغ تجاری برای تلویزیون آغاز کرد.

اولین نقش او در یک فیلم سینمایی، به سال ۱۹۶۵ با بازی در فیلم (سه اتاق در مهنن) بود که به عنوان سیاهی لشکر و مشتری رستوران در یکی از سکانس‌ها ظاهر شد. در همان سال به او پیشنهاد بازی در یک نقش کوچک در فیلم (مهمانی عروسی) شد. آشنایی او با یکی از دستیاران (برایان دی‌پالما).

است. او در فیلم (ماموریت) به سال ۱۹۸۶ دو شخصیت کاملاً متفاوت را ارائه داد که کاملاً با هم در تضاد بودند ولی انتقال از یکی به دیگری چنان ظریف و بی‌نقص از سوی او انجام شد که تماشاگر به سختی متوجه این تغییر می‌شود.

زبان ایتالیایی

رابرت دنیرو به خاطر بازی در فیلم (پدرخوانده ۲) مجبور به یادگیری زبان سیسیلی و ایتالیایی شد و اکنون به راحتی به زبان ایتالیایی صحبت می‌کند.

زندگی شخصی رابرت دنیرو

رابرت در سال ۱۹۷۶ با (دیان آبت) ازدواج کرد و ثمره این ازدواج یک پسر به نام (رافائل) بود. اما در سال ۱۹۸۸ این ازدواج به طلاق منجر شد. گرچه رابرت دختر (دیان)، (درینا) که از ازدواج اولش بود را به فرزند خواندگی پذیرفت.

رافائل پسر رابرت نیز بازیگر است. او در استودیو بازیگری (استلا آدلر) آموزش دیده است. دنیرو در سال ۱۹۹۸ با (گریس) هنرپیشه هالیوود ازدواج کرد و صاحب فرزندی به نام (الیوت) شد.

رابرت دنیرو در نیویورک چندین رستوران خریداری کرده است. همچنین در غرب هالیوود (سانفرانسیسکو) با مشارکت (فرانسیس فورد کاپولا) کارگردان فیلم‌های پدرخوانده، به افتتاح رستوران‌های زنجیره‌ای (لایکا) و (نوبا) اقدام کرده است.

رابرت دنیرو مرد مهربان و دست و دلبازی است او برای کودکان فقیر آفریقایی تاکنون چندین جشنواره هنری برپا کرده و عایدی آن را به نفع کودکان آفریقایی خرج کرده است.

برای مثال او چندی پیش اقدام به فروش روبان‌های سبز رنگی کرد که خودش نیز یکی از روبان‌ها را به یقه‌اش زده بود و درآمد حاصله از فروش روبان‌ها صرف دارو و درمان کودکان ایدی در آفریقا شد.

او اکنون یک استودیو به نام (تربیکا) دایر کرده به تولید فیلم می‌پردازد. رابرت دنیرو یکی از ثروتمندترین بازیگران و در عین حال متواضع‌ترین

عظمت تحت جمشید مار قلب آمریکا



و یا مهمان خانه جهت بازدید کنندگان در نظر گرفته شده است در سر در این مکان نام داریوش به همراه شیر و گاو، بعنوان سمبل دیده می شود و این خود گواهی بر سلیقه ایرانی صاحب این مجموعه یعنی آقای داریوش خالدي است.



خواستیم که در این سفر با من و همسرم همراه باشند و از آنها خواستیم که خود را برای یک روز زیبای یکشنبه آماده کنند ولی طبق معمول رسم ما ایرانیان همگی تمایل به آمدن داشتند ولی جور نشد!

تنها یکی از دوستان گفت می آیم که او هم صبح یکشنبه برایش کاری پیش آمد و نیامد به هر حال به همراه همسرم به راه افتادیم و روزی آفتابی و زیبا را شروع کردیم زمانی که به محل مورد نظر رسیدیم زیبایی جذابت و شکوه و غرور خاصی را نظاره کردیم ولبه ایمان به خستین گشوده شد چرا که همه می گفتند وای چه زیبا و با شکوه است!

راهی جدا و خصوصی ما را از خیابان اصلی به شراب سازی داریوش می رساند که در کنار آن باغهای انگور و درختان مو به افزونی دیده می شد.

به محلی رسیدیم که در حال حاضر مکان اصلی کارخانه شراب است و کماکان در حال ساخت و ساز و افزودن مجسمه ها و ستونها و بناهای زیبا به آن هستند در بخش پشتی کارخانه مرکز توریستی

در مورد شراب سازی داریوش در ناپا کالیفرنیا آمریکا زیاد شنیده بودم جایی که حدود یک ساعت و نیم از شمال سانفرانسیسکو فاصله دارد قبل از هر چیز از دوستان و همکاران



شادمانی را می نشانند و حسی غرور انگیز به هر ایرانی دست می دهد.

در بخش بیرونی ستونها و طاقها با ارتفاع بیش از ۳/۵ متر بر گرفته از معماری پرسپولیس و در زیر آنها فواره ها و آب نماها به چشم میخورد

در بخشی از این مجموعه مکانی خصوصی وجود دارد که از بخش اصلی جدا گردیده و محل زندگی آقای خالدي و خانواده است



در زیر زمین این مجموعه که مانند سردابه های دوران هخامنشی بنا شده بشکه ها نگهداری و انبار می گردند از دیگر قسمت های جالب این مجموعه اتاق کار آقای داریوش و بخش اداری آن که توسط همکاران که از جای جای جهان به گرد هم آمده اند و هر کدام در رشته و تخصص خود بهترین هستند می باشد نمای اصلی کارخانه که برگرفته از معماری ایرانی باستان و پرسپولیس است شکوه و عظمت تخت جمشید را به یاد ها متذکر می گردد دیوارها با سنگ های یک پارچه که از شیراز و نزدیک به تخت جمشید آورده شده ساخته شده و ستونهای زیبا سر ستونهای شیر خفته و پایه های زیبا در جای جای این مکان قابل رویت است. لازم به یادآوری است که شکوه و زیبایی این بنای عظیم بر لبان هر بیننده ای لیخند

در ورودی اصلی هم مجسمه شیر سنگی ایران دیده میشوند که از روی نمونه اصلی آن که در موزه ایران باستان نگهداری میشود ساخته شده است



در پایان روز در بازگشت تماما به این مساله فکر می کردم که باید به انسانهایی شبیه داریوش خالدي افتخار کرد که در این برهه زمانی به فکر اعطای فرهنگ و شکوه نیاکان خویش در سرزمین بیگانه هستند در آینده نزدیک با آقای داریوش خالدي مصاحبه ای مفصل و اختصاصی خواهیم داشت



در محل میهمان خانه انواع شراب های تولیدی در بطریهای زیبا جهت تست کردن و نوشیدن در اختیار بازدید کنندگان است در طول این بازدید راهنمایی بودند که بازدید کنندگان را راهنمایی و توضیحات لازم را می دادند

و اما کارخانه بسیار زیبا و با طراحی و دکوراسیون دوران هخامنشی است در بخشی از آن پسته های ایرانی را بسته بندی می کردند و در قسمت اصلی دستگاه های تقطیر و بشکه هایی که در آن شرابهایی هستند مشاهده می گردد.

چرا مجله رنگارنگ موفق ترین است ؟

سرمایه و پشتوانه نیروی انسانی رنگارنگ در جهان نمونه است

زمانیکه ده ها چهره سرشناس و محبوب و مورد احترام ایرانیان در سراسر جهان بعنوان یاران این نشریه آستین کمک و همکاری و همیاری را بالا می زنند موفقیت اولین گام این حرکت است

اندک : اندک جمع یاران می رسند

اندک : اندک می پرستان می رسند

چه زیبا و غرور آفرین است که در هر کشور و شهری گام می گذاری گویی به خانه خود آمده ای نه غربت و تنهایی را حس می کنی و نه نگران مشکلات مالی و کاری هستی چهره هایی مهربان با صفا و با معرفت چنان انرژی و نیرویی به تو می دهند که گویی چه خوشبخت و بی نیازی .

مجله رنگارنگ پلی است میان ایرانیان پراکنده : بهانه ای است برای اعتراض ، نشریه ای است مستقل و ملی حرفهایی دارد که حرف دل زخمی یک ملت است راهی می رود که به ناکجا آباد و بی راهه ختم نمی شود مطاعی برای فروش و زد و بند و دلالی ندارد چون صفحاتش امانتی است نزد گردانندگانش که باید زبان حال و شرح احوال مردمان سرزمینشان باشد. بغضی همراه با نفرت و کینه ای تاریخی در خود دارد که هر شماره سبلی میشود بر چهره پشت کردگان به سرنوشت ایران و همراهان قبیله عرب نژاد خمینی ملعون . بیست سال است

این مجله را چون کوله باری ملو از ندا ریها ؛ مشکلات : دردها و رنج های جامعه ای بی هویت برون مرزی بدوش می کشیم سلامت و جوانی : موقعیت و آینده سازی و بزرگ شدن بچه ها مون را هم که به چشممان نیامد هزینه این مسیر کردیم به این امید که به روزهایی روشن و آفتابی برسیم روزهایی که دوباره انسان ایرانی فقط ایرانی نباشد بلکه مهم تر و ارزشمند تر از آن یک انسان باشد انسانی که متأثر از حوادث و رویدادهای جامعه انسانی است از دردها می نالد از ظلم ها می خروشد و از شادی ها خندان می شود : انسان که بی عار و درد نمیشود انسان بی تفاوت انسان لایالی انسان همراه ظالم حتی جایی در میان حیوانات هم ندارد .

مجله رنگارنگ چند ماهی است که شال و کلاه کرده و از انگلستان با دلی پر امید و چشمی منتظر سری پر سودا عشق سفر کرده عشق که چرتکه و حساب و کتاب و غیر ممکن و مشکلات و حرفهای مایوس کننده سرش نمی شود عشق به زبان ما بچه های نسل قدیم یعنی ایشار و از خود گذشتگی : جرات و نترسی : امید و دل گرمی اینکه هشت مان در گروهی نه مان است باشد دل دریا صفت را عشق است . چشم بر هم زدیم شنش شماره مجله میهمان در خانه های هزاران ایرانی در سراسر اروپا شد میهمانی بودیم که هیچ صاحبخانه ای با ما ترش رویی نکرد آنچه در سفره های معرفت

و صفا و مهربانی شان بود بی مضایقه با ما تقسیم کردند و ما هم سعی کردیم میهمانی سوء استفاده چی نباشیم پایمان را به اندازه سهم مان دراز کردیم که مزاحم کسی هم نباشیم و امروز که عاشق تر از دیروز هستیم نشئه صفای یاران با وفائیم که ایم مدت چگونه جور ما را کشیدند تا بتوانیم به خرج محبت آنان در کوچه پس کوچه های هزار پیچ اروپا جولان بدهیم و فریاد بر آوریم که :

چه خوشبخت من که دوستانی چون روشنی آب زلال زیبایی گلهای بهار و بلندی آسمان آبی دارم و سپاسی بیکران از آنان و پوزشی از کسانی که اسمشان از قلم افتاده است :

خانواده محترم روحانی در فرانکفورت

عزیز اصلی در دورسلدورف

دکتر جعفر مهرگانی و خاتم شفيعی در کلن

پرویز و ساغر عزیز در بن

همکار خوب مان احد بهزاد

و عطا آذر تیموری

در هلند

خانواده محترم خوانساری

مرکز نشر دنا آقای چاووشی

شرکت بازرگانی مستر

فرانسه

خانواده محترم متقیان

خانواده محترم عباسی و دفتر شهر فرنگ

ناصر امینی

در اسپانیا

حنانه سربابی و محسن طاهری

در دانمارک فرشاد محسنی

رستوران هزارویک شب

محیطی خانوادگی

با گنجایش بیش از ۵۰ نفر

بهترین انتخاب برای جشنها

لذیذترین غذاهای سنتی ایرانی



شنبه ها رقص شرقی و

موزیک زنده همراه با هنرنمایی

خواننده محبوب **ساغر**



Persisches Spezialitäten-Restaurant

Sebastianstr. 69

53115 Bonn (Poppelsdorf)

Tel: 0228 - 28 91 042

فروشگاه یک و یک فرانکفورت

از مشتریان همیشگی فروشگاه یک و یک بپرسید چرا یک و یک را انتخاب کرده

اند؟

حتما خواهند گفت :

چون کلیه مایحتاج یک خانواده ایرانی را زیر یک سقف گرد آوری نموده است

قیمت های منصفانه یک و یک مورد اعتماد مشتریان است



نماینده انحصاری محصولات غذایی امیر

با کیفیتی عالی ، تنوعی بی نظیر و قیمتی مناسب

بدون پول نقد ، با کارت بانکی و بدون Gebuhr می توانید خرید کنید
پارکینگ بزرگ مقابل فروشگاه یک و یک بطور رایگان در اختیار شماست
شما هم سری به ما بزنید و شاهد ادعای ما از نزدیک باشید

HANAUER LANDSTR. 213

60314 FRANKFURT

TEL: 069- 94948672

FAX: 069 -94948674

نوجوانان موفق ایرانی در اروپا

هدف مجله رنگارنگ این است که تلاش کند ایرانیان پراکنده را با هم آشنا و نزدیک کند و چون بند تسبیح آنان را در کنار هم قرار دهد در این گشت و گذار قاره ای که مجله رنگارنگ هر ماهه می پیماید با ایرانیان بسیاری آشنا می شوند و ایرانیان بسیاری با ما تماس می گیرند که باب آشنایی و شناخت ها گشوده می گردد و شما نیز می توانید با معرفی چهره های موفق و مستعد در زمینه های مختلف در این تلاش مجله رنگارنگ سهیم باشید

با هوش می باشد آشنا به چند زبان خارجی انگلیسی ، آلمانی ، دانمارکی، سوئدی و ایرانی می باشد دوران ابتدایی را در مدرسه فارسی از کلاس اول تا ششم نزد معلم خوبی چون آقای خاتمى ادامه داده نوشتن فارسی را نیز می داند برای غزال عزیز آرزوی موفقیت می کنیم

دو نوجوان با استعداد با آینده ای روشن



دو خواهر و برادر با استعداد به نامهای بهزاد و بهنوش روحانی اشاره کرد بهزاد و بهنوش هر دو در تلاش هستند در آینده در رشته ریاضی و کامپیوتر به تحصیلات خود ادامه دهند بهزاد در ورزش فوتبال توانسته است در تیم نوجوانان منطقه خود بعنوان بازیکنی مطرح جای ثابتی به دست آورد و همچنین در موزیک نیز با سرودن شعرهایی به زبان آلمان و اجرای آن به سبک رپ موزیک مورد توجه اهل فن قرار گرفته است بهنوش نیز در مدرسه با شرکت در فعالیتهای ورزشی توجه مسئولین به امر ورزش را به طور جدی بخود جلب کرده است

مجله رنگارنگ هم برای بهنوش و بهزاد و خانواده محترم روحانی و تمامی خانواده های ایرانی در آلمان آرزوی موفقیت و سلامت دارد

دانشجوی موفق در دانمارک

یک ساله بود از تهران به دانمارک آمده آرزوی غزال این است که روزی در ایران در خدمت مردم باشد غزال دختر بسیار مودب فهمیده و بسیار

در کشور آلمان شهر فرانکفورت که از مراکز اصلی جمع ایرانیان است خانواده های بیشمار ایرانی در این شهر سالهاست زندگی می کنند که مهم ترین نکته قابل توجه در میان انبوه ایرانیان نسل جوان و نوجوانان ایرانی است که از امکانات علمی و تحصیلی و هنری و ورزشی در این کشور به خوبی بهره مند می شوند و با پشتکار و علاقه و استعداد دور نمایی روشن برای آینده خود می سازند از جمله می توان به

**چنانچه مایلید فرزندان
موفق خود را تشویق و
معرفی نمایید . لطفا با
شماره زیر تماس بگیرید**

۰۰۴۴۲۰۸۷۳۱۹۳۳۳

هتل آپولو

در قلب شهر بین المللی فرانکفورت با

بهترین سرویس و مناسب ترین قیمت و کادر

ایرانی - آلمانی مقدم شما را گرامی می دارد



هتل آپولو در مجاورت ایستگاه اروپایی قطار ، اتوبوس در مرکز شهر فرانکفورت قرار دارد. سفر خود را با آسودگی و آرامش خیال در هتل آپولو به خاطره ای خوش مبدل سازید

تلفن : +49 (0) 69 23 12 85 / 86

فاکس : +49 (0) 69 23 29 09

MUNCHENER STR. 44
60329



سفرهای دور و دراز با مجله رنگارنگ

ندادند خیلی هم احساس مشکلات را بنمائیم . شاید فقط باید به این نکته بسنند کنیم که مجله رنگارنگ شناسنامه مطبوعاتی جامعه ایرانیان خارج از کشور است صفحات این مجله نان را به نرخ مرده شوری نمی خورد اولویت ما با تمامی مرارتهای و سختی های بسیار رساندن پیامی ملی و میهنی است که هرگز فراموش نکنیم چرا و به چه دلیل از سرزمین اجدادی خود فرار کردیم و یا فراری مان دادند

حرفه مطبوعاتی آگهی فروش و حراج واقعیتهای نیست ، سرمقابل ظلم و ستم خم کردن نیست با حکومتگران و وابستگان حکومتی لاس زدن نیست ، هر یقه چرک حکومتی در هر کجای دنیا باشد از همکاران و شریکان جنایات این رژیم است و هر ایرانی که با امثال این گرگ زادگان ایران ویران کن لاس بزند به آینده فردای ایران کم لطفی کرده است .

مجله رنگارنگ به همراه تلویزیون رنگارنگ ، ۲۰ سال اعتبار و سابقه در کارنامه خود دارد و دیگر نیازی نیست نشریه ای که متجاوز از هزار شماره ثبت انتشار دارد بخواهد خود را معرفی کند

ما را همین طور که هستیم پذیرا باشید و بر اساس محتویات مجله و کیفیت و یک کار حرفه ای قضاوت کنید ، چون اعتقاد داریم بالاترین سرمایه هر انسانی شعور عقل و معرفت است و چنانچه کسی به سرمایه معنوی و انسانی خود احترام نگذارد و اجازه دهد دیگران آن را به بازی بگیرند جنایتی بزرگ به خود کرده است .

برقرار و پیروز باشید

هشت روز قبل از عید نوروز مجله رنگارنگ در آلمان توزیع شد شهر فرانکفورت بتدریج نقش خانه ای دیگر برای من شده و اولین مقصدی است که با سه چمدان ملو از صدها مجله به آنجا می رسیم . زحمت پخش و توزیع مجله را دو شماره است آقای بهزاد بعهده گرفته اند و الحق که با دقت و سرعتی تحسین برانگیز آن را در سراسر آلمان توزیع می کنند . این بهزاد خان ما از آن مردان نسل خوب و سالم ایران است که مهم تر از همه حساب و کتابی روشن دارد .

رفیق با معرفت و صمیمی و مهربان مان محسن خان روحانی هم جور بسیاری از زحمات ما را می کشد که جای دارد از خودش و خانواده پر محبت و با صفایش هم سپاس و تشکر کرده باشیم الحق چون عضوی از خانواده خود پذیر ایمان بودند .

عطا تیموری دوست خوب و قدیمی و همسرشان را هم مثل همیشه در کنار خود داریم که از هیچ کمکی به این نشریه مضایقه ندارند و هر کجا که هستند با صمیمیت و احترام در باره مجله رنگارنگ تعریف ها می کنند که جای دارد از آنان تشکری کرده باشیم .

دوستان و یاران بسیاری در دگر شهرهای آلمان ما را قرین محبت خود کرده اند

از جمله مرد بزرگ فوتبال ایران عزیز اصلی و خانواده مهربانش آقای ساعی عزیز در فروشگاه آسیا

فرهیخته چهره فرهنگی دکتر مهرگانی عزیز با تمامی محبتهایش و سرکار خانم شفیعی که با دلسوزی خاص مواظب رنگارنگ است هنرمند خویمان ساغر عزیز و پرویز خان با صفا که همه گاه لطفشان شامل حال ما بوده و بسیاری از اهل و بیت صفا و مهربانی که اجازه

مرکز خرید و فروش و تعمیرات اتومبیل

Privater Auto Markt

(به مدیریت کریم سرپولکی)

مقدم هموطنان ایرانی و دوستان افغانی را گرامی می داریم

انواع اتومبیل آلمانی ، اروپایی ، امریکایی و ژاپنی



اتومبیل خود را در برابر مبلغی مختصر به مدت یکماه در AutoMarkt در معرض فروش قرار دهید و شخصا با هر قیمتی که مایلید به فروش برسانید

Tel: 069 422200 Fax: 069 421382

Diburger strasse. 14-18

60386 Frankfurt



مهدوی کیا و مشکل قانونی دو ازدواج



می رسد.

اینکه چرا باید يك شبکه تلویزیونی معروف وقت يك برنامه ۹۰ دقیقه ای خود که همیشه به دنبال مصاحبه و تهیه گزارش از چهره های سرشناس است را به گفت و گو با زنی که گفته می شود همسر دوم مهدوی کیا است اختصاص دهد جای سؤال دارد.

هیچ بعید نیست تا دختر جوان دکتر... با پرداخت مبلغی هنگفت به مسؤولان این شبکه آنها را متقاعد به پخش این گزارش کرده است که تا آجایی که می شود خود را بی گناه جلوه دهد.

پس از ماجرای به وجود آمده تمام لژیونرها با مهدی تماس گرفته اند و سعی کردند با صحبت با مهدی به او دلداری دهند. در این میان فریدون زندی اولین کسی بود که با مهدی تماس گرفت و به او دلداری داد. گفته می شود زندی توسط یکی از هم تیمی هایش در کاپیزسالاترن از ماجرای به وجود آمده برای مهدوی کیا باخبر شده است که البته زندی هم چند وقت پیش نزدیک بود تا در محمصه ای مشابه گرفتار شود ولی در نهایت فریدون از

های سمیرا گفت با شکایت او از مهدوی کیا کار آنها به دادگاه می کشد و به احتمال بسیار زیاد دادگاه به نفع سمیرا رأی می دهد تا موشك هامبورگ بازنده بی چون و چرای این بازی تلخ یا شاید این بازی ناخواسته باشد. در صورتی که رأی نهایی دادگاه به نفع همسر دوم مهدوی کیا صادر شود سمیرا ماهیانه پولی معادل ۲۰ تا ۳۰ هزار یورو از مهدی درخواست می کند که در این صورت او مجبور به پرداخت این مقدار پول است.

البته قطعا مهدی هم بیکار نمی نشیند و با استخدام وکیلی مجرب سعی می کند تا نتیجه این بازی را به نفع خودش به پایان برساند.



سمیرا

مهدی باز هم در يك اظهار نظر مجدد ادعا کرده که سمیرا همسر او نیست. مهدوی کیا در این باره می گوید: «تکذیب می کنم. تمام اینها دسیسه های سمیرا برای اخاذی از من است باز هم تأکید می کنم که تمام این کارها فقط با هدف برهم زدن آرامش فکری من و به هم ریختن خانواده و زندگی من است.» با تمام این اوصاف گزارش شبکه ARD هم همچون گزارش های نشریه بیلد عجیب و بودار به نظر

مشکل پیش آمده برای بال راست ایرانی هامبورگ آنقدر پیچیده شده و آنقدر در مطبوعات آلمان سر و صدا کرده است که حتی شبکه های تلویزیونی این کشور هم خریک به پیگیری این ماجرا شده اند.

روز شنبه شبکه ARD در گزارشی طولانی به بررسی این موضوع پرداخت.

گزارشگر این شبکه همراه با تصویربرداران ARD به خانه سمیرا رفتند تا با او صحبت کنند و ماجرا را از زبان خود او جویا شوند.

سمیرا در ابتدا ماجرای آشنایی با مهدی و سپس ازدواجش با او را تعریف کرد که حرف هایش تقریباً همانی بود که به نشریه بیلد گفته بود. البته بعضی از حرف های او جدید بود. سمیرا باز هم ادعا کرد که همسر قانونی مهدی مهدوی کیا است و می گوید مهدوی کیا پس از بچه دار شدنشان او را رها کرده و حاضر نیست به او خرجی بدهد.

در حالی که دوربین ARD باغچه زیبایی خانه مجلل سمیرا را نشان می داد سمیرا گفت: «از این وضعیت خسته شده ام باید تکلیف من زودتر مشخص شود. وکیل گرفته ام تا تمام حق و حقوقم را از مهدی بگیرد.»

طبق آنچه گزارشگر بیلد در ادامه صحبت



مهدی و همسرش



با مدیریت جعفر مهرگانی

انتشارات مهر

در شهر کلن با سابقه دیرینه در خدمت جامعه ایرانیان مجموعه ای از جدیدترین کتابهای منتشر شده تا کتب قدیمی

کلیه کاست ها و سی دی های و فیلمهای سینمایی قبل و بعد از انقلاب

انواع و اقسام مایحتاج روزانه خانواده ایرانی.

محل فروش نشریات معتبر ایرانی چاپ اروپا رنگارنگ، کیهان، نیمروز

محل فروش کنسرت، نمایش و دیسکوهای ایرانی

MEHR VERLAG

Blaubach 24

D-50676 Köln

Tel: +49(0)221 - 21 90 90

Fax: +49(0)221 - 240 16 89

مینی سوپر ایران در قلب فرانکفورت

گلچینی از بهترین هارا برای شما تدارک دیده است.



مینی سوپر ایران مفتخر است که با شعار

کیفیت برتر

سرویس بهتر

و قیمت مناسب تر

در خدمت هموطنان عزیز خود باشد



مینی سوپر ایران بازارچه ای کامل را زیر یک سقف برای شما فراهم نموده است

شیرینیجات تر و خشک تازه انواع خشکیار ایرانی میوه جات
قصل مجموعه ای از بهترینهای صدا و تصویر و کاست سی دی
/دی وی دی و ویدیو ایرانی کتاب و نشریات ایراتی و سایر مایحتاج
غذایی و وسایل مورد نیاز یک خانواده ایرانی در مینی سوپر ایران

Am Hauptbahnhof 18 - Frankfurt

Tel: 0174 - 6677774



دریغا تهی از تو ایران زمین

نوشته ای از پاریس مسعود دهلوی

از یک هزار و سیصد و اندی سال پیش از این یعنی از روزی که یزد گرد سوم آخرین پادشاه ساسانی به دست آسیا بانی در مرو کشته شد و پای ساکنین جزیره العرب به این خاک پاک رسید ایام بدبختی و سیه روزی زرتشتیان آغاز شد پدران ما از آن روز تا به حال به قدری ستم دیدند رخ کشیدند و نارحتی تحمل کردند که حدی بر آن متصور نیست تعداد زیادی از زرتشتیان در همان دوران اولیه تسلط اعراب بر ایران چون زندگی وحشت زا و فلاکت باری را که مهاجمان تازی برای ساکنین این سرزمین فراهم کرده بودند نمی توانستند تحمل کنند رخت سفر بر بسته به ما وراء النهر رفتند و عده ای از آنجا نیز پا را فراتر نهاده به کشور پهناور چین رهسپار شدند و در آنجا اقامت گزیدند شماره های دیگری از زرتشتیان ساکن ایران که زندگی را در آن محیط وحشت و زور ناگوار و غیر قابل تحمل می دیدند در حدود یک قرن بعد از انقراض سلسله ساسانی از خطه خراسان و سایر نقاط شرقی ایران به ساحل جنوبی رهسپار و در جزیره هرمز که نقطه نسبتا امنی بود رحل اقامت افکندند ولی از بخت بد پس از چندی اعراب به این جزیره نیز لشکر کشیده و آن را به تصرف در آوردند و زرتشتیان ساکن جزیره گس از پانزده سال اقامت در آن جا بالاچار با چشمی گریان و دلی بریان از مهر وطن به منظور حفظ دین و آئین خود ایران عزیز را بدرد گفتند با خانواده و بستگان در کشتی های بادی سوار و به صوب هندوستان رهسپار شدند و پس از ماه ها دریانوردی که همراه با دلهره و ترس و وحشت و دست و پنجه نرم کردن با طوفان های مهیب و دزدان دریائی بود بالاخره به ساحل غربی شبه جزیره هندوستان گام نهادند. اولاد این مهاجرین زرتشتی تا چند قرن می زیستند ولی پس از آن در بین جمعیت فراوان و انبوه آن کشور محو و نابود شدند.

نامه ای از پاریس

با تشکر از مدیر و سر دبیر مجله رنگارنگ که مقدمه مقاله (آذر بر ترک - آذر بر زین) را عینا در شماره پیش به چاپ رسانیدند که می توان به جرات اظهار نمود نشریه رنگارنگ بی هیچ تعصب و وابستگی ای هر نظریه ای را از هم وطنان با هر مرام و عقیده ای می پذیرد و به چاپ می رساند و بر این باور مشروح دنباله عرایض را جهت درج در آن ماهنامه تقدیم می دارم.

چگونه سر ز خجالت برون توان آورد که ملتی چنین: رسم سروری خواهد

سردار عبدالله آذر بر زین

مارشال پتن در دوره جنگ جهانی دوم به وطن خود خدمات گرانبهائی انجام داده بود و در نتیجه فداکاریهایی که کرده بود قهرمان ملی فرانسه به شمار می آمد با این حال به سبب خیانت یا اشتباهی که از این سردار بزرگ سر زد او را محکوم به اعدام کردند. گناه پتن این بود که قرداد متارکه جنگ فرانسه و آلمان را امضاء کرد (همانند اعلامیه بی طرفی ارتش ایران به دست تیمسار قره باغی که با طرح و همدستی و سازش با نیروهای یورش گر و برنامه ای از پیش تدوین شده با نمایندگی مهدی بازرگان) و به خیال خود خواست از این راه از فجایع و کشتار های بیرحمانه آلمانی ها جلوگیری کند ولی ملت بیدار و هوشیار فرانسه این عمل مارشال پتن را خیانتی به استقلال و آزادی ملت بشمار آورد و به اراده ملت او را محکوم به اعدام کردند و به علت پیری و کهولت با یک درجه تخفیف مجازات او را به حبس ابد کاهش دادند. در ایران ما سازش کاران و خیانت کاران و متجاوزین به حقوق فردی و اجتماعی هیچوقت فرصت آنکه به محاکمه کشانده شوند بدست نیامد چرا؟ چون با آن سازش های پنهانی هم ایران از دست رفت و هم خائنین به ایران و پس از آنکه ماموریت خود را به انجام رسانیدند از ایران به دست عوامل یورش گر از ایران گریختند با پادشاهیهای میلیون دلاری.

تیمسار عبدالله (شاپور) آذر برزین معاون فرمانده نیروی هوائی شاهنشاهی ایران که پس از اشغال ایران به دست کینه توزان مذهبیون اسلامی به فرماندهی ۱۳ روزه نیروی هوائی خمینی و جمهوری اسلامی برگزیده شد یکی از افراد خائن به آن آب و خاک بود تیمسار شاپور آذر برزین را ماهنامه (نیما) «نیروهای مسلح ایران متشکل از پاسداران بسیج جند الله حزب الله و ...» نوشتاری دارند تحت عنوان (ضد اطلاعات و اطلاعات ارتش ایران) که به نامهایی از قبیل آرتشبد حسین فردوست - تیمسار تدین - آرتشبد قره باغی - سپهبد امیر ربیعی - سپهبد ناصر مقدم - سپهبد کمال سرلشگر قاجار - سرلشگر محمودی و تیمسار سرتیپ تاجبخش استناد کرده اند که هیچ یک از این افراد در قید حیات نیستند و این همان ترفندی است که فرمانده ایشان تیمسار عباس قره باغی بکار بردند. انتخاب تیمسار سپهبد آذر برزین به فرماندهی نیروی هوایی جمهوری اسلامی در نیم شبی از شب های اول اسفند ماه ۵۷ در جلسه ای با حضور سرهنگ توکلی - سرهنگ آهنچی - سرهنگ قهاری - سرهنگ زرکش به تصویب رسید و به آرتشبد قره باغی اعلام گردید. جند روزی قبل مهدی بازرگان نخست وزیر موقت جمهوری اسلامی طی تماسی تلفنی از آرتشبد عباس قره باغی می خواهد افسری مومن و وفادار به خمینی را جهت پست نیروی هوائی معرفی نماید که ایشان تیمسار سپهبد عبدالله (شاپور) آذر برزین را پیشنهاد می نماید که مورد موافقت

قرار می گیرد و اینچنین ایشان انتخاب می شوند ۱۳ روز از این انتخاب گذشت که در نیمه های شبی که تیمسار فرمانده در مجلس بزمی باتفاق یاران به استراحت و شادی می گذراندند بی سیم تیمسار فرمانده نیروی هوائی بصدا در می آید و ایشان را احضار کردند روبروی حسینیه ارشاد یک ماشین کمیته انتظار ایشان را می کشید تیمسار فرمانده به کمیته مجلس برده شدند و در آن شب چه گذشت اطلاع دقیقی در دست نیست فقط روشن است که تیمسار ربیعی فرمانده نیروی هوائی شاهنشاهی که در بازداشت بسر می برد (بعدا اعدام گردید) در بازجویی و در پاسخ باین سوال که ارتباط و وابستگی و همکاری نیروی هوائی با اسرائیل چیست؟ تیمسار ربیعی می گوید از تیمسار سپهبد عبدالله (شاپور) آذر برزین سوال کنید چون آذر برزین با اسرائیل در ارتباط می باشد تیمسار آذر برزین پس از ۱۳ روز فرماندهی نیروی هوائی جمهوری اسلامی به زندان می رود و زمانی بعد از مرز «بازرگان» از ایران می گریزد و در خانه مجلل خود در لس آنجلس محلله بورلی هیلز به زندگی آرام بخش خویش ادامه می دهد اما ناگفته نماند که از آن پس جهت جبران محبت اسلام به خریف و وارونه جلوه دادن حقایق همت گماشته اند به همین سبب در نشریه بی مقدار نیما و در کنار دانشمندان و محقق بزرگ جمهوری اسلامی!!!!!! دکتر پیروز مجتهد زاده که دو دهه پیش زیر چتر سلطنت در انگلستان سینه چاک می داده همگام شده اند.

سردار عبدالله آذر برزین آنوقت که برای پابوسی روح الله خمینی زانو زدید و پای راست او را بوسیدید دقت داشتید خمینی بلادرنگ پای چپ خود را جلو گذاشت یعنی ای حقیر بوسه ای هم بر پای چپم بزن و پس از آن دو بوسه بلند شدید دست کثیف و آلوده به خون هم وطنانم را بوسیدید شرم نکردید؟

بدان که این ننگ همواره با شما به زیر خاک خواهد خفت اگر که در «آذر» نسوزید.

تفاوت شما سردار آذر برزین با سرداران دلیر ایران همچون آرتشبد نصیری - رحیمی - خسرو داد - نشاط و دیگر سربازان گمنامی که شرف و وطنپرستی و باورهای سربازی خود را با خون خویش آبیاری نمودند چه بوده است؟ آی به غیر از پستی - ذالت - حقارت و بی مایگی شما واژه ای می توان نام برد؟ شرمتان باد!

به شما اندرز می دهم یاوه گویی و فریب و ریا را متوقف کنید امید است در فرصتی دیگر ناگفته و ناشنیده های بسیار و گوناگونی گفته شود تا روسیاهی شما و امثال شما سیاهتر و نامتان به زباله دانی تاریخ نشیند. با درود به روح جان باختگان دلیر و سلحشور ایران.

(توضیح اینکه سرهنگ توکلی - سرهنگ آهنچی - سرهنگ قهاری و سرهنگ زرکش در ایران به مشاغلی از قبیل وکالت آپارتمان سازی

دانش شهرداری را از کهن ما برای دیگران بگذاشتیم " آثار سیاوش اوستا "

را بخوانید و به دیگران هدیه دهید

لیست بخشی از مجموعه آثار سیاوش اوستا برای خرید توسط پست و یا با اینترنت و یا از کتابفروشیهای معتبر ایرانی در سراسر جهان برای آگاهی بیشتر به سایت اوستا دات نت بروید آثاری جنجالی که از بیست و پنج سال پیش تا به امروز افکار و اندیشه ها و جو دینی ایران را در هم ریخت

برای نشان دادن سربلندی و افتخار و میراث فرهنگی ایرانی به دوستان و همکاران و همکلاسیهای ایرانی و غیرایرانی در سراسر جهان بهترین هدیه در هر هنگامه آثار سیاوش اوستا ست به زبانهای پارسی فرانسوی و انگلیسی

Institut LEP 66 av CHAMPS ELYSEES 75008 Paris France

TEL: +33 1 42 89 59 95 - +33 1 45 63 02 63 FAX: +33 1 45 61 21 12

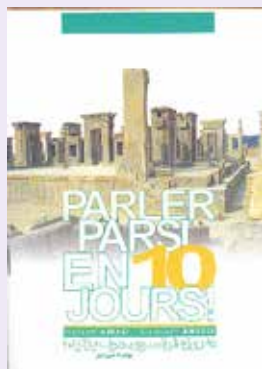
www.awesta.net



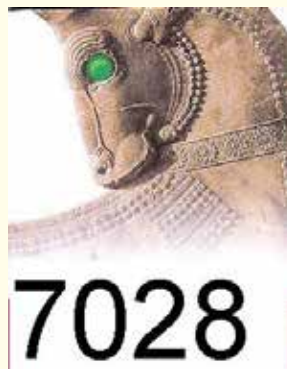
مهربان یاران! آیا میدانید که خطبه عقد به زبان تازی! توهین به شخصیت زن میباشد؟ برای جاودان نمودن جشنهای عروسی و شادمانی خود و فرزندانانتان از دفترچه های زیبای پیمان پیوند زناشویی بسبک آریایی به زبانهای پارسی، انگلیسی، آلمانی و یا فرانسوی استفاده نمایید



سیاوش اوستا در حال برگزاری مراسم پیوند خویشاوندی و زناشویی بسبک آریایی



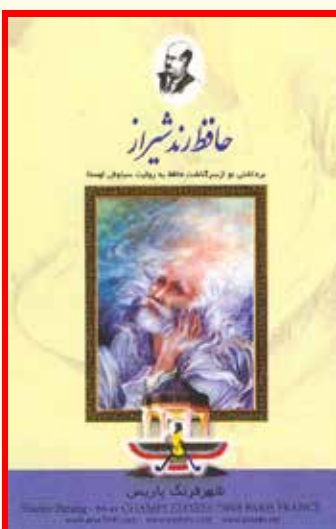
ده روزه فرانسوی و یا پارسی صحبت کنید یک سی دی و کتاب برای آموزش زبان پارسی و یا فرانسوی



سالنامه های هفت هزار ساله
آریایی میتراپی بزرگترین
افتخار ایرانی

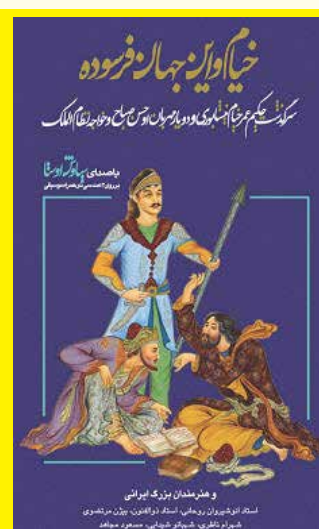


منم آن فرح زیبا زن سوم شاهنشاه
تازه ترین کتاب سیاوش اوستا



حافظ رند شیراز از قرآن خوانی تا پیرو اوستا شدن

جریان عاشقی حافظ و شاخ
نبات راز فال حافظ چرا و
چگونگی اعدام حافظ بر
روی سی دی و کاست به همراه
موسیقی زیبا و دلنشین



خیام و این جهان فرسوده

سرگذشت حکیم عمر خیام نیشابوری
و دو یار مهربان او حسن صباح و خواجه
نظام الملک

جهان خیام را می شناسد و از او سخن
می گوید اما ما از سرگذشت او چه
میتیم

این کتاب با صدای سیاوش اوستا بروی
۳ عدد سی دی همراه موسیقی و صدای
هنرمندان بزرگ ایرانی: استاد انوشیروان
روحانی استاد ذوالفقار بیژن مرتضوی،
شهرام ناظری شهبانو شیدائی

خبرهایی از دانهارک

هر نقطه جهان
به آقای آذر تیموری خیلی سلام مرا برسانید
تعریف ایشان در میان ورزشکاران در ایران
همیشه هست

مصاحبه کوتاه با



پهلوان اسکندر فیلابی

بر حسب اتفاق دیداری کوتاه با پهلوان اسکندر فیلابی در مرکز شهر نیویورک داشتیم پهلوان اسکندر ورزشکار نامی ایران فوق سنگین کشتی که به دریافت بازو بند پهلوانی نائل گشته اینک در خارج از کشور در کنار خانواده زندگی آرامی را می گذراند می گوید آرزویم بازگشتایی سالن باشگاهی برای تعلیم و تربیت جوانان غیور ایرانی در ایران عزیزم است اسکندر همچنان با قامتی درشت هنوز پهلوان نامی ایران است



مصاحبه با میری

با سلام و عرض خوش آمد گویی ابتدای سوالم می پرسیم در چند نقطه اروپا نمایشنامه خواستگاری را بر روس صحنه برده اید . استقبال مردم چگونه بوده است ؟ سلام می کنم به فرشید خان عزیز و خوشحالم از اینکه خبرنگاری فعال را می بینم ضمن سلام به سر دبیر و عرض به حضور

افراد مقدار زیادی مواد مخدر کشف گردید
ساسان صفا برنامه گذار

ساسان جوان ۳۰ ساله اهل ورزش مربی تیم فوتبال جوانان اهل تهران مقیم شهر آرهوس می باشد

وی به همراه برادرانش سهیل و فربرز ۱۴ سال است که برنامه گذار در دانهارک بوده اند ۱۸ خواننده لوس آنجلسی همچنین گروه های تئاتر نمایشنامه را به دانهارک دعوت نموده اند . تمام هنرمندان این گروه برنامه گذار را مورد



تائید قرار داده اند.

مصاحبه با سیاوش قهرمان مدال طلای جهان تکواندو

سیاوش ۲۸ ساله دارای ۵ مدال طلا ۸ نقره و دو برنز به دانهارک آمده باشگاهی دایر کرده و شاگردان بسیاری را تعلیم می دهد سیاوش خود را برای مسابقات جهانی آماده می سازد برای سیاوش از امریکا و کانادا پذیرش آمده است سیاوش می گوید هنوز می خواهم پله های بالاتری را بروم به احتمال زیاد به امریکا خواهم رفت . دانهارک به خواسته هایم توجه نشان نمی دهد و آن طوری که می خواستم نشد و فرصت را نباید از دست داد یکی از روزنامه های ورزشی در ایران اعتراض نموده که چرا به ورزشکاران توجه نمیشود امثال سیاوش چرا در ایران نباشند سیاوش در مورد یکی از مدال هایش توضیح می دهد که چرا طلا نقره شد می گوید با ورزشکار اسرائیلی فینال افتادم خیلی راحت می توانستم برنده مسابقه باشم ولی خوب شرایط طوری بود که من از انجام مسابقه و ادامه آن باز ماندم در ایران از من قدر دانی شد از اینکه با آن ورزشکار اسرائیلی مبارزه نکردم من آرزویم اینه و با امیدی فراوان قول می دهم مدال طلا جهانی را بار دگر به دست آورم افتخار می کنم که یک ایرانیم و خاکم نفسم عشقم وطنم است با دنیا عوض نمی کنم و زنده باشند هموطنان سرافراز ایرانی در



همکار جدید مان در دانهارک
فرشید محسنی از این شماره به جمع همکاران مجله رنگارنگ در دانهارک افزوده شد و از این پس امیدوار هستیم با تلاش و کوششی که او دارد شاهد خبرها : گزارش ها و مطالب جالب و خواندنی از کشور دانهارک باشیم.

خبرهای کوتاه در مورد خارجی های دانهارک

در شهر آهو رس خانه شماره ۲۰ مقابل کلیسای دامن دو زن تایلندی «فاحشه» زیر نظر دولت کار می کردند دو عرب اهل مراکو مقیم دانهارک وارد خانه می شوند بعد از ورود این دو عرب با نقشه قبلی ۸ عرب دیگر وارد خانه می گردند بعد از تجاوز و کتک زدن این دو زن و گرفتن تمام پولهای آنها متواری میشوند این دو طی خبر به پلیس ۸ مراکویی دستگیر و دو متهم اصلی بعد از ۶ ماه به چنگ عدالت گرفتار می گردند دو نفر اصلی به چهار سال زندان و جریمه نقدی و دیپورت به کشورشان و ۸ نفر دیگر به سه سال و نیم حبس و جریمه نقدی محکوم می گردند. در رابطه با فاحشه خانه ورود خارجی ممنوع اعلام می گردد (نه برای دانهارکی ها) .



دستگیری ۱۲ خلافکار خارجی و دانهارکی در رابطه با مواد مخدر تریاک و کوکائین در میان این ۱۲ نفر یک ایرانی به نام سروش آزاد اهل مازندران به ۵/۳ سال حبس و احتمال دیپورت متهم می گردد مابقی به ۲۰ ماه زندان . این افراد ۲ سال تحت نظر پلیس بودند از این



دانی کرد از اینکه سالن از نظم و ترتیب خاصی برخوردار بود برای این هنرمند آرزوی موفقیت می کنیم
در خاتمه می پرسیم در اوقات فراغت چه می کنید؟
می خندد اصلاً بیکار نیستم اگر فرصتی پیش بیاید همه جا با خودم ساک ورزشی و کفش کتانی و غیره هست فوتبال بازی می کنم
چه آرزویی داری؟
بازی فوتبال در استودیو ۱۰۰ هزار نفره ایران در رابطه با جوانان

خانواده در ایران عزیز به سر می برند
در رابطه با نسل جوان امروز بفرمائید
جوانان باید احترام پدر و مادر و کلاً به بزرگترها ارزش بگذارند دنبال تدریس و علم بروند خدای ناکرده آلوده به مواد مخدر و اعتیاد نشوند
دشمن در کمینه
با تشکر

مصاحبه با اندی

اندی خواننده بی ریا خنده رو و دوست داشتنی
مهمان کشور داتمارک شهر آرهوس بود
جمعیت حضور مردم در سالن ۱۲۰۰ نفر که شلوغ ترین شب کنسرت بود و اندی با تمام انرژی به مدت ۵ ساعت خواند چند خانواده با سبد گل از اندی استقبال کردند تا نزدیکی های صبح وقت گذاشت و با مردم عکس می گرفت .

در شب کنسرت تعداد زیادی دخترهای داتمارکی حضور داشتند و می گفتند موزیک اندی را دوست داریم اگر بار دیگر هم بیاید برای دیدنش می آئیم اندی مقداری با مردم حرف زد و حتی پاسخ گوی سوال های مردم نیز بود
قراره کاست جدیدی به بازار بده که با بزرگان هنر همکاری کرده آن شب اندی شبی پر خاطره برای مردم ساخت همه رازی سالن را ترک نمودند اندی بسیار از ساسان و سهیل و صفا و فریبرز برنامه گذاران شهر آرهوس قدر

شما آن قدر مردم خوب و نازنین به ما لطف داشتند به خدا آدم شرمنده محبت های آنان میشه در اکثر شهرهای آلمان و سوئد و امشب هم در شهر آرهوس آمدیم
میدونید که به زبان ما گیلکی ها آرهوس یعنی گردو هر دو می خندیم بله آغوز یعنی گردو

کمی از خاطره های ایام گذشته را بفرمائید
نزدیک به ۱۰۰ فیلم سینمایی همه خاطره است ابر مرد تاریخ سینما زنده یاد فردین عزیزی چون ناصر ملک مطیعی مرحوم بیک ایمانوردی و جناب ایرج قادری و آقای بهروز وثوقی خاطره های آن ایام گذشته اند
در رابطه با املاک نیلی سوژه اش از مرتضی عقیلی است
کدام بازیگر کمترین آن ایام محبوب شما بودند؟

من همیشه برای پیشکسوتان احترام قائلم مرحوم ظهوری همایون شکر پاره اصفهان آقای ارحام صدر و حتی سه تفنگدار سپهر نیا گرشا و متوسلانی خوشحالم که دو تا از این عزیزان در ایران مشغول به کار هستند (گرشا و متوسلانی)

در رابطه با خانواده بفرمائید
تمام خانواده ام در ایرانند ما یک وجب خاک ایران را با دنیا عوض نمی کنیم فقط یک پسر و عروسم در آمریکا به سر می برند بقیه اعضای

سالن زیبایی و آرایشی ونوس

با کادر متخصص خود جوابگوی کلیه نیازهای هموطنان عزیز می باشد
آرایشگرهای ونوس آخرین مدل های مو و طرح های دلخواه و متناسب صورت شما را برایتان انجام خواهند داد

کوتاه کردن - های لای - فر

فیشال Waxing ، بند و ابرو

Spray Tanning

(Body scrub) الکترولیز ،

تمیز کردن پوست و از بین بردن چروک ترک

لکه های صورت و بدن با دستگاه Sonolight

هدیه کلینیک ونوس به عروس

و دامادهای ایرانی

آرایش کامل عروس با قیمت

های غیر قابل باور



شرکت بازرگانی مستر

مرکز تهیه و پخش انواع مواد غذایی ایرانی

نماینده فروش محصولات یک و یک، خانم خانما و مهیار در هلند.

انواع شیرینی تازه، بستنی و فالوده و انواع

برنجهای باسماتی درجه یک

Tel: 010 - 2624004

Mobile: 06- 15067970

E-mail: groothanelmaster@planet.nl

محلهای فروش نشریه "رنگارنگ" در هلند.

- انتشارات دنا - روتردام ۰۱۰-۴۱۴۱۰۵۰

- فروشگاه پاسارگاد - روتردام ۰۱۰-۴۶۷۲۲۳۰

- فروشگاه رز - آمستردام ۰۲۰-۴۳۹۳۹۰۴

- فروشگاه هانی - آمستردام ۰۲۰-۴۱۶۸۰۳۳

- فروشگاه پارسا - دن هاخ ۰۷۰-۴۲۷۵۹۰۰

- فروشگاه آریا - آرنهم ۰۲۶-۴۴۶۰۴۴۳

پیام تجاری خود را با پشتوانه ۲۰ ساله انتشار مجله رنگارنگ به منازل هزاران خواننده ایرانی در سراسر اروپا ببرید و نام تجاری خود را آشنای چشم همگان سازید

02087319333

پیش بینی آینده



بانو آذر آینده شما را با قهوه، چای،

شمع و کف دست پیش بینی می نماید.

Mobiel: 0031-(06)-54202841

Tel: 0031-(075)-6146522

ضمناً فال تلفنی (غیابی) نیز پذیرفته می شود.

www.denabooks.com
Iranian online bookstore

www.ketab.nl
فروش آن لاین کتب

حراج ویژه به مناسبت:

۱۰ سال فعالیت انتشارات دنا

۱۰٪ تخفیف برای کلیه کتابهای چاپ داخل و خارج

۱۰ جلد کتاب از ۳۰ یورو برای فقط ۱۹ یورو (نیمت جداگانه)

۱۰ جلد کتاب از ۹۰ یورو برای فقط ۳۹ یورو (نیمت جداگانه)

۱۰ جلد کتاب از ۱۲۰ یورو برای فقط ۵۹ یورو (نیمت جداگانه)

بهای سه مجموعه فوق (۳۰ جلد کتاب) بطور یکجا: از ۲۵۰ یورو برای فقط ۹۹ یورو

نوار کاست: یک عدد: ۲/۵ یورو، پنج عدد: ۱۱ یورو، ۱۰ عدد: فقط ۱۹ یورو

سی دی: یک عدد: ۶/۵ یورو، پنج عدد: ۳۰ یورو، ۱۰ عدد: فقط ۴۹ یورو

دی وی دی: یک عدد: ۶/۵ یورو، پنج عدد: ۳۰ یورو، ۱۰ عدد: فقط ۴۹ یورو

مرکز نشر دنا

DENA PUBLISHING CENTER

OOSTZEEDIJK 362, 3063 CD ROTTERDAM

TEL: (+31)-010-4141050, FAX: (+31)-010-4141088

e-mail: info@ketab.nl, dena@planet.nl

www.denabooks.com
Iranian online bookstore

www.ketab.nl
فروش آن لاین کتب

چگونه پیشگو شدم؟

یا ماجرای خرسی که چهره احمدی نژاد را بزک می کند!



فیلمی در ایران می گشت با شرکت دادن آن در جشنواره (خوب توجه کنید) خرس طلایی جشنواره اش را به سینمای ایران) البته منظورش سینمای جمهوری اسلامی است) هدیه کند. بعد اضافه می کند:

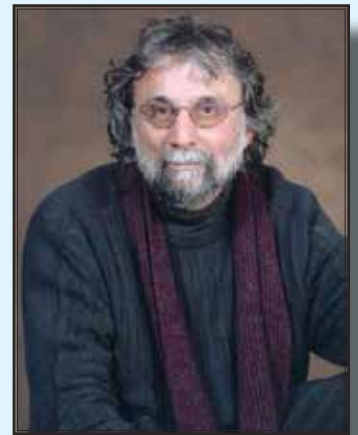
... به گفته خودش (یعنی آقای دیتر کاسلیک) وقتی در موزه سینما تمام جوایز بین المللی را دیده بود. جای خالی خرس طلایی را میان همه جوایز مشاهده کرد (باز هم دقت کنید) دلیل سفرش را به ایران پیش از قبل توجیه آمیز تر دید واز آن روی تصمیم خود را جدی تر کرد... / من فکر کنم نا حالا هیچ مدیر فستیوالی با این صراحت زود بندش را اعلام نکرده بود. حالا اگر می گفت مثلا امیدواریم شما بتوانید موفقیت هایی در برلین کسب کنید خوب آنوقت لا اقل ظاهر قضیه را حفظ کرده بودند اما الان قول صد در صد می دهد که خرس برلین را برای جمهوری اسلامی رزرو کرده اند کسی هم نمی پرسد مگر فستیوال کمیته انتخاب ندارد. مگر هیات داوران ندارد چطور مدیری به این قاطعیت می تواند سرنوشت جایزه (حتی قبل از اینکه خودش فیلمهای رسیده به فستیوال را دیده باشد) را تعیین کند؟. البته آنوقت که من اعلام کردم که برای خرس بیچاره خط و نشان کشیده اند. این گفتگو بدستم نرسیده بود وگرنه به نامه اعتراضی که امسال برای فستیوال فرستادم الصاقش می کردم. البته بدون این سند هم می شد با کمی تامل اصل قضیه را دریافت. من ده سال است بدون فاصله این مسایل را بررسی می کنم و صدها سند فراهم و انتشار داده ام به هنگام جشنواره کن و جایزه نخل طلا به عباس کیارستمی هم دست تنها بودم و یک تنه باید بار اتهام

یک کفه ترازو می سنجد. هر کس که یک دفعه بفهمد که ای دل غافل رئیس فستیوال برلین راهی دارالخلافه شده و با رؤسا و مقامات فرهنگی دولت احمدی نژاد به مذاکره نشسته است. بلافاصله ذهنش متوجه نوعی ساخت و پاخت می شود- من مانده ام متحیر. این روشنفکران آلمانی از یک طرف از صبح تا شب فریاد میزنند که در ایران فاشیست های طالبانی حاکم شده اند و از جهت دیگر پای سفره خونین همان فاشیست ها می نشینند؟ خبر شادی آفرین حضور مدیر فستیوال برلین در تهران را خبرگزاری مهر پخش کرد. همچنین اضافه نمود که ما تا حالا در باره جشنواره برلین کوتاهی کرده بودیم (راست می گوید نتوانسته بودند خرس برلین را بدام بیندازند) اما امسال کار را منظم کرده اند. هاشمیان نامی. که واسطه فیلم های جمهوری اسلامی است و با مقامات فستیوال دمخور بوده. کارها را راست وریست کرده است. یک گله ((gallegaz مقامات فرهنگی ج.ا و بنیاد فارابی هم در فضای فستیوال ولو بودند. دیروز سندی را دوستانم و همراهانم از ایران برای من فرستاده اند که جای شک و تردیدی باقی نمی گذارد که جایزه امسال تصمیمش در تهران گرفته شده است. مجله دنیای تصویر شماره ۱۵۱، آذر ۸۴ گفتگویی دارد با دیتر کاسلیک با عکس و تفسیر. اول به تیر این مصاحبه که قبل از برگزاری جشنواره برلین. قبل از اعلام برنامه جشنواره و آن هنگام که دبیر فستیوال برلین در تهران بود تنظیم شده است توجه کنید (من اصل سند را دارم) جای خالی خرس طلایی در سینمای ایران.

۲- چرا جای خالی خرس طلایی در سینمای ایران عنوان مطلب دنیای تصویر است؟ در مقدمه میخوانیم: مصاحبه با دیتر کاسلیک مدیر جشنواره بین المللی فیلم برلین در حالی اتفاق افتاد که او به دنبال

اهل زد و بند نبوده) واز وقتی او به این سمت رسیده سعی می کند قصور گذشته را جبران کند و امسال می بینیم که ۶ فیلم از ج.ا رادر بخشهای جشنواره چپانده اند. انگار وسایل خوش گذرانی آقای مدیر را خیلی خوب فراهم کرده اند که حتی فیلم بد رفیع پیتز (زمستان است) را هم در مسابقه جا داده اند. فیلمی که با اعتراف خبرگزاری ها ی رژیم اکثر تماشاگران نتوانستند تا پایان ختمش کنند و قبل از اتمام فیلم سالن را ترک کردند.

۱- چطور فیلمهایی در حذفیل زمستان است را کمیته انتخاب می آورد داخل مسابقه؟ من اصلا شک دارم که کمیته انتخابی به شکل واقعی برای اکثر فستیوال ها وجود داشته باشد. در مورد کن که حتم دارم خود آقای ژیل ژاکوب (مدیر کن) می برد و می دوزد. اما مردم و حتی داوران وقتی فیلمهایی که به جشنواره رسیده را ندیده اند از کجا بدانند که واقعا سطح سینما در دنیا انقدر پایین آمده که مثلا فیلم رفیع پیتز به فستیوال وارد می شود و یا فیلم پناهی ارزش های سینمایی اش از یکی دو هزار فیلمی که در مراحل اولیه مردود شده اند با لا تر بوده است؟ (آقای شاهرخ گلستان در نقد بی بی سی پذیرش با اینکه در جلسه خصوصی ای که پناهی برایش ترتیب می دهد فیلم را می بیند بدون رودربایستی می گوید این فیلم از دو کار قبلی پناهی کم ارزش تر است) اما وقتی آقای دیتل کاسلیک (مدیر فستیوال برلین) در تهران قول می دهد که حتما آقا خرسه در آغوش ج.ا اسلامی جای میگیرد خوب یعنی رای داوران هم کشک است چه برسد به نظر کمیته انتخاب / در این شرایط که جمهوری اسلامی به شدت زیر منگه گذاشته شده و در همه جای دنیا احمدی نژاد را یک فاشیست می دانند و خانم مرکل رئیس دولت جدید آلمان واضح و صریح او را با هیتلر در



بصیر نصیبی

مقاله کوتاهی که من در جریان برگذاری فستیوال فیلم برلین نوشتم این عنوان را داشت. خرس طلایی برلین به دولت امنیتی/ طالبانی احمدی نژاد چشمک میزند.

بعد از اعلام جوایز معلوم شد که نظر من درست بوده و یکی از خرس هم با فیلم افساید جعفر پناهی به جمهوری اسلامی سپرده می شود. این پیش بینی با چه معیاری شکل گرفت؟ چون دو فیلم از سینمای جمهوری اسلامی در بخش مسابقه جشنواره بود که قاعدتا باید هردوی این فیلمها از ارزشهای بسیاری برخوردار باشند که خودشان را تا این حد با لا بکشند. من بی آنکه این فیلم هایا فیلم های دیگر فستیوال را دیده باشیم تا لا اقل معیاری دستم باشد با قاطعیت اعلام کردم که امسال خرس برلین خودش را آماده می کند که در آغوش پر مهر سینمای جمهوری اسلامی بیارامد. ایا من پیشگو شده ام؟

قبل از اینکه این مسایل را بشکافم باید بگویم سینمای جمهوری اسلامی در اکثر جشنواره های خارجی سهمیه دارد این ارتباط در مورد جشنواره کن اینقدر علنی شده که فکر نکنم دیگر انسان مستقلى از اهل سینما را پیدا کنید که این واقعیت را درک نکرده باشد. اما فستیوال برلین هر چند یکی از جایگاه های سینمای جمهوری اسلامی است چنین سوء پیشینه ای برایش شناخته نشده بود. ماه گذشته که مدیر فستیوال برلین در تهران بود اذعان کرد که مدیر قبلی کم لطفی کرده (یعنی

را از میان طوفان به سلامت ویر افراشته عبور دهد اهمیت والایی دارد... (جدا شده از اطلاعیه سینماگران جمهوری اسلامی برای تأییدخاتی)

خوب کسی نیست از این آقای کارگردان معترض بپرسد مگر شما همراه به دیگر فیلمسازان سینمای گلخانه ای (رخشان بنی اعتماد، ابوالفضل جلیلی، تهمنه میلانی...) امضاء کنندگان این نامه نیستید. پس حالا چی می گوئید؟ آقای کارگردان معترض به شما هستم اگر حتی یک نفر هم فریب شما را خورده باشد! احساس خجالت نمی کنید و در انجام اینهمه جنایت که رزیم در دوران خاتی مرتکب شد خودتان را مقصر نمی دانید؟ حالا که دولت طالبانی فیلمتان را اجازه پخش می دهد، به دولت فیلی که قرار بود پرچم تابناک اسلام را برایتان از میان طوفان عبور دهد بند می کنید؟ آیا اگر یک ذره برای حرفتان ارزش و اعتبار قایل بودید حتی به ادعاهایتان در آن اطلاعیه هم پایبند بودید دیگر با فاشیست ها به قول دوم خردادیها پیمان بیعت نمی کردید و فیلمتان را به فجر نمی دادید و از اداره سانسور وزارتخانه همین وزیر طالبانی اجازه خروج از کشور و حضور در جشنواره برلین را گدایی نمی کردید.

۳- نخل طلای کن و خرس نقره ای برلین
دلایل و شکل و شیوه اهدا، این دوجایزه قرابت های انکارناپذیری داشت که به چندتای آن اشاره می کنم. اول اینکه به هنگام اهداء جایزه کن و بعد از جنایت ج.ا در کافه می کونوس رژیم در مخمصه افتاده بود. الان هم ماجرای اتم ج.ا را به بن بست رسانده و حرفهای رژیم که در دهان احمدی نژاد کاشته شده خشم دنیا را برانگیخته است/ در ماجرای جایزه کن پیر رسیان کارچاق کن فرانسوی فیلم و محمد حقیقت دلال ایرانی مقیم پاریس، واسطه ی ساخت و پاخت بودند و آقای ولایتی وزیر امور خارجه وقت که در قتل های خارج از کشور دست داشت به اعتراف خود کیارستمی فیلم را به موقع به کن رسانید و در این دوره جشنواره برلین خود آقای مدیر فستیوال شرایط را آماده کرد و وزیرارشاد عامل قتل های داخل تسهیلات لازم را فراهم کرد و هاشمیان نامی وظایف محمد حقیقت را بعهده گرفت. منتهی در آن هنگام آقای رسیان گفت که چون سطح فیلمها پایین است شانس برنده شدن طعم گیلان بالاست یعنی تلویحا خط داد اما امسال مدیر برلین پرده پوشی نکرد و با صراحت اعلام کرد که بدون تردید خرس فستیوال را به ج.ا. اهداء می کنیم/ اما یک اتفاق دیگر هم رخ داد. هر دوی این فیلم ها جایزه مشترک به چنگ آوردند. دلیلش مشخص است. مدیران نمی توانند. فیلمی که اکثر داوران به آن نظر موافق دارند (بهر حال کارگردان و تهیه کننده هم در جشنواره هستند و حواسشان جمع است)

کرده اند. اتفاقا آقای جعفر پناهی خودش با روزنامه شرق مصاحبه ای دارد (روزنامه شرق شماره ۶۸۲، ۱۱/۸۴/۲) وقتی به این قسمت می رسد که وزیر ارشاد جدید گفته است نظارت باید از فیلمنامه تا اکران صورت بگیرد آقای پناهی گستاخانه به وزیری که به گفته دوم خردادی ها از گروه قاتلین همراه با جنتی / احمدی نژاد است، نهیب می زند (آفرین به این شجاعت) اما خوشبختانه نه فقط عارضه ای متوجه اش نمی شود بلکه آقای وزیر دستور می دهند بهترین امکانات را برای نمایش فیلم ضد تفکر باند به اصطلاح مرجع خودش فراهم کنند (چی شد؟) واز کیسه بیت المال سبیل آقای مدیر فستیوال برلین را هم خوب چرب و نرم می کنند. دیگر اینکه مگر آقای پناهی نمی دانند این نوع نظارت، جزء برنامه ۲۶ ساله ج.ا اسلامی بوده است منتهی شکل اعمالش دایم فرق می کند اگر به کارگردانی مطمئن باشند او را آزاد می گذارند چون میدانند خود



سازنده، خودش را با نظارت تطبیق داده است و اصلا خود مأمور کنترل خود شده است. همانطور که عباس کیارستمی می گفت باید تا زیر خط سانسور حرکت کرد. اما اگر به کارگردانی بی اعتماد باشند مو را از ماست می کشند. اما وقتی خبرنگار می بیند آقا خیلی تند می رود به پناهی می گوید: ولی آقای پناهی فیلم شما در زمان همین آقای صفار هرندی (وزیر ارشاد کابینه نظامی احمدی نژاد) اجازه نمایش گرفت! خوب پناهی که جوابی ندارد کمی خودش را جمع و جور می کند برای اینکه راهش در زمان حکومت طالبان باز بماند چند تا ناسزا هم نثار دولت اصلاحات! می کند. البته یادش رفته که خودش و دوستانش چه حمایتی از خاتی دجال کردند و چه دستمال ابریشمی برای خامنه ای جلاد گرداندند به ناچار تکه ای از نامه جمع آنان را در ارتباط با خیمه شب بازی دوم خرداد عینا نقل می کنم:

در شرایطی که شبیخون فرهنگ غرب و غرب زدگان این پرچم بر افراشته را آماج حملات سهمگین خود قرار داده است و در حالی که رهبرفرزانه و معظم انقلاب اسلامی ایران:مقابله با این شبیخون فرهنگی را در صدر حرکت های عاجل و ضروری انقلاب اسلامی دانسته اند انتخاب شایسته ترین فرد برای جایگاه ریاست جمهوری که بتواند در این برهه حساس؛ درخشش فرهنگ تابناک اسلامی

ضدیت با هنرمندان را به دوش می کشیدیم که ماجرایش مفصل است و اینجا اگر دوباره مطرحش کنیم از قصد خودمان دور می افتیم. حالا که این سند غیر قابل تردید را در اختیار داریم ببینیم چه می کنیم؟ آیا می توانیم کار را جلو ببریم و علیه این حقه بازی اقدام عاجل بکنیم به همه ادارات آلمانی رونوشت این سند را بفرستیم به همه شرکت های پخش فیلم و احزاب سیاسی و مطبوعات و رادیو تلویزیون ها تماس بگیریم و حتی داوران فستیوال را اگر خود در زد و بند سهیم نیستند و رنگشان کرده اند را مطلع کنیم به هر حال این سرنخی را که بدست آورده ایم نباید بی نتیجه رهاش کنیم. / دوم خردادی های حکومتی و همینطور مدافعانشان در خارج از کشور و مدیران فستیوال ها که دایم دولت اصلاحات را برخمان می کشیدند و ادعا داشتند این نوع فیلمهای انتقادی/ اجتماعی را از برکت حضور خاتی می شود ساخت حالا چه می گویند؟ پس چطور نمایش فیلم های انتقادی/ اجتماعی پناهی در دوران خاتی ممنوع بود اما در زمان احمدی نژاد مجاز می شود؟ حتی قبل از نمایش در برلین در شبه فستیوال فجر که مدیر فستیوال برلین هم در آن افتخارحضور داشته به نمایش در می آید. دلم برای سایت های حامی شبه اصلاح طلبان می سوزد که در چه مخمصه ای گرفتار آمده اند از یک طرف سیاست فرهنگیشان ایجاب می کند که آرایشگر چهره هنری رژیم باشند و از جهت دیگری ببیند که تمام برنامه های فرهنگی/ هنری رژیم در دوران خاتی دارد با ابعاد وسیع تری دنبال می شود. نتیجه آن که فاشیست هابتر از اصلاح طلبانند!! بله این تفاوت ها را در اینجا بیشتر گروه های سیاسی و دلالهای سیاسی/ فرهنگی متمایل به دارودسته خاتی جا انداختند ولی ما همان موقع هم گفتیم که هر تغییری در حکومت، هر برنامه فرهنگی/ هنری/ سینمایی که بهر شکل تنظیم و برگزار شود مربوط به خواست سیستم ولایت فقیه است. که ممکن است با در نظر گرفتن شرایط یک روز طناب استبداد را کمی شل کند یک روز دیگر سفت تر و ربطی به نوکران گوش به فرمان دستگاه ولایت یعنی شبه رئیس جمهور ها ندارد. اگر ادعا های اینان که این تغییرات حساسبگراانه رژیم را نشان باز شدن دریچه ها به برکت حضور خاتی می دانستند. شکل واقعیت داشت که الان و در دوران دولت فاشیستی/ امنیتی، با این فیلمی که آقای پناهی ساخته بایدخودش متواری می شد و فیلمش توقیف. اما می بینیم تنها این اتفاق نمی افتد بلکه فیلم پناهی که در دوران انقلاب خاتی توقیف بوده در دوران طالبانی آزاد می شود و یک تیم از سفارت احمدی نژاد هم برای دست زدن و تشویق فیلم ضد حکومتی! افساید که باسردی میهمانان مراسم اختتام فستیوال مواجه شدگو ش تا گوش صندلی های سالن نمایش را اشغال



دهند آنها مختارند که چشمشان را بر اعمال و رفتار کارگردانان سینمای گلخانه ای ببندند و فقط ذهنشان را متوجه ارزش های سینمایی کارها بکنند من هم آ زادم به شیوه خودم با سینمای جمهوری اسلامی برخورد کنم و بهره هایی که این سینما به بقاء ج. اسلامی رسانده است را باز کنم و بشکافم.

۷- فیلم های سیاسی / یاسیاسست های سینمایی

کسی از اینها توقع نداشته است که فیلم سیاسی بسازند. اما اینها ادعا دارند مشکلات اجتماعی را با شهادت. در کارهایشان مطرح می کنند. اما آیا آماده هستند با همان شهادت در مصاحبه هایشان به دردهای بی شمار اجتماعی در جامعه فاسد شده تحت سلطه جمهوری اسلامی هم اشاره ای بکنند؟ ممکن است بگویند که ما فیلمسازیم و حرف هایمان را فقط با زبان تصویر بیان می کنیم ما هم جواب می دهیم پس چرا داریم در مصاحبه های ریز و درشت شرکت می کنید؟ - حالا بیان دردهای اجتماعی پیشکششان. چرا از رفتار های ارتجاعی حکومت دفاع می کنند؟ چرا سانسور را باعث رشد خلاقیت می دانند (جلیلی ، کیارستمی، سمیرا مخملباف و...)، حزب الهی شدن سینما رami ستایند (مهرجویی و...) حجاب اسلامی را ارج مینهند (کیارستمی ، مجید مجیدی و...) برای باندهای حکومتی کمیته انتخاباتی تشکیل می دهند (رخشان بنی اعتماد ، تهمینه میلانی و...) ، در فیلمهایشان علنا از یکی باند های حکومتی حمایت می کنند (بنی اعتماد، فرمان آرا و...) مدح گوی مقامات سینمایی هستند (بهمن قبادی و عزت الله انتظامی و...) یا مثل آقای جعفر پناهی به هنگام انتخابات وارد بازی های انتخاباتی می شوند و پای اعلامیه ای را که در همین گفتگو نقلش کردم امضاء می گذارند. پس آقای پناهی هم به نفع رژیم کار سیاسی کرده اند و این رفتار ایشان به ما اجازه می دهد که مسایل سیاسی را با ایشان مطرح کنیم. در همان روزها که ایشان در فستیوال برلین بودند تا جایزه از قبل تعیین شده را در دستانشان بفشارند ، رژیم جمهوری اسلامی حجت زمانی را در زندان گوهردشت به جوخه اعدام سپرد . یک خبر نگار بسیار جوان الهام افروتن را به جرم نا مشخص به زندان وزیر شکنجه کشانده اند. حکم اعدام مخالفان رژیم در

و بر علیه سانسور دفاع می کنند. از طرح نمونه های دیگر می گذریم و می رسیم به جشنواره برلین در این جشنواره این طور شایع کرده بودند که اگر این فیلم جایزه بگیرد مانع حضور دختران در میدان های ورزشی از بین خواهد رفت؛ همین طور فیلم افساید برای عموم اکران خواهد شد من می دانستم که محتوای فیلم بهانه ای خواهد بود برای مدیر جشنواره تا راه صعود افساید را بگشاید . به همین دلیل من بین دو فیلم جمهوری اسلامی در مسابقه حتم داشتم که افساید خرس بیچاره را اسیر می کند. / البته هیچ بعید نیست همین دوران احمدی نژاد درهای استودیوم ها را بروی دختران بگشایند اما این اتفاق هیچ ربطی به فیلم پناهی ندارد. مگر رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی دختران بد حجاب را توقیف نمی کند و شلاق نمی زند همین رژیم در زمان انتخابات و در شرایط دیگر تصاویر چندش آور رفسنجانی را به نقاطی در پشت بدن دختران جوان می چسباند. تا بلکه مردم را بسوی صندوق های رای بکشاند.

۶- ارزش سینمایی کار های پناهی و دیگر سینماگران سینمای جمهوری اسلامی
من در باره ارزش سینمایی فیلم های جمهوری اسلامی تا حالا (مگر یکی دوبار بطور استثنای) نظر نداده ام و به سینماهایی که فیلمهای جمهوری اسلامی را نمایش می دهند اصلا پا نمی گذارم. اگر بدلالی باید فیلمی را تماشا می کنم در آن شرایط هم از نوار ویدئو و dvd استفاده می کنم من دیگر نیاز واشتیاقی ندارم این کارها را ببینم ، مسلما رژیم چون گذشته فیلمهای روشنفکرانه را به جشنواره ها میفرساند و چند سال است که اکثر فیلمهای فستیوالی نیش های سیاسی/ اجتماعی هم دارد. پرویز صیاد حرف قابل تاملی میزند و می گوید: من از فیلمهای خوب سینمای جمهوری اسلامی بیشتر بدم می آید چون آب بیشتری به آسیاب جمهوری اسلامی میریزند.

اصلا فکر کنید که افساید شاهکار فنا ناپذیر سینما است که نظیرش ساخته نشده خوب مدیر برلین که به صراحت گفت که خرس فستیوال را در حقیقت به جمهوری اسلامی داده اند ، دولت احمدی نژاد هم که به دلایلی که مشخص کردیم حامی این فیلم است. پس ، فیلم پناهی وسیله ایست برای هدفی دیگر و ما با ادعای اپوزیسیون ضد رژیم چطور هنوز هم حاضر نیستیم تکلیفمان را با رژیم مشخص کنیم و در جهت سیاست بقای حکومت حرکت می کنیم؟ خیلی ها هستند که فیلم های سینمای جمهوری اسلامی را بررسی می کنند (کم هم نیستند. حتی شخصی به اسم بختیاری که دکان پویای پاریس را میچرخانده نقد فیلم می نویسد) نحوه مونتاژ ، دکوپاژ ، ساختمان فیلم، حرکت دوربین و بازیها ، را آنالیز می کنند و نمره می

را بکل حذف کنند چاره کار چنین دیده اند که یک شریک برای کاندید اصلی بترانند. آن سال در کن کنار فیلمساز فیلم ژاپونی یک شریک سیاسی نشانند امسال هم جعفر پناهی را شریک فیلم هلندی/سوئدی کردند. البته اینرا هم بگویم که آقای مدیر در تهران قول خرس طلایی را داده بودند. اما همیشه همه حساب کتاب ها درست در نمی آید . خرس طلایی از دام گریخت و یک لنگ (lence) خرس نقره ای نصیب سینمای جمهوری اسلامی شد. البته اعتراض ایرانیان در این دوره جشنواره در جابجایی جایزه ها بی تاثیر نبوده است. امسال در برلین هم کلوب فیلمسازان ایران واروپا (cieff) با پیگیری قضیه نگذاشت آب خوش از گلوی فستیوال چی ها پائین برود . حرفهای اینها در مطبوعات و کانال های تلویزیونی پخش شد. حتی جعفر پناهی که همیشه به ایرانیان خارج از کشور تکیه می کرد مجبور شد اعتراف کند که ایرانیان مخالف عیله سینمای جمهوری اسلامی موضع گرفته اند. این عکس العملهای مهم اگر ادا مه پیدا کند برای سینمای جمهوری اسلامی در دوران احمدی نژاد مانع جدی ایجاد خواهد کرد.

۴- اروپا و جمهوری اسلامی. فستیوال ها و کسب آبرو برای احمدی نژادی که خودشان بی آبرویش کرده اند .

اول اینکه قصد اروپائیهها تا حد ممکن از سر گذراندن این بحران است. برایشان هم فرق نمی کند که احمدی نژاد پادوی ولایت باشد یا خانی یا رفسنجانی. هنوز هم در ارتباطشان جدید نظر نکرده اند و همچنان دارند با کمک آخوندها مردم ایران را می چایند به خصوص کنسرن های آلمانی در سطح بالایی بازارهای جمهوری اسلامی را در اختیار دارند. اما در مورد موقعیت کنونی دولت آلمان باید بدانیم که اکثر موسسات فرهنگی و هنری در آلمان در اختیار سبزها ، و حزب SPD است (مثل خانه فرهنگهای جهان، بنیاد هنریش بل و فستیوال برلین...) سیاست. این حزب کنار رفته و همراهش گروه ها در دولت شرودر در باره جمهوری اسلامی با خانم مرکل و حزب CDU در تضاد است. بنا براین نباید تعجب کرد که چرا آقای دبیر کاسلیک که عضو بنیاد هنریش بل هم هست. در صدد است تا برای احمدی نژاد طالبانی هم خلاف روش خانم مرکل آبرو ببرد.

۵- مدیران فستیوال ها با داوران چطور به تفاهم می رسند مگر می شود همه داوران را خرید یا در زد و بند ها شریک کرد ؟
من به هنگام جشنواره کن هم گفتم این امکان وجود ندارد که بشود همه داوران را خرید روش کلی مدیران در مورد فیلمهای ج.ا اسلامی این بوده است که جو سازی می کنند در فستیوال کن بدروغ شایع کردند که فیلم طعم گیلان توقیف است و داوران تصور می کردند که در ۵۰ سالگی کن. از آزادی بیان

تباکی کنید

نامه‌های روشنفکر سیاسی روشنفکر مذهبی و وحشتناک تر آنکه روشنفکر سیاسی مذهبی عنان و اختیار جامعه را دست خودشان بگیرند و از توسعه فکری ملت ایران جلوگیری نمایند. ملک اشعراى بهار شعری دارد وصف حال که دوباره خوانی اش سوزی دارد شیرین:

ای رفیقان بهر خود هم اندکی غوغا کنید
حال خود را دیده و فریاد و واویلا کنید
جیب های خالی خود را دهید آخر تکان
پس تکانی خورده دزد خویش را پیدا کنید
خانه ها تان شد خراب اما صدا هاتان گرفت
آخر ای خانه خرابان لااقل لجوا کنید
انتظار از مجلس و از شیخ و از قاضی شرع
کار بیهوده ست خود را حاضر دعوا کنید
این دکا کین کساد ای اهل تهران بسته به
دکه بر بندید و مشت ظالمان را وا کنید
ای جوانان مدارس بی سوادان حاکمند
این گروه بی سواد و سفله را رسوا کنید
ای رفیقان اداری رفت قانون زیر پا
حفظ قانون را قیامی سخت و پا بر جا کنید
ای دیانت پیشگان دین رفت دنیا نیز رفت
چشم پوشی بعد از این از دین و از دنیا کنید
کشور دارا لگد کوب سمند جور شد
راستی فکری برای کشور ایران کنید

باید بپذیریم هزاره ای که پایان گرفت واقعا هزاره ورشکسته تاریخ ایران بود چون این هزاره ای است که بنا به گفته آقای دکتر شجاع الدین شفا:

با شاهنامه فردوسی شروع شده و با توضیح المسائل خمینی به پایان می رسد. و همینطور قرن آخر این هزاره برای ملت ایران ورشکسته ترین قرن است زیرا قرنی است که با انقلاب مشروطیت آغاز و با انقلاب جارو کشان خمینی پایان یافت جارو کشانی که با شعار یا مرگ یا خمینی به استقبال هزاره سوم رفتند ایران تنها کشور هزاره است که در پی جستجوی اسلام ناب محمدی!!؟ به دوران قرون وسطایی برگشته است! در تاریخ جهان از دوران باستان تا به امروز هزاران انقلاب برای نظم موجود صورت گرفته که برخی از آنها موفق و برخی ناموفق بوده اند در همه دوران این تاریخ تنها یک (انقلاب سیاه) می توان یافت که بر خلاف انقلاب سره و سفید به جای آینده رو به گذشته داشته است که اکثر صاحب نظران را به تعجب واداشت که چگونه ملتی بتواند به دلیل خواستار آینده ای بهتر برای خویش ۱۴ قرن به عقب باز گردد.

به امید و با آرزوی برگشت از ۱۴ قرن گذشته و

تروریستی رویا رو بود. گروه های خرابکار و تروریست نیز با وجود برخورداری از امکانات گسترده بین المللی و پول سلاح آموزش در پایگاه های چنین کشور خارجی همواره در برابر نیروهای امنیتی شکست خورده و ناموفق بودند همه این عوامل در بسیاری از کشورهای دیگر در سطوح مختلف وجود دارد و ایران هم از این امر مستثنی نبود اما بسستر مناسب برای ریشه و بالیدن فتنه و از هم گسیختگی شیرازه مملکت به وسیله روشنفکران نمایان انجام گرفت و در واقع نقش و مسئولیت شان در تباهی ایران در درجه اول قرار دارد اگر امروز ملت ایران گرفتار دهشت دوران حیات تاریخی خود شده است به سبب فریب و ریائی است که به نام دین و مذهب و با تبلیغ آن مبلغین مافیای روشنفکران ایران بر باد ده خورده است . روزی که خمینی با آن قدم نحس و شیطانی و چهره ای عبوس و زشت به ایران آمد گفت : ما انقلاب نکردیم که شما در رفاه و آسایش بسر برید بلکه ما انقلاب کردیم که اسلام را نگه داریم و بعد از این ملت باید « تباکی کند همه باید تباکی کنید تا اسلام و ما (آخوندها) بر قرار بماند در آن روزها ملت فریب خورده دانسته و ندانسته نی دانست که او چه می گوید و تباکی یعنی چه ؟ تباکی یعنی گریه.

و آن تباکی ۲۷ سال است که ادامه دارد و هنوز چشمه اش خشک نشده است ولی امروز تمامی ملت ایران به ویژه نسل جوان با مقایسه وضع زندگی و درگیر شدن با فلاکت های گوناگون و فقر و بیکاری اعتیاد و فحشاء زندان و شکنجه دریافته است فریب از راه دین و ابلهسان دینی سرنوشتی سیاه برایشان به ارمغان داشته است . آن مغز شوئی همراه با تهی بودن عوامل مکتب آخوند که در یورش ۵۷ مشت ها را گره زد و دهان ها را باز کرده و فریاد (ما همه گوسفند توئیم خمینی) سر می دادند مطمئنا سوء نیت نداشتند بلکه باور می داشتند که اگر شاه برود حکومت نایب امام زمان چنان کاخ عدالتی بر پا خواهد کرد که اگر صلوات بفرستند آب و برق و تخم مرغ و نفت به رایگان به درب خانه هایشان آورده میشود و و قتی با مردان خدا و رژیمی که به جای آب و برق مجانی مرگ و نابودی رایگان و به جای حرمت و مهربانی توسری و اهانت در انتظارشان هست آن وقت فهمیدند یقینا در معامله انقلابی خود با مام زمان و چاه های امام غایب راه خطا رفته اند و امروز تباکی می کنند.

بدا به حال ملت ایران که عده ای سود جو به

حرف تازه

از: فرخ فروزین

یقین است که انگاره های افراد نسبت به حوادث ۵۷ در رابطه با برداشتهای فکری و احساسی آنان قابل شناسی است ولی از این حقیقت نمیتوان گذشت که انگاره ها و قیاس ها وقتی قائم به حق است که مبانی آنها با آثار مترتب از رویدادهای شکل دهنده به حوادث ۵۷ هم سنگ باشد ذکر تمامی حوادث سال ۵۷ با دانش و آگاهی که عامه بر آن دارند چندان ضروری نیست هر رویداد که می توان آن را سبب نامید یک مسبب (باعث) یا مسبب هایی دارد که برای تحقق یافتن آن مسبب ها سبب ها بکار گرفته می شوند در مطالعه شورش مشترک آخوندها کمونیستها جبهه ملی چریک ها نهضت آزادی و انگیزه کلی شورش را صرف نظر از سیاست خارجی باید در مخالفت این جماعت با رژیم پادشاهی دانست که این امر یعنی مخالفت ذاتی آنان با رژیم باعث گردید (سبب) دست به شورش بزنند و علیه رژیم موجود مت حدا جنایت عظیمی را مرتکب شوند که شاهد آثار آنان هستید فرضیه پردازان انقلاب شرایط و عوامل چندی را به عنوان دلایل فرو پاشیدن حکومت و جامعه ایران ذکر کرده اند از جمله :

فصاد مالی و اداری رشد شتابان اقتصادی سودجویی پاره ای از دست اندرکاران کشور خشونت و سخت گیری دستگاه های امنیتی. مسلما این عوامل در ایران وجود داشتند اما در باره ابعاد و جایگاه آنها بسیار مبالغه شده است حقیقت آن است که بخش بزرگی از اتهامات ساخته استادانه ذهن و تصمیم نیروهایی بود که نمی خواستند ایران یک پارچه و نیرومند باقی بماند حقیقت این است که فساد در دستگاه اداری و حاکمه ایران نه بیش از بسیاری کشورهای دیگر بوده و نه با توجه به وضع خاص جامعه ایرانی ابعادی غیر عادی داشت . سود جویی و خویش پستی منحصر به حکومت و دولت نبود و در فرهنگ ما هم تازه گی نداشت و چنانکه می بینیم در میان مخالفان حکومت بیشتر و حد تر وجود دارد. از ساواک در مقایسه با بسیاری از کشورها در سراسر جهان خشونت خاص و غیر عادی سر نزده بود به ویژه اگر در نظر بگیریم که این سازمان با یکی از خشن ترین و افراطی ترین و بی رحم ترین شبکه های

پایان دادن به تباکی .

سهراب و سیمرغ

بخش دوم صفحه حرف تازه به سهراب سپهری اختصاص داده شد بدینجهت که اول اردیبهشت ماه سال مرگ این شاعر عارف کویر است «سهراب و سیمرغ» عنوان شعری است از نادر نادر پور هنگامیکه از سر خام او بر می گشت سرورده بود یاد سهراب با واژه های نابش جاوید.

از سر خاک تو بر می گشتم خاک پاکی که تو را در بر داشت آسمان مرثیه ای نیلی بود دشت رنگ غم و خاکستر داشت

تو در اندیشه من چشمه جوشان بودی زیر آن قبه که همچون سیرسبزسته بود از وسط گرده کوه

در کف آجری سرخ حیاط که مدام از تب خورشید کویری می سوخت آبی از کوزه تو گوئی به زمین ریخته بود زیر آن لکه نمناک تو پنهان بودی گور تو سنگ نداشت تو به گمنامی گلهای بیابان بودی

آه سهراب !!! در آغاز برومندی تو چه کسی می دانست که جهان را نفسی چند پس از جشن بهار با لب بسته وداعی ابدی خواهی گفت چه کسی می دانست که پس از آنهمه بیدار دلی در شب تیره نیسان زمین خواهی خفت آه شاید که تو خود آگه از این خواب پریشان بودی

چون فرود آمدم از کوه به دشت ایستادم به تماشای افق مرغکانی همه با بال سپید می نوشتند بر آن لوح کبود که قلم های شما ای هنر آموختگان ساقه های پر ماست پر افتاده ما باعث پرواز شماست من از آن اوج که راه سفر مرغان بود تا حسیضی که تو در ظلمت آن می خفتی نظر افکندم و دیدم که تفاوت ز کجا تا به کجاست

تو هم ای دوست ! درین فاصله حیران بودی قلمت را هوس بال زدن می جنباند تو توانایی پرواز در اندیشه انسان بودی تو نسب از دو پدر می بردی در زمین از سهراب در زمان از سیمرغ نام نفرین شده پودر تهمت ای دوست بر زمین زد و کشت گرچه از سوی دگر وارث شاهان سپهر یعنی از طایفه بیمرگان یعنی از سلسله قاف نشینان بودی

از تو در خواب شبی طعنه زنان پرسیدم

راستی خانه سهراب کجاست؟

تو سپید ار کهنسالی را

به سر انگشت نشان دادی و خندان گفתי

نرسیده به درخت

کوچه باغی ست که از خواب خدا سبز تر

است

و در آن عشق به اندازه پرهای صداقت آبی است

می روی تا ته آن کوچه که از پشت بلوغ

سر به در می آرد

در صمیمیت سیال فضا

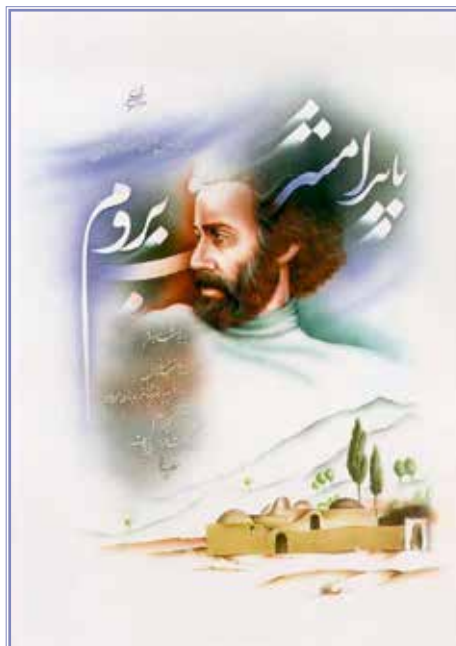
خش خشی می شنوی

کودکی می بینی

رفته از کاج بلندی

جوجه بردارد از لانه نور

و از او می پرسی



راستی خانه سهراب کجاست ؟

او ترا خواهد گفت

که من از روز الست

خانه ای در طرف دیگر شب ساخته ام

وین اشارات بیاد تو تواند آورد

که شبی هم ای دوست

تو درین خانه نشناخته مهمان بودی

در جوابت به ملامت گفتم

که تو از خلوت جاوید بهشت آمده ای

زانکه در دیده افلاکی تو

عکس سیمای زمین تاریک است

نقش تاثیر زمان روشن نیست

تو نه از رفته نه از آینده

نه ز تاریخ سخن می گویی

بی سبب نیست که روی سخنت با من نیست

نگهم کردی و پاسخ دادی

که تو با من سخن از رفته و آینده مگوی

من ز تقسیم زمان بی خبرم

من نه آغاز ولادت دارم

نه سرانجام حیات

من ز آفاق ازل آمده ام

من به اقصای ابد خواهم رفت

لیک روی سخنم در همه حال

از همان روز نخستین با تست

از همان روز که در نطفه سخندان بودی

راست می گفתי و می دانستم

که درین قرن شگفت

من و تو زودتر و دیرتر از نوبت خویش

به جهان آمده ایم

من ز بی رحمی تقدیر پریشان حالم

تو ز بد عهدی ایام گریزان بودی

تو ازین سو بدان سوی زمان می رفتی

هستی خاکی تو وقفه ای بود میان دو سفر

زین سبب بود که شهر تو بجز کاشان بود

گرچه از مردم کاشان بودی

واژه مرگ در اندیشه تو نقطه نداشت

زین سبب بود که در دفتر عمر

مرگ را نقطه فرجام نمی دانستی

زین سبب بود که درین لحظه بدرود پدر

چشم خوشبایور تو

پاسبانان جهان را همه شاعر می دید

شاعران را به شکیبایی آب

به سبکباری نور

همه با عرش خداوند مجاور می دید

چشم تو بینش کیهانی داشت

زانکه در مذهب عشق

تو پیام آور عرفان بودی

صبح در دیده تو

خنده خوشه انگور به تاریکی تاکستان بود

زندگی نوبر انجیر سیاه

در دهان گس تابستان بود

وان قطاری که ز اقلیم سحر می آمد

اخم نیلوفر و آواز قناریها را

تا کران ابدیت می برد

موج گلبرگ پریشان افاقها را

از لب رود به غارت می برد

تو به خنیاگری چلچله ها در دل سقف

گوش می دادی و می خندیدی

میوه کال خدا را به سر انگشت هوس

از درختان جوان می چیدی

مرگ را چون سرطانی نوزاد

در بن آب روان می دیدی

ناگهان یک نفر از دور صدا زد سهراب !

تو ز جا جستی و فریاد زدی کفشم کو؟

وانگه از خانه برون رفتی و با سرعت باد

زیر باران بودی

خواب آشفته من پایان یافت

وندر آن ظهر زلال

از سر خاک تو بر می گشتم

خاک پاکی که ترا در بر داشت

آسمان مرثیه ای نیلی بود

دشت رنگ غم و خاکستر داشت

لحظه ای چند در آفاق خیال

من ترا دیدم و گریان گشتم

تو مرا دیدی و خندان بودی



آریا پنائی از: هالند

بی تعارف

مهران مدیری دستگیر شد تا



واعظ ما بوی حق نشنید بشنو این سخن

در حضورش نیز می گویم نه غیبت می کنم
دود خرم در چشم مردم
پرونده هسته ای حکومت جنایت و فریب و دروغ و نیرنگ و ریا سرانجام به شورای امنیت سازمان ملل متحد سپرده شد تا اگر مردم ایران تکانی به خود برای براندازی جمهوری اسلامی نمی دهند بار دیگر و مثل همیشه دیگران برای این سرزمین افسرده به تصمیم گیری بنشینند و برنامه ای بیست و پنج ساله و قطعی و حتمی را به دست نوکران و دست نشانده های خود بدهند از هم اکنون می توان پیش بینی کرد که در ماه های آینده یا تاریخ مصرف رژیم آخوندی به پایان می رسد و یا آن که ارباب های انگلیسی و امریکایی و روسی و چینی و تنی چند دیگر به پیشکش های سه لا و پهنای ولایت فقیه رضایت می دهند و سیاست بی پدر و مادر به ریش همه خواهد خندید!!!!

در این رهگذر باز هم خبر از خرم تازه و احتمالی حکومت ایران از سوی شورای امنیت سازمان ملل در ماه آینده که در صورت تصویب و اجرا در قالب های قبلی دود بیشتری به چشم یک ملت هویت از دست داده خواهد رفت تا در چشم اشغالگران ایران چرا که تا امروز همه گاه عوارض ناشی از خرم های گوناگون جمهوری اسلامی از طرف غربی ها فقط گریبان مردم را گرفته و جیب های بر سر و ته جا نورهای آویزان به مذهب را انباشته تر کرده است در طول عمر چرک و سیاه حکومت روضه خوان ها نیز هیچ فشاری به عمله و اکره حکومتی نیامده و برای نمونه نماینده وزارت خارجه آخوندی صدها بار با دهها پاسپورت خودی ها به سفارت خانه های پر شمار در تهران رفته و می رود و بدون درنگ ویزا ها را دریافت کرده و در آنسوی دیوار مردم بدبخت باید از شب تا صبح در صف های دراز بایستند تا از هر صدهزار نفر فامیل آخوندها در طول

نیز بیش از اندازه در دهان می چرخاند در همین گیرودار ناگهان گند رابطه نامشروع او با یک زن شوهر دار با شکایت همسر این زن درآمد و در یک روز پائیزی در سال ۱۳۷۴ مهران خان مدیری را با دست بند به دادسرای شرق تهران آوردند رابطه نامشروع مدیری که در آن هنگام خود نیز زن و بچه دار بود اینگونه لو رفت که همسر معشوقه پستویی و پنهانی در پی خودکشی پسر ده دوازده ساله اش که از زن اولش بود به یک نوار صوتی در اتاق فرزند دست می یابد که گفتگوی تلفنی و سکسی همسر دوم با معشوقی به نام مهران مدیری بر روی آن ضبط شده و همین نوار پرده از راز خودکشی پسرک و رابطه نامشروع یک زن شوهر دار با یک مرد زن دار برداشت . مرد فرزند از کف داده با پی گیری شکایت خود بسیار امیدوار بود تا شاهد مجازات اسلامی همسر زنا کار و معشوق زن و بچه دارش باشد که ناگهان همه چیز وارونه گشت و او را به جرم اعتیاد به مواد مخدر به زندان انداختند و زن و مرد زنا کار آزاد شدند تا از همین جا جناب مدیری با آن پرونده سنگین و مجازات سنگسار و اعدام به خدمت اوامر و برنامه های وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در آید. دو سال محرومیت تصویری یعنی از ۷۴ تا ۷۶ به سان بایگانی پرونده مدیری در این وزارت مخوف و آدمکش بود و از آنجا که سوای یک داستان اشاره ای در هفته نامه گزارش هفته هیچ خبر و خطی از دستگیری و جرم سنگین مهران مدیری به چاپ نرسیده بود اجازه کار دوباره از اواخر ۷۶ توسط ماموران اطلاعاتی به طور شفاهی به مهران خان ابلاغ شد تا در قالب یک نوکر رژیم به تلاش شبانه روزی و ساخت سریال های نود قسمتی و پشت سر هم گرم شود. پاورچین نقطه چین و حالا شب های برره را باید محصولات ابله پرور و احمق پسند این طناز بزرگ در راه هر چه بیشتر به ابتذال کشاندن فرهنگ یک ملت به خاک سیاه نشسته و اسیر دانست که خود مدیری در دوران ولایت فقیه تبدیل شده است لابد بعضی ها هنوز هم می گویند چکار کند بدبخت !!! تف بر چنین همدردی ها که دمار از روزگار همه در آورده است شاید هم عموم ملت ایران برره ای هستند و ما زور بی خودی می زنیم

چندی است که مردم تو سری خورده و آخوند زده آن چنان در سریال ساخته و پرداخته جمهوری اسلامی با عنوان شب های برره فرو رفته و غرق شده اند که گویی دیگر غم نان را نیز به فراموشی سپرده و با تکه کلام ها و لهجه اهالی این سریال که تنمه تاریخ و شناسنامه ایرانی را به کثافت و لجن کشیده است حال می کنند تا آخرین تست ریا کاران با این پاسخ همراه شود که این ملت کماکان بیش از هر چیز به ابتذال و تقلید گرایش دارد. همان ملتی که بیست و هفت سال است در پی نخود سیاه روزانه به این در و آن در می زند و تا آنجا گیج و منگ گشته که دیگر نه دشمن را می شناسد و نه دوست را !! این گیجی و این منگی همگانی آن چنان آشفته بازاری را فراهم ساخته تا یک سریال ضد ایران و ایرانی با استقبال فراوان مردم گریزان از اندیشه و واقع بینی روبه رو شود و خواب بی خیال ها را سنگین تر و عمیق تر سازد تا چه اندازه یک ملت باید بدبخت و مفلوک باشد که همه چیز او را به تمسخر و حقیر بگیرند و آن گاه پنداری این ملت دچار قلقلک شده که چنین می خندد و ریس می رود در این روزگار آیا ملتی بدبخت تر و بیچاره تر از ملت ایران وجود دارد؟ به باور ما نه!!!

و اما سرگذشت و زندگی نامه خواندنی این جناب مهران مدیری که اسباب اسارت این مردک را در چنگ وزارت اطلاعات رژیم آخوندها تدارک دید تا او نیز هم چون بسیاری از فیلم سازان و سریال سازان این دوران بدون برو و برگرد در خدمت خواسته های پلید و تیشه بر ریشه های کهن دیار باشد می دانیم که جمهوری اسلامی از همان آغاز ظهور و حضور ننگین و نکبت بار خود با یک شیوه مشخص به سراغ هر غیر خودی رفت و می رود. جذب یا حذف!! یادمان هست که مهران مدیری با طنز ساعت خوش همراه با شماری دیگر از بازیگران تازه کار و بی نام و نشان در سیمای آخوندی ظاهر شد و در صحنه خالی گشته از آدم های کهنه کار و سر شناس جایی در شهر کورها پیدا کرد مدیری با بهره مندی از مایه های ذاتی و انکار ناپذیر توانست ظرف یکی دو سال به نام و نانی برسد و در همین حال دم به تله اطلاعاتی های حاکم بر تلویزیون نمی داد و گاه زبانش را

در روزگاری که همه چیز زیر و رو و وارونه گشته و جمهوری اسلامی مدعی حفظ عزت و شرف ملی برای ایرانیان است و ایرانیان خردمند ناگزیر به خروج از وطن و اقامت در لندن و مبارزه از راه دور و از طریق دوربین تلویزیونی شده و بسیاری از وطن پرست های جان بر کف نیز فقط با حقوق سه - چهار هزار دلاری از تلویزیون های ماهواره ای مخالف رژیم آخوندی نان بخور و نمیری را تدارک می بینند لابد جای هیچ حیرت و انگشت به دهانی نیست که یک بانوی اسلامی با لچک در تلویزیون ظاهر شود و درس رنگ کردن مو بدهد در هنر آرایش گری از نوع آخوندیسم هزار البته نمی توان و حرام است که موهای یک دختر ۹ سال به بالا برای آموزش رنگ مو به تماشای نا محرم ها گذاشته شود و از این رو یک دختر بچه شش هفت ساله را جلوی دوربین آورده بودند و استاد لچکی نیز رنگ مو را روی سر این بچه آزمایش می کرد تا در این دوره و زمانه راه پیشرفت و زیبایی بانوان اسلامی گشوده شود!!! احسن الله تبارک خالقین!!!!!! شایان ذکر است که بانوان رزمنده اسلامی با حفظ حجاب شرعی خود این روزها در تمام عرصه های تصویری حضوری کوبنده و گسترده دارند و حتی کاری کرده اند که محمد خردادیان مجبور به خانه نشینی و شوهر داری میشوند و آن چنان با گرم کن های اسلامی در تلویزیون مهاجر به نرمش و لرزش می پردازند که دیگر هیچ تردیدی برای شعار انرژی هسته ای - حق مسلم ماست باقی نمی ماند!!! تاخت و تاز بانوان اسلامی در دنیای هنر تا آنجاست که به زودی آموزش رقص عربی با حفظ حجاب شرعی در تلویزیون های عاشورایی آغاز خواهد شد تا دکان حوری خاتم سواجی هم تخته شود و مبارزات بانوان اسلامی وارد فصل تازه ای گردد در بساط دروغ گوها و ریا کاران هر روز باید به تماشای نمایشی تازه تر نشست و با فتو ای آخوندها هر حرامی بنا بر حفظ مصالح

با شنیدن این جمله بلافاصله سلاح گرم را از جیب بیرون می آورد و به بابک چنین می گوید: من برای رسیدن به عشق خودم از روی جنازه همه عبور می کنم! و سپس شلیک گلوله های مرگ بار به سوی جوان خوش سیمای ایرانی!!!!!! حسین حاجی پور پدر بابک هیچ گاه باور نداشت که فرزندش را این چنین در یک سرزمین به ظاهر آرام و امن از دست بدهد و در مراسم خاکسپاری بابک خطاب به مقامات و مسئولین هلندی فریاد می زد این چگونه امنیتی است که در کشور شما به آن می بالید و یک نوجوان به راحتی سلاح گرم حمل می کند؟ بدون هیچ شک و تردید و با تاسف باید بپذیریم تا وقتی که میلیون ها ایرانی به گونه ای ناخواسته و خمیلی در این سو و آن سوی جهان آواره و سرگردان هستند بابک آخرین قربانی نخواهد بود و هر تبعیدی و بی وطن همیشگی در تیر رس هزاران بلا قرار دارد یک لحظه تصور کنید که اگر فاجعه انقلاب اسلامی در آن دیار بخت برگشته روی نداده بود میلیونها ایرانی هنوز هم زنده بودند و صدها هزار خانواده نیز هم چنان پا بر جا، شمار قربانی های غیر مستقیم در این بیست و هشت سال نکبتی بسیار افزونتر از صدها هزار اعدامی و کشته در جبهه های ساخته و پرداخته از سوی آخوند هاست!!!!!! چه کسی است که گسترده و وسعت جنایت های مستقیم و غیر مستقیم در زمان دکانداران مذهبی در ایران را همواره و همه حال در نظر داشته باشد و باز هم فرص بی خیالی و بی رگی را بالا بیاندازد و در کثافت و نکبت به قول خودش حال کند؟! کجاست هم نفسی تا که شرح غصه دهم که دل چه می کشد از روزگار هجرانش

رنگ مو با لچک!!

بیست و هفت سال گذشته حتی زحمت یک بار حضور در سفارت خانه ای در تهران را به خود نداده و با وجود سفرهای چند باره در هر سال اصلاً نمی دانند سفارت خانه های خوش خدمت در کجای تهران قرار دارند؟ باری چنانچه خرم تازه پیرامون قطع کامل صادرات نفت و گاز ایران و ندادن دلارهای بی حساب و کتاب به دست آخوندها و قطع پروازهای خارجی از داخل و خارج شامل کلیه خطوط هواپیمایی به ایران باشند می توان گفت که برای اولین بار نیز خرم متوجه شاهرگ حیاتی جانوری به نام جمهوری اسلامی شده است و سرنگونی سریع در راه .

اگر سوای این مهم هر چیز دیگری به عنوان خرم مطرح نشود تنها یک چاپیدن و چپاندن تازه است که تاوان آن را باز هم مردم توستری خور خواهند دارد و راه نیز بیش از پیش هموار تر برای بخور غارت گران مذهبی نما خواهد شد.

بر در اریاب بی مروت دنیا

چند نشینی که خواجه کی به در آید

قتل عاشق ۱۶ ساله

در بعد از ظهر پنجم فروردین ۸۵ قلب بابک حاجی پور نوجوان ۱۶ ساله ایرانی ساکن شهر آمرس فورت در کشور هلند در پی شلیک گلوله های رقیب آنتالیایی او بر سر عشق یک دختر آنتالیایی از تبیدن باز ایستاد تا یک قربانی دیگر به هزاران قربانی ایرانی آواره و بی سرزمین تر از باد اضافه نشود بابک هرگز فکر نمی کرد که در هنگامه جنگ و جدل زبانی با رقیب عشقی جان خود را بابت این جمله اش بی درنگ در راه یک عشق لبریز از هیجان نوجوانی از کف بدهد: هر کس که این دختر را می خواهد باید از روی جنازه من عبور کند!!! نوجوان آنتالیایی

دبستان ایرانی البرز

(با کادری مجرب و آشنا به امور تعلیم و تربیت در خدمت جامعه ایرانی)

Tel :

020 84555314

07958962218

Address:

Hendon School, Golders Rise

London NW4 2HP

فرزندان خود را با زبان و فرهنگ ایرانی

آشنا سازیم

تنوع کلاسها از آمادگی تا GCSE

(۳ سال به بالا)

توقیف اموال طالقانی به حکم دادگاه

به دلیل برگشت خوردن چک های متعدد شخصی محمد رضا طالقانی برای هزینه های جاری فدراسیون کشتی حکم دادگاه به منظور جلب و توقیف اموال وی صادر شده است.

محمد رضا طالقانی پس از اینکه در سال گذشته بر طبق قول معتمدی وزیر سابق فناوری و ارتباطات دولت گذشته مبنی بر تضمین اعتبار لازم برای رفع مشکلات مالی فدراسیون کشتی اقدام به هزینه بیش از ۵۰۰ میلیون تومان جهت امورات مختلف فدراسیون کشتی کرد با عدم پرداخت وزیر سابق و شکایت طلبکاران فدراسیون با حکم



جلب و توقیف اموال وی صادر شده است در حالی که با حکم دادگاه خانه شخصی رییس فدراسیون کشتی برای پرداخت بدهی هایش به فروش می رسد محمد رضا طالقانی در فروردین سال جاری در دیدار با مهندس علی آبادی رییس سازمان ورزش مشکلات مالی فدراسیون و بدهی ۵۰۰ میلیونی این فدراسیون را با وی در میان گذاشته است که علی آبادی نسبت به هزینه فوق بدون تأمین اعتبار آن گلایه کرده و تصریح کرده است قول چندانی نسبت به حل این موضوع نمی تواند بدهد. طالقانی نیز در پاسخ گفته است که طبق روال معمول چنین هزینه هایی صورت گرفته است و فکر نمی کرده است که وزیر سابق فناوری و ارتباطات به وعده خود عمل نکند شنیده ها حاکی است که علی آبادی در پایان این جلسه ضمن امیدواری به حل این موضوع به مزاح گفته است تنها کاری که سازمان

می تواند انجام دهد ملاقات طالقانی در زندان است.



۵۰ میلیون دلار برای نام

محمدعلی کلی

یک شرکت بزرگ جاری و تبلیغاتی حاضر شد برای استفاده از نام و شهرت محمدعلی کلی ۵۰ میلیون دلار پردازد البته این رقم هنگفت برای آنهایی که با دنیای ورزش بی رحم بوکس آشنا هستند، چندان هم زیاد نیست.

جورج فورمن، بوکسور سنگین وزن دنیا که در سال ۱۹۷۴ در یک مسابقه سنگین و جنجالی مقهور محمدعلی کلی شده بود، پیش از این نام خود را برای استفاده های تبلیغاتی در اختیار یک شرکت تولیدکننده لوازم خانگی گذاشت.

او که کتک خور محمدعلی بود برای آن که نامش روی یک کباب پز ثبت شود ۴۶.۵ میلیون دلار گرفت.

رابرت سیلرمن مدیر شرکت CKS که ۵۰ میلیون دلار برای گرفتن انحصار نام و عکس محمدعلی پرداخت کرد می گوید: پیش بینی ما نشان می دهد اگر نام و عکس محمدعلی روی تولیدات شرکت ما چاپ شود ۹۷۵ میلیون دلار در سال سود خواهیم کرد. پس پولمان را بیهوده هزینه نکرده ایم.

کلی که در سال ۱۹۶۴ با تشریف به دین مبین اسلام نام خود را از کاسیوس به محمد علی تغییر داد، بخشی از اعتبارش را مدیون فعالیت های انساندوستانه است.

او که در سالهای دهه ۶۰ به دلیل تماسهای مختلف با مالکوم ایکس و مارتین لوترکینگ، رهبران جنبش ضد نژادپرستی آمریکا و تلاش

برای مبارزه با نژادپرستی تحت فشار بسیاری قرار گرفت، پس از اعلام بازنشستگی به عنوان سفیر صلح سازمان ملل به کشورهای مختلف سفر کرد تا پیام دوستی به دنیا بدهد. محمد علی سالهاست که به بیماری پارکینسون (لرزش دستها و بدن) دچار شده و بسیاری از پزشکان آن را نتیجه حضور مداوم در مسابقات حرفه ای و حمل موشکهای سنگین حریفان دانسته اند. اما با همه این احوال او با حضور دخترش (لیلا) در ورزش بوکس مخالفتی ندارد و حتی یکی از عوامل رسیدن دخترش به قله قهرمانی جهان بوده است.

کشتی گیران دروغین ایرانی

بازداشت شدند

هفت نفر که می کوشیدند به عنوان کشتی گیران ایرانی به خارج مسافرت کنند در فرودگاه تهران بازداشت شدند به گفته منابع پلیس ایران این هفت مرد که وانمود می کردند اعضای تیم ملی کشتی ایران هستند در صد بودند به عنوان شرکت در یک دوره مسابقات بین المللی در مجارستان تهران را ترک گویند اما پلیس فرودگاه آنان را دستگیر کرد.

ظاهرا این افراد پس از دریافت گزارش هایی در مورد خروج غیر قانونی کشتی گیران دروغین از این کشور بازداشت شدند و به گفته منابع پلیس اعتراف کرده اند که برای دریافت ویزا و سفر به مجارستان مبالغی را پرداخت کرده بودند.

دریافت ویزای سفر به کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای شهروندان ایرانی معمولا دشوار است بر اساس گزارش های رسیده اطلاعات مربوط به خروج کشتی گیران دروغین از کشور توسط فدراسیون کشتی ایران به اطلاع پلیس فرودگاه رسیده بود.

این فدراسیون کشف کرد که نام تیم ملی ایران به عنوان شرکت کننده در یک دوره مسابقات در مجارستان اعلام شده است در حالیکه فدراسیون تصمیم نداشت در این مسابقه شرکت کند. از قول مقامات قضایی گزارش شده است که این هفت نفر با خرید ساک های ورزشی و لباس کشتی وارد فرودگاه شدند اما به سوالات مأموران پلیس فرودگاه جواب های ضد و نقیض می دادند. از جمله یکی از آنها که تنها ۶۰ کیلو گرم وزن داشته ادعا کرده است که در وزن ۱۲۰ کیلو گرم

قابل توجه خانواده های ایرانی در شهر دورسلدورف آلمان

مدرسه فوتبال ایران

این مدرسه آموزشی فوتبال زیر نظر عزیز اصلی دروازه بان بزرگ فوتبال ایران اداره میشود خانواده های ایرانی که مایلند فرزندانشان در این مدرسه آموزشی اصول صحیح فوتبال را فرا گیرند می توانند با تلفن 0211 767 836 تماس گرفته و اطلاعات بیشتر را کسب کنند

مدرسه آموزشی فوتبال ایران سومین سال فعالیت خود را جشن می گیرد

مدرسه آموزش فوتبال ایران در رابطه با آغاز فعالیتهای دوره جدید این مرکز می گوید:

در ماه جولای قرار است اولین جام جهانی فوتبال نوجوانان در لندن برگزار گردد که حضور شش تیم از کشورهای آلمان به مربیگری دروازه بان افسانه ای فوتبال ایران عزیز اصلی، از سوئد به مربیگری عباس رضوی از جمله مربیان بزرگ فوتبال ایران از امریکا به مربیگری حسن نظری بازیکن سالهای طلایی فوتبال ایران از هلند به مربیگری حسین خوانساری از سرشناس ترین ورزشی نویسان ایران از فرانسه به مربیگری ایرج ادیب زاده مفسر صاحب نام ورزش ایران و از لندن تیم منتخب نوجوانان ایرانی برگزار کننده گان اولین دوره این مسابقات هستند که حرکتی بیاد ماندنی و تاریخی در کارنامه ایرانیان در سراسر جهان خواهد بود

مدرسه فوتبال ایران جهت دوره جدید خود از کلیه خانواده ها دعوت می کند که برای ثبت نام فرزندان خود اقدام نمایند

اولین جام جهانی فوتبال نوجوانان

در لندن برگزار می شود

هر یکشنبه در منطقه برنت کراس لندن نوجوانان ایرانی در مدرسه آموزشی فوتبال ایران به تمرینات جدی می پردازند وظیفه هر خانواده ایرانی است که فرزندان خود را برای فراگیری اصول صحیح فوتبال به مدرسه آموزشی فوتبال ایران بیاورند هر هفته یکشنبه ها در شمال لندن گروهی از نوجوانان ایرانی گرد هم می آیند و زیر نظر مربیان صاحب نام و شناخته شده در فوتبال ایران به آموزش فوتبال می پردازند

با فرا رسیدن ماه می آغاز سومین سال فعالیتهای این مرکز آموزشی فوتبال است که طی ۲ سال گذشته کارنامه موفق و پرباری داشته است .

حضور در لیگ معتبر هیز به عنوان اولین تجربه بازیکنان نوجوان ایرانی محسوب می گردد.

اعزام تیم نوجوانان این مدرسه به کشور هلند و انجام ۲ بازی از جمله فعالیتهای با ارزش این مدرسه فوتبال است سرپرست

هر چهارشنبه شنونده برنامه ورزشی در رادیو اسرائیل باشید

"ایران در جهان ورزش" برنامه ای است تخصصی و حرفه ای که چهارشنبه ها از رادیو اسرائیل در سراسر جهان پخش می شود این برنامه شامل تازه ترین خبرها، ناشنیده های پشت پرده ورزش، تفسیر، مصاحبه و گزارش می باشد. تهیه کننده این برنامه محمود سرابی می باشد.

مدرسه آموزش فوتبال ایران



مدرسه آموزش فوتبال ایران با حضور چهره های صاحب نام و شناخته شده فوتبال کشورمان

این مدرسه زیر نظر محمود سرابی دارای مدرک مربیگری درجه یک از فدراسیون جهانی فوتبال (FIFA) و نادرمحمدخانی کاپیتان تیم ملی فوتبال ایران اداره می شود.

مدرسه آموزش فوتبال ایران کلاسهای رده بندی شده سنی برای نونهالان، نوجوانان و جوانان و تیم امید از سنین 6 تا 20 سال تدارک دیده است.

جهت کسب اطلاعات بیشتر و نامنویسی خواهشمندیم

با شماره تلفن 02087319333 تماس بگیرید



تیم فوتبال بزرگسالان پارس عضو می پذیرد

تیم فوتبال بزرگسالان پارس قدیمی ترین تیم فوتبال ایرانیان با ۲۷ سال سابقه فعالیت

جهت تمرینات و مسابقات خود عضو می پذیرد (سنین ۱۵ تا ۲۰ اولویت دارند)

این تیم زیر نظر محمود سرابی و نادرمحمدخانی اداره می شود.

0208 731 9333



و در مدرسه جدید در انجمن موسیقی عضو شدید؟

بله موقعیت مناسبی بود آقای به نام پروین ویلن می زد آقای برزین سنتور و آقایان محمودی نوایی و نخست می خواندند قبل از اینکه من به عضویت انجمن موسیقی مدرسه نظام در بیایم آقای حسین خواجه امیری که بعد ها به نام هنری ایرج معروف شد به عضویت آنجا در آمده بود که بعد به رادیو ارتش رفت. در آنجا به طور فعال موسیقی کار می کردم دو سال از تحصیلم در مدرسه نظام گذشته بود که یک آشنای جدید مسیر زندگی من را عوض کرد

انگار در زندگی شما مقدر شده بود که هر بار یک نفر در مقطعی خاص به یاری شما بیاید و راه را برایتان هموار کند از محمود آقا خراز محل گرفته تا مرحوم پدرتان و حالا این آشنای جدید این مرد چه کسی بود و چه نقشی در زندگی شما بازی کرد؟

دوستی داشتیم فلوت می زد یک روز به من گفت اکبر تو که صبح ها زود بیدار می شوی بیا و یک ثوابی بکن . پرسیدم قضیه چیه؟ گفت : حسین آقا یکرنگی را می شناسی؟ می شناختم او خواننده ای بود که در محل ما زندگی می کرد و از شاگردان اقبال السلطان بود و خیلی با او کار کرده و موسیقی را خوب می شناخت. در یکی از مهمانی هایی که در پشت بامی برگزار می شد دعوائی رخ داد و این بنده خدا را از آن بالا به پایین انداختند که بر اثر آن فلج شد دوستم برایم توضیح داد این حسن آقا کسی را ندارد که به او کمک کند حالا که تابستان است شبها اتاق گرم است اگر حاضر باشی ما غروب ها تخت او را به اتاق می آوریم و در حیاط می گذاریم و صبح ها قبل از طلوع آفتاب تخت را دوباره به اتاق بر می گردانیم . قبول کردم و از آن روز کارمان شد جا به جایی حسن آقا یکرنگی . او که از علاقه ام به موسیقی خبردار شد تعلیم مرا به عهده

می کردیم بعضی از بازیکنان تیم عبارت بودند از غلام حسین نوربان ، محسن حاج نصر الله مهدی اخوی ، داوود حیدری که بعدا به کسوت داوران در آمد گلر تیم هم ناصر سلطانی بود بعضی از این بازیکنان به عضویت تیم ملی فوتبال ایران در آمدند من هم بغل چپ بازی می کردم تیم ما قهرمان تهران شد.

غیر از خواندن در گروه سرود مدرسه تا قبل از ورود به دبیرستان نظام تجربه های دیگری را از سر گذراندید؟

بله دو تجربه داشتیم وقتی در کلاس نهم دبیرستان بدر در س می خواندم در محل ما دختر خانی زندگی می کرد که شنیده بودم به کلاس موسیقی می رود یک روز از او پرسیدم شما هر روز بعد از ظهر به کجا می روید؟ پاسخ داد روبروی اداره رادیو و ساختمان دادگستری جایی درست شده که به صورت کر آواز می خوانیم اگر دوست دارید می توانید بیایید

یک روز رفتم حدود پانزده شانزده نفر بودند معلم آنها آقای به نام ایرج گلسرخی بود پسرها در یک طرف و دخترها در سمت دیگر می ایستادند و می خواندند معلم آنها وقتی صدای من را شنید گفت که می توانم به گروه آنها بپیوندم سه چهار جلسه ای رفتم ولی دیدم که آنجا جای من نیست و دیگر نرفتم تجربه دیگر من مربوط به همان دوران میشود آقای شاپور قریب که الان کارگردان سینما است یک روز به من گفت : ما داریم در شیر و خورشید نمایشنامه اجرا میکنیم در صحنه ای از آن یک پسر وجود دارد که شعر می خواند تو صدای خوبی داری حاضری رل آن پسر را ایفا کنی؟ قبول کردم و ان هم دومین تجربه که خیلی هم گل کرد.

بعد وارد مدرسه نظام شدید چرا مدرسه نظام را بر گزیدید؟
چون آن جا را دوست داشتم

دوران تحصیلات شما چگونه گذشت ؟ از آن روزها چه خاطراتی دارید؟ آیا در دوران تحصیل از این صدای خوش استفاده می کردید؟

اولین دبستانی که در آن درس خواندم دبستان فرهنگ بود در تکیه زرگرها . منطقه ما محله تکیه ها بود یک تکیه زرگرها بود بعدش یک تکیه حموم خانوم. مدرسه ما بین این دو تکیه قرار داشت و رئیس آن آقا طاهای بود که شکر خدا زنده است ولی شنیده ام حالش خوب نیست تا کلاس سوم دبستان آنجا بودم بعد از آن محل نقل مکان کردیم و به خیابان آبشار رفتیم یعنی دو خیابان بود یکی خیابان دردار و دیگری خیابان آبشار که به خیابان قجرها هم معروف بود من از کلاس چهارم تا ششم دبستان به دبستان اقبال می رفتم مرحوم جهانگیر ملک همکلاسی من بود و پدر آقای انوشیروان روحانی هم معلم موسیقی ما . مرحوم ملک از همان زمان به ضرب علاقه داشت و مدام بر روی میز کلاس ضرب می زد در آنجا کار خواندن سرود با ما بود در دبستان فرهنگ هم من قرآن پیش از شروع کلاس را می خواندم سیکل اول متوسطه را در دبیرستان بدر در سر چشمه گذراندم که آقای نیک نفس مدیر آنجا بود

در همین دوره است که جذب تیم فوتبال نوجوانان باشگاه تهران جوان شدید؟

بله مرحوم حسین فکری که به حق لقب پدر فوتبال ایران به ایشان داده شده مربی ما بودند در زمین شماره ۳ خیابان شهباز تمرین



دان بزرگی بود هفته ای دو سه روز به منزل نور علی خان می آمد در آن روزها کار ما به این شکل پیش می رفت که من باید ضبط را دستم نگه می داشتم تا اسماعیل خان ردیف ها را بنزد و من آنها را ضبط کنم باید خیلی مواظب بودم که کجا باید ضبط یا تکرار شود وقتی کار اسماعیل خان تمام می شد تازه کار من شروع می شد باید گوشه ها را حفظ می کردم و برای نور علی خان می خواندم آن قدر می خواندم تا برای او ملکه شود این کار دو سه سال طول کشید.

از دیگر مزایای شاگردی نور علی خان چه بود؟ آشنایی با همه بزرگان موسیقی کشور. برنامه زندگی نورعلی خان به این صورت بود که یا در منزل خودش یا در منزل دیگر اساتید موسیقی جلساتی بر پا می شد که طی آن مهمانان به تبادل یافته های جدید خود می پرداختند و بی ادعا آن چه را که می دانستند در طبق اخلاص می نهادند و می آموختند یکی از این مجالس هفته ای یکی دو شب در منزل نور علی خان بر پا می شد که آقایان جوییدی، صبا، سلیمان امیر قاسمی معروف به آقا سلیمون خواننده معروفی بود و نازک و خوشمزه می خواند، طاهر زاده، اسماعیل خان قهرمانی در آن گرد می آمدند می زدند و می خواندند.

صدای مرحوم طاهر زاده در وزین و شمرده خواندن خیلی به من کمک کرد، قباد صفت که از شاگردان مرحوم حبیب سمعی بود از دوستان نزدیک نور علی خان به شمار می آمد وضع مالی پدران این دو بسیار خوب بود به همین دلیل سه شنبه هر هفته در منزل یکی از آن دو جلسه ای برقرار بود که محفل بسیاری از هنرمندان به شمار می آمد و من با بسیاری از هنرمندان مانند آقای مرتضی محبوبی، داریوش رفیعی، منوچهر همایون پور و حسین تهرانی آنجا آشنا شدم. آقای رضا ورزنده را هم نخستین شبی که از کاشان به

تا ساعت ۱۱ با التهاب به انتظار نشستیم ساعت ۱۱ زنگ زد آقای برومند پرسید: پس خوب عزمت را جذب کردی؟ گفتم اگر نمی خواستم به شما زنگ نمی زدم یک امکانی مثل صدا دارم اما نمی دانم چه طور از آن استفاده کنم. آقای برومند آدرس داد و گفت ساعت چهار اینجا باش!

حالا چند ساله شدید و در کدام مقطع تحصیلی قرار دارید؟

شانزده، هفده ساله هستم و سال آخر مدرسه نظام. جوانی با آرزوهای بزرگ دلی مالا مال از امید اما جیبی خالی. تا رسیدن به منزل نور علی برومند باید تا توپخانه می رفتم بعد پیاده از کنار سنگلج عبور کرده خودم را به خیابان منیریه می رساندم کوچه گنجه ای تقریباً نزدیک گمرک بود تا توپخانه را می شد با یک بلیت دو ریالی رفت ولی بقیه راه را باید پیاده می رفتم ساعت چهار هر روز کارمان را شروع می کردیم و تا ساعت هفت هشت شب ادامه می دادیم و مجدداً من باید همان مسیر را پیاده بر می گشتم.

روش کار نور علی خان در آموزش چگونه بود؟ نور علی خان نواری از طاهر زاده می گذاشت و روی آن کار می کردیم مثلاً روی درآمد دشتی. اولین بیت نواری که برای تمرین گذاشت چنین بود

باغبان حرامت باد زین چمن که من رفتم
گر به جای من سروی غیر دوستی بنشانی
یک هفته روی همین بیت شعر کار کردیم او مواظب تمام ظرایف بود و روی تحریرها و بقیه موارد مکتب می کرد تا کار خوب پخته شود البته بعد ها که فرم کار دستم آمد همین کار را در عرض یک روز یا دو روز انجام می دادیم به قدری شیفته آموختن بودم که هر چه نور علی

خان می گفت به دیده منت می شنیدم اوایل دوره آموزش بود که ایشان رو به من کرد و گفت خیلی سخته که تو را گلپایگانی صدا کنم از این به بعد من به تو گلپا می گویم.

و این شد اسم جدیدی که تا به امروز هم همه مرا به همین نام می خوانند غیر از تمرین هایی که به من طور انفرادی با نور علی خان داشتم از محضر اسماعیل خان قهرمانی هم بهره مند بودم. اسماعیل خان که ردیف



گرفت دیدم او چیزهایی می داند که تا آن وقت نشنیده بودم انس و الفت بین ما روز به روز محکم تر می شد و او گوشه ها ردیف ها و دستگاه ها را آن سان که آموخته بود به من می آموخت یک روز که در منزل حسن آقا یک رنگی مشغول تعلیم بودیم آقای جوییدی وارد شد عرض ادب کردم از من پرسید اکبر جان تو اینجا چه می کنی؟ توضیح دادم که از آقای یکرنگی تعلیم می گیرم. کار ما را که دید رو به من کرد و گفت: پس فردا آقایی را به اینجا می آورم که کار تو را ببیند دیدن این آقا برای تو خیلی مهم است.

مبنای آشنایی آقای جوییدی با شما چگونه بود؟

در یک محل می نشستیم و ایشان پدرم را می شناخت پس فردا من با لباس نظام به منزل حسن آقا رفتم دیدم آقای بسیار متین که کراوات و عینک زده بسیار موقر آنجا نشسته است. آقای جوییدی مرا به ایشان معرفی کردند آن آقا از من پرسید شما صدا دارید؟ گفتم فکر می کنم یک کمی دارم پرسید دستگاه ها را می شناسی؟ توضیح دادم آن مقداری که پدرم و بعد حسن آقا به من آموخته اند می شناسم. گفت یک بیات ترک بخوان! خواندم در حین خواندن آن آقا سخت به فکر فرو رفت و با دقت گوش می داد با خودم گفتم ای بابا این هم مثل بقیه صدای ما را می شنود و می رود ایشان بعد از اینکه صدای مرا شنیدند رو به آقای جوییدی کرد و گفت عجب اسب سرکشی است ولی باید او را تربیت کرد زمانی که می خواست برود دیدم آقای جوییدی مرا صدا کرد و کارتی به دستم داد و گفت این کارت را این آقا داده و گفته که فردا ساعت ۱۱ صبح به ایشان زنگ بزن.

پرسیدم آخر به من بگویند این آقا کیست؟ چکاره است؟ آقای جوییدی توضیح داد که این آقا ردیف های موسیقی را خوب می شناسد و می زند اسم ایشان هم نور علی خان برومند است پرسیدم یعنی تمام ردیف ها را می شناسد؟ گفت آنهایی را که خودش هم نداند از اسماعیل خان قهرمانی می پرسد به هر صورت می تواند خیلی به تو کمک کند آن شب اصلاً خوابم نبرد صبح که بیدار شدم



سرگذشت‌های واقعی

سرگذشت یک فاحشه

کمربند لعنتیش کتک زد ، آخه عقیده داشت این چیزا رو نباید به خونه بیاریم . یعنی کسی حق نداشت ، دخترارش که همه مته زندانیا بودن و حق داشتن هیچ چیزی رو نداشتن حتی عقیده داشت که دخترارش طلا هم نباید داشته باشن .

از اوغایی که بد بختها همیشه بد بختتر میشن ، پدرم شد معتاد و به طور خیلی علنی جلوی بچه هاش مواد مصرف میکرد . اون موقع ۱۲ ساله بودم . پدرم دیگه به طور کامل کار رو گذاشت کنار و اون هم شد خونه نشین و با اینکه علاقه شدیدی به درس خوندن داشتم ، من و خواهر دیگرم که قبلا گفتم را از درس خوندن بازداشت و مجبور کرد که همراه مادرم بریم خونه های پولدارها کلفتی . اون هم هر چی ما در میاوردم ازمون میگرفت و خرج مواد لعنتیش میکرد .

چه خونه ها که برای تمیز کردن میرفتیم ، یکی از یکی بزرگتر و خوشگلتر ، وقتی بچه های اونا رو میدیدم واقعا دلم برای خودم میسوخت ، چون ما در خونهون حتی تلویزیون نداشتیم ، ولی تو خونه این پولدارها چه خبر که نبود و چه اتاقهایی که این بچه پولدار ها نداشتن .

خلاصه یه روز که با مادر و خواهرم به خونه برگشتیم ، دیدیم به غیر از پدرم ، یک مرد دیگرم تو خونه بود ، مردی حدود سن پدرم ، اولش فکر کردم که یکی از اون همپراغهای بابامه و اومده اینجا تا با بابام مواد بکشه ، ولی یه کم که گذشت فهمیدیم که نه این آقا خواستگار خواهرم ، بابام ۵۵ هزار تومن (اون موقع) بهش بدهکار بود و از اوغایی که ما این همه پول نداشتیم ، اون مرده هم گفته بود که اگه خواهرمو بهش بدن ، بیخیال پولاش میشه و پدر کثافتتم با این پیشنهادش موافقت کرد . خواهرم اصلا باورش نمیشد ، یعنی هیچ کدومون باورمون نمیشد ، ولی کی جرات داشت رو حرفه پدرم واسته ، اون روز خواهرم به خاطر اینکه فقط نظرش رو در مورد اون مرد ابراز کرده ، آنچنان کتکی از پدرم خورد ، داداشام که یکی از یکی بی غیرت تر ، از اوغایی همشون عین بابام معتاد بودن ، موافق این ازدواج بودن ، چون اون پول موادی بود که به اون مرد لعنتی بدهکار بودن .

خواهرم در عین ناراحتی و اجبار به خونه بخت رفت .

ولی چه خونه بختی ، حالا من و مادرم تنها شده بودیم

بعد از اینکه خواهرم رفت من و مادرم تنها شدیم ، ۳ سال به همین صورت گذشت و من ۱۵ ساله شدم ، من و مادرم روزهای دوشنبه در خونه ای بسیار بزرگ کار میکردیم ، که صاحبان اون خونه دختری هم اندازه من داشتن ، و بیشتر وظیفه من تمیز کردن اتاق اون بود ، که فقط اتاقش دو برابر خونه ما بود و انواع و اقسام وسایل تفریحی رو داشت ، من و اون کم کم با هم دوست شدیم ، به طوری که اون هم در تمیز کردن اتاقش به من کمک میکرد .

۱۶ ساله بودم که پدرم گفت : دیگه وقته ازدواجه منه و باید با پسر یکی از دوستاش ازدواج کنم ، همون روز هم پسر به پدر و مادرش اومدن خواستگاریم ، پسر هم تابلو بود که مته باباش معتاده ، ولی نه از اون معتادهای خراب ، خلاصه قیافش که افتضاح ، همیشه دوست داشتم با مردی ازدواج کنم که معتاد نباشه و یه کم هم به سر وضعش برسه ، ولی این هم معتاد بود و هم نه معیار دیگه رو داشت ، برای همین تصمیم گرفتم که روی پدرم بایستم و با این ازدواج خمیلی مخالفت کنم .

وقتی اونا رفتن ، رفتم جلوی پدرم ایستادم و بهش گفتم که من به هیچ عنوان با این پسر ازدواج نمیکنم ، هنوز حرفم تموم نشده بود ، که پدرم آنچنان سیلی به من زد ، که سرم سوت کشید (و بعدا فهمیدم به خاطر همون سیلی گوش طرف راستم کر شد) و بعدش شروع کرد به فحش دادن ، برادرارم هم از پدرم حمایت کردن . دیگه داشتم دیوونه میشدم ، اون شبو تا صبح گریه کردم ، اتفاقا روز بعد هم خونه همون دوستم که خیلی پولدار بود باید میرفتیم کارگری ، اوغای که بودیم دوستم مریلا (همون بچه پولداره) ، متوجه شد که

قبل از خواندن این داستان واقعی و دردناک این توضیح را لازم می دانیم که چون فرستنده این داستان واقعی از ما خواسته تا مطالبش را بدون سانسور درج کنیم ، ما نیز بنا بر قولی که به نویسنده دادیم ، این مطلب را بدون سانسور در اینجا می گذاریم . اما پیشاپیش این توضیح را نیز لازم می دانیم که این داستان واقعی است و در قسمتهایی از آن کلماتی عامیانه به کار رفته که بنا بر خواسته نویسنده و شرط وی برای چاپ این مطلب ، از هرگونه سانسور کلمات خودداری کردیم که از شما پوزش می طلبیم .

۲۲ سال قبل در منطقه قلعه ساختمون مشهد (یکی از محروم ترین مناطق مشهد) به دنیا اومدم ، توی یک خانواده فوق العاده فقیر ، آخرین بچه پدر و مادرم بودم و به غیر از من ۸ بچه دیگرم داشتن .

من نمیدونم واقعا چرا همیشه اونایی که فقیرن باید بچه های زیاد داشته باشن ، چون واقعا بچه هایی که در این چنین خانواده هایی به دنیا میان ، زندگی برانشون با جهنم فرقی نداره . پدرم اون موقع به عنوان کارگر ساختمونی کار میکرد ، بعضی وقتها سر کار بود و بیشتر وقتها بیکار . بیشتر خرج خونه رو گردن مادر بیچارم بود ، کله صبح میرفت خونه مردم ، تا خونه هاشونو نظافت کنه ، بعدش کارهایی رو که وقت نمیکرد اوغای انجام بده ، مثل خرد کردن سبزیها ، یا شستن لباسها رو با خودش میاورد خونه تا انجام بده ، تو خونه هم که میامد از یک طرف نیش و کنایه های پدرم و از یک طرف اذیتهای ما بچه ها خوردش میکرد ، واقعا بیچاره مادرم ، امیدوارم که الان تو اون دنیا بهش خوش بگذره . پدرم با اینکه فقیر بود ، ولی از اون متعصب و خشک مقدس های عوضی بود که لنگه نداشت و تنها چیزی که توی خونه دو اتاقه ما به وفور یافت میشد ، دعا بین پدر و مادرم بود ، پدرم همیشه زور میگفت ، هم به مادرم و هم به بچه هاش ، یه بار یادمه که ۵ ساله بودم و پدرم از من خواست تا براش آب بیارم ، من هم با همون کوچیکیم رفتم و براش یه لیوان آب آوردم ، همینکه اومدم آبه به دستش بدم ، پام به لبه قالیچه گیر کرد و لیوان از دستم افتاد و شکست ، بعد پدرم هم به خاطر اینکه یه لیوان شکستم ، آنچنان تنبیهی منو کرد که از همون موقع یادم مونده ، بیچاره مادرم هم اون روز به خاطر من چقدر کتک خورد ، امیدوارم که الان اون دنیا خدا از سر تقصیراتش نگذره ، که تمام بیچارگیهای من و تمام خانوادم تقصیر اونه .

سال اول دبستان بودم و باید به مدرسه میرفتم ، ولی پدرم مخالف درس خوندنم بود ، میگفت باید تو خونه بشینی و تو کارهایی که مادرت با خودش به خونه میاره کمکش کنی تا بیشتر بتونه کار بیاره ، ولی مادرم اصرار داشت که من هم مثل بقیه خواهرام به مدرسه برم ، برای همین به پدرم قول داد که بیشتر کار کنه و پول بیشتری در بیاره .

روز اول مدرسه ها شد و من با یک دست لباس کهنه و کثیف و با کیف برادریم که دو جاش وصله شد بود به مدرسه رفتم ، اون روز مادرم سر کار نرفته بود و منو به مدرسه برد ، توی اون منطقه همه فقیر بودن و بچه ها هم همه لباساشون کهنه و پاره ، خلاصه این جواری درس خوندن من آغاز شد . ۳ سال گذشت ، تو این سال چه رنجها که نکشیدیم ، ۱ برادرم خودکشی کرد ، دو تا از برادرارم به جرم حمل مواد دستگیر شدن و یکی از خواهرام هم به ناچار با مردی که ۲۰ سال از خودش بزرگتر بود ، ازدواج کرد حالا چهار نفر یا به قول بابام نون خور اضافی از خونهون کم شده بود ، آخه بابام ما هارو نون خور اضافی حساب میکرد .

یادم تو همون دوران پدرم از تو کیف خواهرم که ۴ سال از من بزرگتر بود یک شیشه لاک پیدا کرد ، از اوغایی که از اون خشک مقدسا بود اون روز پدرم خونه رو مته جهنم کرد و خواهرمو تا جایی که جا داشت ، با



همین طور چون میدونستم اگه برم دویی و کاری گیر بیارم میتونم خیلی زود پولدار بشم . ولی غافل از اینکه بعضی از آدم‌ها چقدر میتونن کثافت باشن . همه دخترا آمادگیشونو اعلام کردند و قرار شد که همگی به همراه اون مرده به بندر برم و از اوّلجا با لنج و یا قایقی به دویی برم . دیگه خودمو خوشبخت میدیدم . ولی باز به کم استرس داشتم و با اگه اوّلجا کاری پیدا نشه . ولی هیچ کدومون فکر نمی‌کردیم که اون مرده بخواد به ما خیانت کنه . ما هم از روی سادگی به اون مرده خبیث اعتماد کردیم . نگو که اون همه ما رو به این عربهای عوضی فروخته بود . البته اینو بعدش فهمیدم .

ساعت‌های ۲ شب بود که اون مرد به همراه چند گردن کلفت دیگه اومدن جایی که ما دخترا بودیم و گفتن که حالا وقتشه و با اون‌ها تا جایی که باید سوار قایق میشدیم رفتیم . به اوّلجا که رسیدیم گفتن باید برم داخل کیسه گونی تا کسی متوجه حضور ما نشه . اولش خیلی‌ها از جمله خود من مخالفت کردیم . که یکی از اون مردها اسلحه ای در آورد و گفت که ما چاره ای به غیر از این کار نداریم . تازه اوّلجا بود که اون مرده گفت که چه بلایی سر ما آورده و همه ما رو به چند عرب فروخته و وسط آب قراره ما رو به عربها خویل بدن . هیچ کدومون باورمون نمیشد . به زور تو کیسه گونیمون کردن و همینکه اون قایق خواست راه بیفته . متوجه شدم که درگیری پیش اومده . سرم رو از تو کیسه در آوردم و دیدم که اون مردها با نیروهای انتظامی درگیر شدن . دیگه نگرهبانی بالا سرمون نبود و منو مژگان فرار کردیم . اگه فقط دو دقیقه دیرتر فرار کرده بودیم ما هم مثل بقیه دخترا به دست نیروهای انتظامی افتاده بودیم . دیگه من و مژگان تنها و بودیم و هیچ پولی هم نداشتیم . از شهرمون هم که خیلی دور شده بودیم .

من و مژگان تنها شده بودیم و هیچ پولی هم نداشتیم . چون قبل از اینکه ما رو تو کیسه بکنن . هر چی پول داشتیم رو گرفتن . از شهر خودمون هم خیلی دور بودیم . اون وقت شب همه جا ساکت و وحشتناک بود . نمیدونستیم باید چی کار کنیم . مژگان میگفت که بهتره برم کنار جاده اصلی واستیم شاید ماشین اومد و ما رو سوار کرد . برای همین به سمت جاده ای که از شهر خارج میشد راه افتادیم . حدود ۲ ساعت پیاده رفتیم تا رسیدیم به اون جاده . ساعت حدودی ۵ بامداد بود و ما همین طور کنار جاده راه میرفتیم . هر از گاهی یک ماشین رد میشد و بوقی برای ما میزد . وقتی میفهمید که ما میخوام از بندر عباس به مشهد برم . راهشو میگرفت و میرفت . دیگه داشتیم ناامید میشدیم . خسته و کوفته بودیم که یک تریلی اومد و برای ما نکه داشت . وقتی از مقصدمون با خبر شد و همچنین وقتی فهمید که ما هیچ پولی نداریم گفت که اون هم مسیرش مشهد و به یک شرط ما رو سوار میکنه و شرطش هم این بود که ما یک جوری در راه خستگی رو از تنش در بیاریم و یا به زبون ساده تر به حالی بهش برسونیم .

من اولش مخالفت کردم . ولی مژگان گفت که اصلا تو کاریت نباشه و نیازم به تو حتی دست بزنه و گفت این تنها شانس ماست . ولی باز من مخالفت کردم که مژگان به زور منو سوار کرد . راننده تنها بود و شوفر نداشت و ما رفتیم جلو نشستیم و همین که ماشین راه افتاد . من از فرط خستگی خوابم برد . وقتی چشمامو باز کردم دیدم که ماشین واستاده و ساعت حدود ۱۰ است . دور و برم نگاه کردم و دیدم کسی نیست

خیلی ناراحتم و من هم تمام ماجرا رو براش تعریف کردم . مریلا خیلی منو دلداری داد و وقتی فهمید که هیچ راهی جز ازدواج با اون پسر ندارم . بهم گفت که بهتره از خونه فرار کنم . پیشنهاد جالبی بود و من تا حالا بهش فکر نکرده بودم . بهش گفتم تا هفته دیگه که دوباره باید خونشون میرفتم فکر میکنم .

تو راه هم که داشتیم خونه میرفتیم . نقشه فرار از خونه رو برای مادر تعریف کردم . و اون منو به این کار تشویق کرد . یعنی واقعا ازدواج با اون پسر شالواتان بد تر از مردن بود . و بهترین کار مکن در اون وضعیت فرار بود . تو اون یک هفته کلی فکر کردم و به این نتیجه رسیدم که تنها فرار مکنه منو از دست این پدر کثافت نجات بده .

هفته بعد که خونه مریلا بودیم بهش گفتم که با فرار موافقم . اون روز موقع که باید میرفتیم مریلا اومد و یک بسته به من داد و گفت توش ۱۰۰ هزار تومن پوله و گفت که این حتما لازمت میشه . واقعا خوشحال شدم و مریلا با تموم وجود در آغوش گرفتم . شب فرار فرا رسید . پدر و برادرارم که خوابیدن . دیگه آماده فرار از خونه شدم . مادر همش گریه میکرد و قسم میداد که اونو از خودم بی خبر ندارم و من بهش قول دادم .

همه جا تاریک بود و من به سمت وسطهای شهر به راه افتادم . همه جا تاریک بود و شهر خلوت خیلی وحشتناک بود . یک لحظه تصمیم گرفتم که برگردم . ولی بعد با خودم گفتم که نه . حتی اگه ببرم هم به اون خونه بر نمیگردم . آدمهایی که اون موقع شب در خیابون بودن . همشون مثل من بد بخت بیچاره بودن . نگاه های مردها واقعا وحشتناک بود . همین جور داشتیم بدون هدف در شهر راه میرفتیم . که ماشین نیرو انتظامی رو دیدم و یاد نصیحت مریلا افتادم که گفت اگه دست نیروهای انتظامی بیفتی بد بختی . برای همین سریع رفتم خودم در پشت درختی مخفی کردم . واقعا شانسسم گرفت که منو ندیدن . در همون هنگام صدای دختری اومد که داشت منو صدا میزد . رفتم طرفش . صورتی پر از آرایش داشت و به وضع زننده . رفتم سراغش و گفت : چیه تو هم مثه من علافی و خونه نداری ؟ من هم گفتم نه . اونم گفت : پس فراری هستی ؟ گفتم آره . به نگاه به سر و روم کرد و گفت : بهت میخوره هیچی نداشته باشه . گفتم نه . فقط به مقدار پول دارم . وقتی شنید که پول دارم . لحن صحبت کردنش خیلی بهتر شد و گفت که میتونه در ازای گرفتن پول به من جا بده . قبول کردم و ۲۰ هزار تومن بهش دادم . وقتی اون پول رو دید . گفت : بهت نمیخوره اینقدر پول داشته باشی . اسم من مژگانه و فقط یادت باشه اوّلجا که رفتیم کسی نفهمه پول و پله داری . که سه سوت تیغیدنت .

با هم راه افتادیم و بعد از ۱ ساعت پیاده روی به خونه نیمه خرابه ای رسیدیم . با کمی هل دادن در و باز کرد و رفتیم داخل . یک خونه قدیمی بود پر از اتاق بود که توی هر اتاق پر از آدم . بیشتر اتاقها چراغش خاموش بود . به پشت در به اتاق رسیدیم که چراغش روشن بود . مژگان در رو باز کرد و داخل شدیم . یک اتاق کوچک که ۵ دختر دیگه داخلش بودن . بعضیها خواب بودن و یکی دو تاشون بیدار که اونها داشتند با هم ورق بازی میکردن . مژگان منو به اون معرفتی کرد و گفت که به چند وقتی مهمونشونم . اونها هم منو پذیرفتن . شب اول گذشت . صبح که شد همه دخترا با آرایشهای مختلف و با مانتو کوتاه و یک وضع تابلو بیرون رفتن و قرار شد من تو اتاق باشم و براشون غذا درست کنم . مژگان هم بهم نصیحت کرد که اصلا با کسی از همسایه ها صحبت نکنم .

۶ ماه گذشت و من همون جا بودم . با بقیه دخترا خیلی رفیق شده بودم و تازه فهمیده بودم که اون چای کاره هستن . البته برام فرقی نداشت . چون اونها هم مثل من بد بخت بودند و از روی بیچارگی به خود فروشی میپرداختند . من هم اوّلجا بودم و زندگیمو میکردم . پولام دیگه تموم شده بود . ولی مژگان نداشتنه بود که من از اوّلجا برم . یک چند وقتی بود که یک مردی به اون خونه میامد و میرفت و بیشتر از همه هم اتاق ما رو زیر نظر داشت . یک روز مژگان با خوشحالی اومد و گفت که هر کی دوست داشته باشه . میتونه با اون مرده که میاد اینجا به دویی بره و مرده گفته : ما میتونیم باهش برم و اوّلجا اینقدر کار زیاده که دیگه نمیخواد دست به کارای کثافت بار بزنیم . این خبر باعث خوشحالی همه شده بود . من هم

گذاشت و دیدن سینی مسی برای ما تجدید خاطره ای با پهلوان بود که هرگز آخر نمایش را اجرا نکرد ولی ما بچه ها بارها و بارها در ذهن تخیلی خود او را می دیدیم که چه قدرتمند و با شکوه سینی مسی را می درد.

حاج آقا قیصر

توی محله ما او ن سالهای دور که به چهل و پنجاه سال قبل می رسه آدم ها اعتبار و ارزش محل بودند و مرغوبیت زمین و محله تعیین کننده نبود نظام آباد یکی از همان محله های پر اعتبار و سرشناس تهران بود خیابانی با عرض ۲۰ متر و طول ۲۰ : ۳۰ کیلو متر که ابتدایش از خیابان شاهرضا نرسیده به میدان فوزیه سابق و امام حسین فعلی شروع و آخرش به میدان رسالت در امتداد اتوبان رسالت ختم می شد. هر چهار راه این خیابان با اسامی مختلف حال و هوای خاص خودش را داشت که مثلا سه راه مسجد امام حسین کوچه شاطر سه راه عظیم پور محله کوچه اسلامی محله گلچین و بگیر و برو بالا. سه راه عظیم پور متشکل از یک خیابان فرعی که از خیابان گرگان به خیابان نظام آباد منتهی می شد و چند کوچه مانند : کوچه ضرابی کوچه متقی کوچه مشرفی کوچه شاطر و کوچه سجادی متشکل می شد.

جالب ترین قسمت این مجموعه این بود که به نوعی اهالی این محله ها یکدیگر را می شناختند و از همه جنس آدم در این محله زندگی می کردند از متعصب ترین مذهبی های دو آتشه گرفته تا نسلی که مینی ژوب می پوشید و دیسکو می رفت از استادان دانشگاهی گرفته تا چاقو کشان گردن کلفت از بچه های سیاسی و چریک مبارز گرفته تا کارمندان ساواک.

توی محله ما حاج آقایی بود به اسم حاج آقا قیصری که قد و قواره ای ورزشکاری داشت و صاحب یک دکان بقالی و چند خانه بود در یکی از خانه های خودش به همراه دو همسرش زندگی می کرد و مشتی بچه قد و نیم قد را از این دو حاج خانم پس انداخته بود خانه های دیگر را اتاق به اتاق به مردم اجاره داده بود و در هر اتاق دست کم سه تا ۷ نفر خانواده زندگی می کردند حاج آقا قیصر مورد نظر ما با داشتن کلی مستاجر و دکان و درآمد مناسب برای خودش دبدبه و کبکبه ای داشت و کوچه ای هم به نامش بود «کوچه قیصری»

حاج قیصر ماه محرم با راه انداختن دسته زنجیر زنی و بر پا ساختن تکیه ای به نام دسته زنجیر زنی خوانسارهای مقیم مرکز جلودار امور مذهبی بود و شبهای دهه اول ماه محرم که دسته زنجیر زنی برای می افتاد حاج آقا قیصر با ابهت و صلابت زیر علم هفت تیغه می رفت و با گام هایی پهلوانانه علم را بر دوش می کشید حاج آقا قیصر بعد از ظهرها روی چهار پایه ای جلو دکانش می نشست برای ما

هم بفرستند ابتدا به سراغ زنجیرها می رفت و آن را به دور بازوهایش می بست و چندین باری زور می زد و چون اتفاقی نمی افتاد از مردم می خواست برای کمک به او صلوات بفرستند و خلاصه سید علی پهلوان عصبانی می شد و اعتراض می کرد که صلوات ها محکم و رسا نیستند و با ناراحتی و دلگیری و گاهی هم با گریه و التماس روی زمین می نشست و قهر می کرد تا بالاخره چند نفری دست به جیب می شدند و چند تا سکه برای او می انداختند تا سید علی از قهر خود دست بردارد و لند شود و بالاخره پس از چند بار قهر و آشتی و دریافت سکه هایی پول پهلوان زنجیر را در میان هورا و کف زندهای ما بچه ها و بزرگترها پاره می کرد و سیل تشویق و صلوات او را به عرش اعلاء می رساند و همیشه هم در این مواقع یکی از آن میان پارازی می پراند که این زنجیر را چند بار پاره می کنی؟ که سید علی پهلوان هم بی اعتنا بلند : بلند می گفت بر خر مگس معرکه لعنت و همه تماشاگران هم طوطی وار پشت بند او می گفتند بش باد!

اوج معرکه به پاره کردن سینی می رسید و با اینکه شاید ما صدها بار این نمایش تکراری را دیده بودیم ولی با ولع و اشتیاق و هیجان دوباره آن را تماشا می کردیم و هر دفعه امیدوار بودیم که شاید این بار سید علی پهلوان این سینی طلسم شده را پاره کند. البته برایتان بگویم که این پهلوان ما قامتی بطول تقریبی ۱/۸۰ سانتی متر داشت با جثه ای لاغر و نحیف که نشان می داد روزگاری این جثه درهم شکسته شاداب و ورزیده و تنومند بوده است و در گذر ایام و مصرف مواد مخدر چنین شکسته شده است خلاصه سید علی پهلوان باز هم چند بار قهر و آشتی می کرد و با دریافت مقداری پول و احساس اینکه دیگر کسی پولی نخواهد داد برآشفته می شد و اعتراض می کرد و نهایتا قهر پایانی می کرد و جل و پلاسش را جمع می کرد و با دلخوری می رفت و حسرت پاره کردن سینی مسی را به دل ما بچه ها می گذاشت . یکی از روزهای سرد پائیزی بود و باز هم سید علی پهلوان بساط راه انداخته بود و طبق معمول ما بچه ها و جمعی از بزرگترها دورش جمع شدیم و پهلوان چون همیشه کارش را شروع کرد ولی گویی صدایش رمقی در خود نداشت حرکاتش کند و ناموزون بود و لحظه ای که با تمام قوا به زنجیر های دور بازوهایش فشار می آورد بناگاه نقش بر زمین شد گروهی خندیدیم چند نفری دست زدند تعدادی صلوات فرستادند ولی منتظر بلند شدن و ادامه نمایش بودند ولی پهلوان سید علی دیگر بر نخواست و چشمان وحشت زده او به افقی نا معلوم دوخته شده بود و سینی مسی پاره نشد نمایشهای او منعکس کننده نیم رخ او بود که گویی با او وداع می کردند .

جسد پهلوان را بردند و سینی مسی او را سبزی فروش سر کوچه به رسم یادگار نگه داشت و هر روز سبزیجات خود را در آن می



قصه های نظام آباد

مجموعه قصه های نظام آباد که در هر شماره مجله رنگارنگ به چاپ خواهد رسید روایتی ساده از زندگی همه کسانی است که به میانسالی رسیده اند و در دفتر خاطرات ایام زندگیشان در محله های مختلفی که زندگی می کرده اند ملو از این حکایت های تلخ و شیرین است شما هم می توانید بیانگر قصه های محله های زندگی دوران گذشته خود باشید

دو قصه کوتاه

در محله ما در سه راه عظیم پور نظام آباد ۲ کوچه موازی بود به نامهای ضرابی و متقی که چندین کوچه فرعی کوچک بین این دو کوچه اصلی بود سر کوچه ضرابی هر از گاهی مردی بساط پهلوانی براه می انداخت به نام پهلوان سید علی که ابتدا پهلوان بساط خود را که متشکل از یک سینی مسی بزرگ چند تکه زنجیر قطور چند تکه سنگ سیمانی گرد و تعدادی ابزار مختلف بود روی زمین پهن میکرد و پیراهنش را در می آورد و با بالا تنه تخت شروع میکرد به راه رفتن و دور خود گشتن و کف دست ها را محکم بر هم زدن و با صدای بلند فریاد کردن که : امروز می خواهم سینی مسی را از میان پاره کنم زنجیر آهنین را به دور بدتم قفل کنم و آن را با زور سینه پاره نمایم این سنگهای سنگین را به روی سینه ام با پتک از میان نصف کنم و با صدای سید علی پهلوان به تدریج مردم دور هم جمع می شدند و پهلوان که هر از گاهی از مردم می خواست صلواتی

آقا قیصر بر چهار پایه کذابی نشسته بود برای گروهی از اهالی محل از سنجایی اخلاقی و معنویات دنیای فانی حرف می زد ماشین با چهار نفر سرنشین سر رسیدند و مقابل دکان حاج آقا قیصر پیاده شدند و با نشان دادن کارتهای خود به او دستبندی را بر دستهای حاج آقا زدند همه بهت زده و میخکوب فقط نگاه می کردیم گویی خوابی کابوس مانند را می بینیم حاج آقا قیصر ما با چشمهای وحشت زده و خجل و شرمسار فقط نگاه می کرد آنان او را سوار ماشین کردند و با اینکه با پیژامه و دمپایی بود اجازه ندادند تا در خانه برود. ما متحیر بودیم چرا حاج آقا قیصر ساکت و مطیع و آرام به داخل ماشین رفت نه جنگ و دعوایی کرد نه نشانی از رشادتها و قهرمانی ها نشان داد یکی از آنان که حاجی را می بردند که حیرت همگان را دید با صدای بلند گفت حاج آقا یکی از شغلای شریف دیگرشان قاجاق مواد مخدر بوده است هرگز چهره درهم شکسته و اشک لرزان حاج آقا را فراموش نمی کنم.



بچه ها از پهلوانی و قهرمانیش می گفت و اسطوره ای در دنیای کودکی ما بود حاج آقا قیصر قصه ما سالی یک بار هم گروهی را براه می انداخت و راهی خانه خدا می شد و در بازگشت هم با سلام و صلوات و قربانی اهالی محل به استقبالش می رفتند و حاج آقا قیصر را چون قهرمان اسطوره ای بر صدر مجالس می نشاندند. تو حیاط حاج آقا چندین میل زورخانه و هالتری با وزنه های سنگین دیده میشد و هر از گاهی حاج آقا با میل های زورخانه ورمی رفت ولی هرگز ما شاهد بلند کردن هالتر نشده بودیم. حاج آقا قیصر مغز متفکر اهالی محله هم بود و هر کس کاری داشت به او مراجعه می کرد و حاج آقا هم راه و روشی را نشان می داد یادم یک بار که تیم فوتبالی راه انداخته بودیم رفتیم پیش حاج آقا که برای تیممان اسمی انتخاب کند و حاج آقا لحظاتی فکر کرد و چند تا اسم گفت ببر: پلنگ، گاو میش: اسب دوسر و ازدهای آتش بار خلاصه باغ وحشی از حیوانات وحشی و درنده را ردیف کرد چون فکر می کرد که این اسامی باعث ترس رقبای میشود. یکی از روزها که حاج

مردان اتمی عصر حجر



رنگ و ارنگ از همه رنگ

دوستیابی



یک بنده خدایی میره کله پاچه فروشی.
یارو بهش میگه: قریون چشم بگذارم؟
طرف میگه: نه آقا! حداقل صبر کن من برم
قایم شم!!

یارو میره دیوونه خونه میبینه همه تو صف
واستادن دارن یکی یکی تو به سوراخه نگاه
میکنن بعد دوباره میرن ته صف وامیسن.
یارو کنجکاو می شه ببینه تو سوراخه چه
خبره. خودش هم میره تو صف وامیسه و تو
سوراخه رو نگاه میکنه هیچی نمیبینه. یه بار
دیگه تو صف وامیسه باز هم هیچی نمیبینه.
از یکی میپرسه: شما چی رو نگاه میکنین؟
من که هر چی نگاه میکنم هیچی نمیبینم.
یارو بهش میگه: برو بابا دلت خوشه! ما دو
ساله داریم این تو رو نگاه میکنیم هنوز هیچی
نمیبینیم. تو میخوای با دو بار نگاه کردن چیزی
ببینی!!

به سلامتی گاو، چون که نگفت من و گفت ما.
به سلامتی کرم خاکی، نه به خاطر کرمش،
به خاطر خاکی بودنش.
به سلامتی دیوار، که هر مرد و نامردی بهش
تکیه می کند.
به سلامتی مورچه که تا حالا هیچکس
اشکش را ندیده.
به سلامتی خیار، نه به خاطر خش، بلکه به
خاطر یارش.
به سلامتی شلغم، نه به خاطر شلش،
بلکه به خاطر غمش.
به سلامتی هر چی نامرده، که اگر نا مرد
نباشد، مردا شناخته نمی شوند.
به سلامتی کلاغ، نه به خاطر سیاهییش،
بلکه به خاطر یک رنگیش.

بریزم.....

گر خدا خواهد بسازد کارها
بر دمد ز خارها گلزارها

این دوست زبل عاشق پیشه کپی کاری هم
کرده این هم احساسات کپی شده

شیرین عزیز و عزیز تراز جان!

غیه.....

سلام آگنده از مهر و محبت که از آخرین
نقطه قلبم نظر به شما مایه می گردد در
اسعد زمان نثارتان باد!

بیا با پیوند مهر خاطره های عاشقانه را در
گلپاغ زنده گی پی هم مستانه رقم زنیم و
یاد جاویدان از خود به یادگار بمانیم.

من امان هستم
تحصیلات دکتری شغل ام بازرگانی خانه
ام در لندن مرکزی ۳۶ بهاره زنده گی ام را
سپری کرده ام قد ام یک متر و هشتاد سانت
چشمهای گیرا نطق نافذ و شخصیت با
ابتهت را خداوند برام ارزانی فرموده.
شیرین! شیرین تر از شهد و شکر
صد دل را یک دل کن تماس بگیر و بگذار که
یک دنیا خوشی ها را به دامن تو بریزم.....

گر خدا خواهد بسازد کارها
بر دمد ز خارها گلزارها

سلام به شما

نوشتن نامه در این زمان EMAIL و
INTERNET و وسائل ارتباطی دیگر
هرچند کم شده ولی هنوز جذابیت دارد
ولی نوشتن برای خانی که هیچی ازش نمی
دونی خیلی سخته ولی به هر حال از یک
جا باید شروع کرد من چند سالی است که
به انگلستان آمده ام و اقامت دائم دارم من
هم قصدم از تنهایی درآمدن و ازدواج است
خوب می دهم سوال زیاد هست برای همین
شماره تلفن و ای میل را برایتون می فرستم
با من تماس بگیرید که مستقیم با هم
حرف بزنیم و همدیگر را بشناسیم من الان
در شفیلد هستم امیدوارم که بتوانیم یک
دوستی توام با صداقت و صمیمیت را شروع
کنیم و پایه های خوبی را برقرار کنیم بیشتر
از این نمی نویسم و منتظر خبر از شما می
باشیم خدا نگه دار

قرار بود در شماره نروزی اقدام به درج بعضی
از نامه های این بخش بنمائیم که نشد و
سالی یک بار هم شده بعضی از نامه های
شما عزیزان را چاپ می کنیم تا دیگران نیز
در حال و هوای شما شریک باشند هدف این
بخش زمینه ساز دوستی ها و آشنایی های
ایرانیان با یکدیگر است که خوشبختانه
طی چند سال اخیر چند زوج ایرانی از
این طریق با هم ازدواج کرده اند و زندگی
مشترکی را با عشق و علاقه پایه نهادند.
از شماره آینده مجدداً نامه های ارسالی
شما با ذکر و کد درخواست هایتان چاپ می
شود

نامه های شما دوستان نیز رسید
شهرام ۳۲ ساله اهل شیراز در لندن
جلال ۳۵ ساله ساکن لندن
اکبر ۴۰ ساله ساکن لندن
علی ۴۰ ساله ساکن پیتربورو
کیانوش ۳۸ ساله ساکن آلمان
اردشیر ۴۲ ساله ساکن فرانسه - پاریس
مژگان ۳۰ ساله ساکن آمستردام
سحر ۳۸ ساله ساکن لندن
مهرداد ۲۸ ساله ساکن کلن - آلمان
مهرنوش ۲۲ ساله ساکن لیدز انگلستان
رها ۲۴ ساله ساکن دورسدورف آلمان
مجید ۳۷ ساله ساکن گلاسکو اسکاتلند
تینوش ۲۹ ساله ساکن منچستر انگلستان
المیرا ۲۵ ساله ساکن لستر - انگلستان
حمید ۵۰ ساله ساکن لندن

در ضمن برای شما عزیزان چند نمونه از نامه
های رسیده را چاپ می نمایم:

لیلا عزیز و عزیز تراز جان!

غیه.....

سلام آگنده از مهر و محبت که از آخرین
نقطه قلبم نظر به شما مایه می گردد در
اسعد زمان نثارتان باد!

بیا با پیوند مهر خاطره های عاشقانه را در
گلپاغ زنده گی پی هم مستانه رقم زنیم و
یاد جاویدان از خود به یادگار بمانیم.

من امان هستم
تحصیلات دکتری شغل ام بازرگانی خانه
ام در لندن مرکزی ۳۶ بهاره زنده گی ام را
سپری کرده ام قد ام یک متر و هشتاد سانت
چشمهای گیرا نطق نافذ و شخصیت با
ابتهت را خداوند برام ارزانی فرموده.
لیلا صد دل را یک دل کن تماس بگیر و
بگذار که یک دنیا خوشی ها را به دامن تو

به زنه انگلیسیه و غضنفر تو آسانسور بودن . زنه شروع میکنه لخت شدن و به غضنفر میگه: یه کاری کن که احساس کنم واقعا زخم غضنفر هم شروع میکنه لباساشو در میاره. بعد میندازدشون جلوی زنه. میگه: اینا رو بشور بعد هم اتوشون کن!!!

و تا می آید پاسخ بدهد . زنگ تفریح می شود. زنگ بعد . یک پسر دیگر بلند می شود و می گه: آقای رفسنجان اسم من ارش است و پنج تا سوال داشتم:
- چطور شما انتخابات را باختید و بعد بردید؟
- چرا شما دوباره در انتخابات شرکت کنید؟
- چطوری شما جزوه یکی از پولدارترین ادمهای دنیا شدید؟
- چرا زنگ تفریح ۲۰ دقیقه زودتر به صدا در آمد؟
- احمد کو؟

رفسنجانی می ره بازدید یک مدرسه . سر کلاس می نشینه و می گه هر سوالی دارید بکنید.
یکی بلند می شود و می گوید: سلام آقای رفسنجان . اسم من احمد است و من سه سوال داشتم:
- چطور شما انتخابات را باختید و بعد بردید؟
- چرا شما دوباره در انتخابات شرکت کنید؟
- چطوری شما جزوه یکی از پولدارترین ادمهای دنیا شدید؟
آقای رفسنجان تکانی رو صندلیش می خوره

kĀwl¹zMoTjM Hn 74«š»hɟ

آنها همیشه کلی گویی می کنند و بارها این کلیات را تکرار می کنند و با اینکار تلاش می کنند تا خودشان را قانع کنند آنها سعی می کنند به گونه ای گنج سخن بگویند و با اینکار به شما اجازه نمی دهند تا حرف های آنها را تجربه کنید

هنگامی که سعی دارید در مورد موضوع مورد بحث از آنها سوال کنید بلافاصله موضوع بحث را عوض می کنند حتی اگر سوال شما را متوجه شوند چنین وانمود می کنند که سوال شما را نشنیده اند و به بحث خاتمه می دهند اگر می خواهید مطمئن شوید که او دروغ گفته است چند روز بعد راجع به موضوعی که در مورد آن دروغ گفته است از او سوال کنید تا برایتان یک داستان با مطالب متفاوت تعریف کند اگر قدری به صحبت آنها شک دارید شما را متهم به بی اعتمادی می کند و خیلی سریع با این کار به بحث خاتمه می دهد آدم های دروغگو معمولاً پر حرف هستند و در مورد هر چیزی اظهار نظر می کنند

افراد دروغگو معمولاً کسانی هستند که در زندگی شخصی یا خانوادگی دچار مشکل هستند پس در مورد حرفهای چنین افرادی بیشتر دقت نمایید

تن صدای افراد دروغگو در هنگام دروغ گفتن معمولاً بالاتر از حد طبیعی است خنده های بی دلیل و بی گاه در هنگام صحبت کردن یکی دیگر از علائم افراد دروغگو است

آدمهای دروغگو همیشه سعی می کنند حرفهای زیبا و جذاب به زبان بیاورند و با این کار امکان کشف حقیقت را از ما سلب می کنند نکته پایانی این که اگر چه که شاید افراد دروغگو در کوتاه مدت بتوانند حقیقت را از دیگران پنهان کنند اما زمان باعث خواهد شد که همیشه افراد دروغگو رسوا شوند و هیچ گاه حقیقت پنهان نخواهد ماند اگر چه شاید مدت زمانی طولانی پنهان بماند

افراد دروغگو معمولاً از نظر نوع رفتاری با یکدیگر شباهت بسیاری دارند که دانستن برخی از خصوصیات به ما کمک می کند که تا حدودی انسان دروغگو را بشناسیم برخی از علائم و روشهایی که باعث شناخت دروغگو می شود عبارتند از:

چشمان کسانی که دروغ می گویند یا باز تر از حد معمول است یا دائماً چشم های آنان به نقاط مختلف حرکت می کند در عین حال آنها معمولاً از نگاه مستقیم به شما احساس ناراحتی می کنند و سعی می کند مستقیماً

به شما نگاه نکنند

گاهی اوقات افراد دروغگو بخشی از صورت و دهانشان را هنگام حرف زدن می پوشانند وقتی از آنها سوال میشود دماغ یا گوشیشان را به حالت عصبی می خارانند

فرد دروغگو معمولاً هنگام حرف زدن حرکت اضافی زیادی از خود بروز می دهد

در هنگام حرف زدن زیاد تپ می زند و اشتباهات فراوان گفتاری را سعی می کند به گونه ای بپوشاند



پیام تجاری خود را با پشتوانه 20 ساله انتشار مجله رنگارنگ

به منازل هزاران خواننده ایرانی در سراسر اروپا ببرید و نام تجاری

خود را آشنای چشم همگان سازید

02087319333

در سال ۱۳۸۵ بر شما چه خواهد گذشت

فروردین

در سال جدیدی که پیش رو خواهید داشت، در کارهای اقتصادی دقت بسیار بخرج دهید. احتمال هر حالتی را در ذهن داشته و برای آنها حساب و کتاب داشته باشید. تا دچار اتفاقات غیرمنتظره نشوید و قافیه را نیاورید. با توکل به خداوند و اتکاء به خود می‌توان به پیروزی‌های بزرگی دست یافت. پیش خودتان این انتظار را دارید که بین کار و زندگی ایجاد هماهنگی کرده‌اید. بیشترین وقت را به خانواده اختصاص دهید تا اختلالی در زندگی پیش نیاید. عشقی که به خانواده دارید. سرانجام بسیار نیک در انتظاران می‌باشید. یک موفقیت شما را از جامی پراند و ابرهای تیره و تار از زندگیتان رفع می‌شود. در پی این مشکلات صبح سپید از راه می‌رسد و طلوع امیدوار کننده‌ای دارد. همیشه احتیاط را در نظر داشته باشید. در سال آینده خیلی از امور به نفع شما انجام می‌شود. به هر کاری که دست می‌زنید خوشبختانه موفقیت از آن شماست. در سال جدید بهتر است وقت بیشتری را نصیب خانواده کنید که دائماً بر شما غرولند نکنند. هر روزتان پیروز باد. به نظر می‌آید که مدت‌هاست پشت چراغ قرمز ایستاده‌اید. پیش از آنکه دیگران شما را مورد انتقاد و زیر ذره بین قرار دهند. گاهی خودتان را زیر ذره بین قرار دهید. یک فکر خلاق بسیار ارزنده‌تر از یک دسته اسکناس خواهد بود.

اردیبهشت

بین کار و زندگی هماهنگی ایجاد کنید. هماهنگ‌سازی یک اصل زندگی است که باید در سال جدید آن را رعایت کنید. همچنین وقت بیشتری را صرف خانواده کنید. یک اتفاق شما را به هدف‌تان نزدیکتر می‌سازد. تا کمتر دچار خطا شوید. در سال جدید موفقیت خوبی نزدیک‌تان قرار می‌گیرد. از تکرار برخی عادات نگران نشوید. چون لازمه ثبات در هر امری یا کاری. استمرار و تکرار آن است. در سال جدید درباره شخص شما نظریاتی مطرح می‌شود که اصلاً اعتنا نباید کرد. پیوسته به چیزهایی فکر می‌کنید که مبهم و بی‌سروته است. همین مسئله شما را دچار سرگشتگی و حیرانی می‌کند. شما ابتدا باید تکلیف خودتان را با خودتان روشن کنید تا بقیه کارها خوب بخود واضح و روشن شود. احساس شما از زندگی این است که خیلی به سرعت می‌گذرد. زمان برای استفاده کردن از دوستان مناسب نیست. یک موفقیت کاری آنچنانی. شما را از شدت خوشحالی می‌گیراند. در عشق و دوستی باید بکمرنگ و شفاف بود. از افتاب باید صافی دل و روشنائی آموخت. هیچ این را می‌دانید که همه افراد به تمام آرزوهایشان نمی‌رسند. همیشه احتمالات را داشته باشید. گاهی در

اثر رخدادی ممکن است یک دوستی تبدیل به دشمنی و به عکس شود.

خرداد

در سال آینده روی دقایق عمرتان سرمایه‌گذاری کنید. به خاطر روزهای نیامده روزهای دیگر را باشتاب و دست‌پاچگی به هدر ندهید. لحظه‌هایتان سب‌تر از این است. درباره هر چه می‌گویید فکر کنید. ولی هر چه را که فکر می‌کنید مگویید. ابتدای کلام اینکه فقط عده کمی از مردم سرزنش‌ها و انتقادات سازنده را پذیرا هستند. هراندیشه شایسته‌ای به چهره انسان زیبایی می‌بخشد. وقتی عشق با دل پیوند می‌خورد. زندگی شعله‌ور می‌شود. چشم انتظار چیزی هستید که قبلاً آن را داشته‌اید. صبر کنید. گر صبر کنید ز غوره حلوا خواهید ساخت. در سال جدید خوشبختی را ساده بگیرید. خوشبختی همان عطر محو و مختصر تافهم است که در سرائی زیباتان پیچیده. افکارتان را بنگرید و بگذارید که بگذرند. روش خوبی را باید در رابطه با دوستان اتخاذ کرد. روشی که دوستی‌ها را تقویت کند و بین دل‌ها رابطه برقرار سازد. مواظب افسار گسیختگی زبان‌ها باشید. یک اتفاق بسیار خوب شما را بی‌اندازه از جامی پراند. برایتان مبارک باشد و انشاء... بخیر و نیکی از آن استفاده کنید. تصمیم بگیرید که هرگز به کمتر از آنچه می‌توانید قناعت نکنید. لحظه‌های زندگیتان را در حسرت گذشته نابود نکنید. دستی‌برایش تکان دهید.

تیر

برخورد زندگی با ما بازتاب بی‌تابی برخورد ما با زندگیست. شکست و پیروزی هر کدام مرحله‌ای از مراحل تکامل آدمی هستند که باید هر مرحله را با آغوشی باز و اشتیاق تام و تمام بپذیریم. بزرگ‌ترین مشکل امروز ما و شما آنست که امروز وفردا می‌کنیم. بدون آن که بذری برای آینده کاشته باشیم. به تهی‌دست دل بسپار و مرهمی باش به زخمش و بر نیازش خیری که بر دیگران می‌رسانید در صندوق آخرت ذخیره شود. ماهیت زندگی دلخواه از آگاهی ژرف درونی سرچشمه می‌گیرد. بنابراین برای شنیدن ندای درونی باید وقت صرف کرد. وقتی دستی گیرنده دارید. باید دستی دهنده هم داشته باشید. حال که درآمد شما افزون گردیده است و از نظر اقتصادی به ثروتی رسیده‌اید. باید بخشنده بود و خست‌ها را کنار گذاشت. دوست عزیز. عاقبت‌های اجتماعی خبری را بر تو تحمیل نمی‌کنند که مورد پسند و رضایت تو نیست. مهرورزی آن است که شادمانی خود را در شادمانی دیگری بجوییم. زمانی زبان به سخن گفتن باز کنید که لازم و ضروری باشد.

مرداد

راز خوشبختی آنست که همه شگفتی‌های جهان را بنگرید و هرگز رسالت و هدف خود را از یاد نبرید. در زندگی اتفاقاتی رخ می‌دهد تا ما را به مسیر حقیقی افسانه شخصی‌مان بکشاند. اگر گذشته‌ای دارید که پریشان‌تان می‌کند. در سال جدید فراموشش کنید. در این سال سرگذشت تازه‌ای برای زندگی‌تان بسازید و به آن ایمان داشته باشید. وقتی آدمی رخ می‌برد. کلمات زیبا هم معنایی ندارد. عشق آرام‌بخش است بسان آفتاب پس از باران. هرگز ریسمان امید را رها نکنید. وقتی احساس می‌کنید که دیگر تاب تحمل ندارید. این جادوی امید است که به شما نیرو می‌دهد. یادتان باشد. تمامی آنچه را که می‌توان تجربه کرد شاید گفتنی نباشد و تمامی آنچه را که گفتنی است شاید آزمودنی نباشد. گاهی درس‌کوت شیرینی اندیشه‌هایتان خاطرات گذشته‌ها را به یاد می‌آورد و افسوس می‌خورید به نبود آنچه که در جستجوی آن بوده‌اید. ای کاش زبان عشق را زبان سخن بود. ای عشق رنگ آشنایت پیدانیست. زنگ‌ها برای شما به صدا در خواهد آمد. آن وقت در می‌یابید که به هر کاری توانا بودید برای انجامش آماده. به آسانی بوییدن یک گل...

شهریور

زندگی برای کسی که قلبی شکرگزار دارد همیشه شادمانه می‌گذرد... همیشه نفرت دیگران را با عشق پاسخ گوید. برای چیرگی بر دشواری‌های زندگی روش‌های مختلفی در اختیار انسان است. وقتی به خود عشق می‌ورزم جهان نیز در چشم ما دوست‌داشتنی است. اگر دوست دارید در سال جدید به اوج قله پیشرفت و موفقیت برسید به دیگران احترام بگذارید. طوری زندگی کنید که در همه چیزها روشنائی و درخشندگی را ببینید و موثر و آفریننده باشید. دل به دنیا نبندید و همت خود را بلند نگه دارید. این را بدانید وقتی دوستانی وفادار داشته باشید. دیگر جای هیچ‌نگرانی نیست. در تصمیمات خودتان تردید نکنید. اگر پشتکار داشته باشید. هیچ‌کس جلودارن نیست. نه خودتان غیبت کنید و نه اجازه دهید کسی که در جایی که حضور دارید مورد غیبت قرار دهند. دوست داشتن زیباترین عمل در کانون زندگی بشر است. این احساس باید ابراز شود تا قطعاً زندگیتان را توام با خوشی بگذرانید. پروژه‌ای را به شما می‌دهند تا روی آن نظریه بدهید. اگر اراده و پشتکار باشد طرح‌های زندگی موفق

روی دیگر زندگیست. با برخی رفتارها و اعمال خود را در تنگنای عجیبی می‌اندازید. کسی که با دوراندیشی تصمیم بگیرد کمتر دچار محمصه خواهد شد. وقتی دستی گیرنده دارید باید دستی دهنده هم داشته باشید. حالا که درآمدتان افزون‌تر شده و از نظر اقتصادی به ثروتی رسیده‌اید باید بخشنده‌بود. در سال آینده دوستی‌هایتان برای تان دلنشین است. پس قدر دوستی‌ها را بدانید. دوست عزیز در برابر کارهای بد خودمان راسرزنش نکنیم و پیش از انجام هر کاری به آن بیندیشیم. همیشه اندوه را در خانه بگذارید و عشق را به خیابان ببرید. به نظرم هر شاد بودن لازم‌ه‌اش توانایی خندیدن به مشکلات در کوتاه‌ترین زمان‌مکن پس از وقوع آن است. سال بسیار شادی را برای شما آرزو می‌کنیم.

اسفند

حیف است هزاران هنر داشته باشید و هیچ گاه آن را بروز ندهید. به خود بیشتر اعتماد کنید. خوی ساده و صمیمی شماست که دیگران را جذب می‌کند. پشتکار و جدیت شما می‌تواند بسیاری از درهای بسته را بگشاید پس باید واقع‌نگر باشید. در کارهایتان سهل‌انگاری را کناری‌بزنید و برای همیشه هراس را از خودتان دور کنید. کدورت‌هایی که گاهی ایجاد می‌شود را بابر خورده تفاهم‌آمیز به کناری‌بزنید. تلاش امروز شما سرانجام روزی به ثمر خواهد نشست و حاصل خوبی را به بار خواهد آورد. در سالی که پیش رودارید. همواره در کارها خردمندی و هوشیاری را سرلوحه امور خویش قرار دهید. این کارهانیستند که درست و یا نادرستند. این سیر چشم‌ها هستند که درست و یا نادرستند. زندگی کنید چنان‌پر شور. چنان عاشقانه و چنان کامل که بتوانید مژه‌های از ابدیت را در آن ببابید. انسانی که حرمت خود را نگه می‌دارد نمی‌تواند دیگری را خفیه کند. می‌داند که این خود اوست دردیگری. حتی در درخت‌ها و صخره‌ها. انسانی که حرمت خود نگه می‌دارد یکبار به می‌یابد که به‌تمامی

که باید آن را مورد دقت قرار دهید تا کمتر دچار خطا بشوید.

آذر

به اعتقاد بسیاری، شکست يك حادثه در زندگیست و پیروزی حادثه‌ای دیگر. مهم این است که انسان چگونه برخورد کند و برخورد با حوادث را بداند تا با آمادگی بیشتر به پیشواز آنها برود. شکست و پیروزی هر کدام مرحله‌ای از مراحل تکامل آدمی هستند که اگر هوشیار باشید با آغوش باز و با اشتیاق تام و تمام از آن استقبال خواهید کرد. برخورد زندگی با ما بازتاب برخورد ما با زندگیست. بزرگ‌ترین مشکل امروز ما انسان‌ها این است که امروز و فردا می‌کنیم. بدون آن که برای آینده برنامه‌ای تدارک دیده باشیم. کسی که می‌خواهد درو کند. اول باید بکار. نوش‌خواهی. نیش باید چشید. مثل همیشه شما سب با شماست و خواهد بود. درنگ نداشته باشید. این شما هستید که از موقعیت‌های پیش آمده استفاده‌عالی می‌برید. فکر خوب. ثروتی است که هیچ گاه دست‌خوش این و آن نمی‌شود و دائماً اثرات فرح‌انگیز آن را می‌چینیم. وقتی قلب الهی شده همه چیز انسان الهی می‌گردد. سال خوبی پیش‌رو خواهید داشت.

دی

خودتان را چنان در کارها غرق ساخته‌اید که به مسائل مهم زندگی توجه نمی‌کنید این گونه رفتار کردن همیشه موفقیت‌آمیز نیست. بخش مهمی از زندگی، معنویت و علاقه‌مندی است که نباید از آن غافل بود. در سال جدید به کسانی که دوستشان دارید نشان دهید که علاقه‌مندید. یادتان باشد از آفتاب باید صافی و روشنایی را آموخت. آینده خوب و درخشانی در انتظار شماست به شرط آن که بدون فوت وقت بکوشید تا از فرصت‌های به دست آمده استفاده‌عالی ببرید. زندگی خودتان را هماهنگ کنید فعالیت‌های ورزشی را دست‌کم نگیرید. راجع به آینده خوشبین باشید. اتفاقات خوبی برایتان در راه است. یادتان باشد. آدم عاقل همه تخم‌مرغ‌های خود را در سبد يك نفر نمی‌گذارد. باید با احتیاط رفتار کرد که هرگونه احتمالی را در نظر داشت. از هیچ کس انتظاری نداشته باشید باتوکل به خداوند می‌توان به پیروزی‌های بزرگی دست یافت. بین کار و زندگی در عشق و دوستی باید شفافیت و صداقت داشت. از آفتاب باید صافی و روشنایی آموخت.

بهمن

هر کسی را بهر کاری ساخته‌اند. مهم اینست که آدمی استعداد و توانمندی‌های خود را کشف کرده و دریابد که او را برای چه کاری ساخته‌اند. یا این که بدانید مهم‌ترین رسالت و وظیفه او در این گذر عمر چیست. مرگ هم روی دیگر سکه است. برای برخی مرگ يك پایان است و برای برخی دیگر يك آغاز. مرگ هم

است. پادشاه یا روستایی تفاوتی ندارد. کسی شادمان‌تر است که وارد خانه‌اش می‌شود. به صبح دارایی برسد.

مهر

به یاد داشته باشید. در سالی که فرا خواهد رسید اول بسنجید بعد در آن غوطه‌ور شوید. برای هر کاری پیش از اقدام‌تان يك تعریفی داشته باشید. گز نکرده پاره کردن بی‌گدار به آب زدن است. تعلیم شبیه به ماهی است. گرفتار آسان و نگه‌داشت آن دشوار است. چه قدر بد است که آدم را حس نکنند یا اصلاً به حساب نیاورند. این که احساس کنید فراموش شده‌اید و دیگر هیچ کس به یادتان نیست و شما باید در دنیای خودتان غرق باشید. آن وقت مجبور خواهید شد چشم‌های تان را به يك جای نامعلوم بدوزید که مثلاً دارید به يك چیز فکر می‌کنید و در عالم هیروت نیستید. درباره شما نظراتی مطرح می‌شود که نباید به آنها بی‌توجه بود. در لابه‌لای این حرف‌ها و حدیث‌ها حقایقی نهفته است که باید آن را کشف کنید و از آن‌ها استفاده بهینه کرده و درس بگیرید. هیچ گاه یادتان نرود. آن که انتقام می‌گیرد يك روز خوشحال است. دائماً شما با سهل‌انگاری فرصت‌های بالارزشی را از دست می‌دهید. در روزهای موفقیت و شادی به فکر روزهای نادری و عدم موقعیت هم باشید. در سال جدید هدف‌های شما همیشه مورد تأیید است. شاهین عشق و دوستی و محبت بر بام خانه شما پر می‌زند و حالا اگر زندگی را تکریم کنید. زندگی به عبادتگاهی تبدیل خواهد شد و آن گاه خدا راهمه جا خواهد دید.

آبان

طی سال آینده موقعیتی به دست خواهید آورد. از این که برای تان روزها تکراری شده‌اند نگران نباشید. چون لازمه ثبات در امری یا کاری استمرار و تکرار آن است. اتفاقی در پیش دارید که شما را به هدف‌تان نزدیک می‌کند. هر رابطه‌ای که در روشنایی و خردمندی شکل بگیرد موفق خواهد بود. فعالیت‌های ورزشی را دست کم نگیرید. نسبت به آینده خوشبین باشید. بین کار و زندگی يك توازن برقرار کنید. همه مشکلات و دردسرهایی که تا هم اینک داشته‌اید. به کناری می‌رود و شما آسوده خاطر می‌گردید. آنچه پیش‌شنه‌ادات و از طرف دوستی به شما گفته می‌شود را مورد ارزیابی قرار دهید. از آفتاب صافی و روشنایی را بیاموزید. به جای فرار از میدان باید در میانه ایستاد. با تدبیر و هوشمندی راه خودتان را باز کنید. یادتان باشد که هر تغییری نشانه ترقی و تکامل نیست. آنچه نام دلشوره دارد را از خودتان دور کنید که جز بدبختی چیزی به همراه ندارد. روزهای خیلی خوبی در انتظار شماست. روزهای سراسر عشق و دوستی. درباره شما نظراتی مطرح می‌شود که نباید به آنها بی‌توجه بود. در لابه‌لای همه این حرف‌ها و گفته‌ها حقایقی نهفته است

جهت درج آگهی

های خود لطفاً با

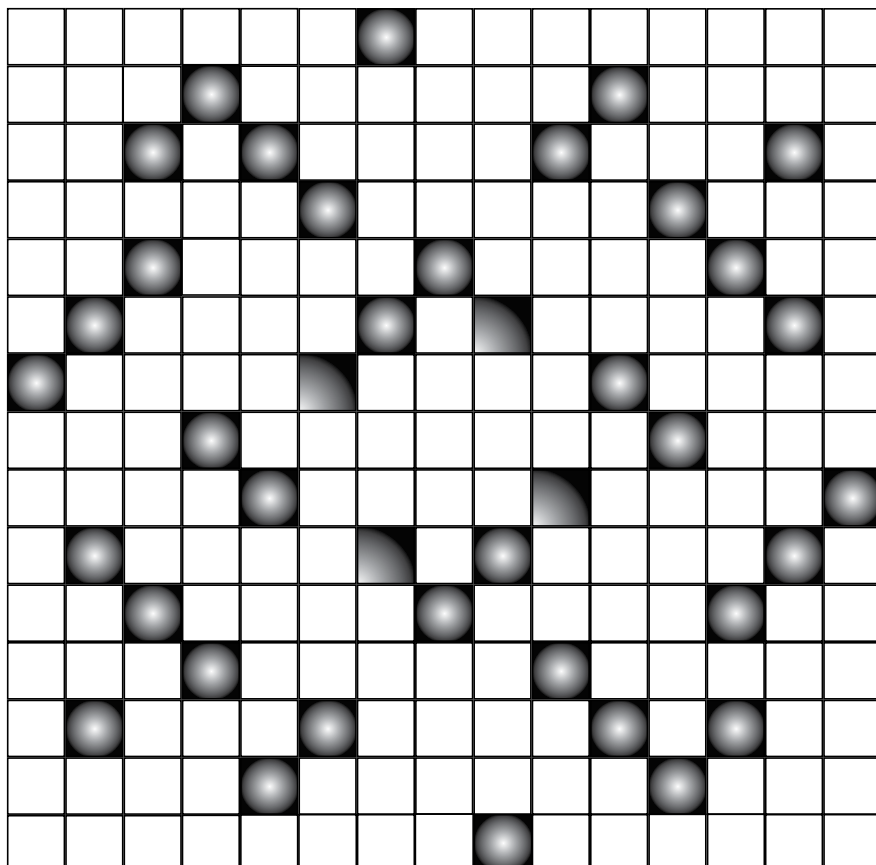
دفتر مجله رنگارنگ

تماس بگیرید

۰۲۰۸۷۳۱۹۳۳۳

جدول کلمات

۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



افقی:

- ۱- پایتخت بهاری هخامنشیان - در
- ۲- حال گریختن ۲- پشتیبان - دیکتاتور
- ۳- انگلستان - مقابل ۳- اجداد - کتاب
- ۴- آسمانی مسلمانان - نام ترکی ۴- اسب
- ۵- چاپار - همکاری - آغاز ۵- هرگز نه -
- ۶- قسمت پائین لباس - سرکش و متهم
- ۷- نفس خسته ۶- سنگ طلق - رفتگر
- ۸- وقت و هنگام - زادگاه سراینده بوی
- ۹- جوی مولیان - در گرانبها ۸- نمو - مرکز
- ۱۰- ایالت جورجیای آمریکا - آتش ۹- نقاب
- ۱۱- ریشه سوسن کبود - دیکته ۱۰- بار
- ۱۲- درخت - مرکز پرو ۱۱- دنبال - جای امن -
- ۱۳- شکافته - گوشت زیر گونه ۱۲- کشور
- ۱۴- صنعتی اروپا - فریبنده - کششی جنگی
- ۱۵- علامت مفعولی - پسوند مکتب ها
- ۱۶- نزدیکی ۱۴- درد - اثر منظوم سعدی
- ۱۷- شیرازی - وفا کننده به عهد ۱۵- رسوب
- ۱۸- سرزمین عجائب -

فال این ماه شما

به بهبود شرایط مالی خودتان امیدوار باشید. اگر به دنبال قرض و وام برای سرمایه گذاری نروید بهتر است. چرا که سرمایه لازم را به دست خواهید آورد. سعی کنید در منزل اخلاق بهتری داشته باشید. حتی اگر از کار روزانه خسته و کوفته باز می گردید. برای افراد کوچکتر از خودتان احترام لازم را قایل باشید.

اگر در نیمه اول اردیبهشت به دنیا آمده اید تولدتان را تبریک می گوئیم. شما بیشتر از اینها باید نرم باشید و سعی کنید با دیگران سازش کنید چون به یک وجهه مثبت در اجتماع برای حرفه و کار خود نیاز دارید. در همان بخش که مسئول خدمت هستید. بخت ارتقاء حتی تا سطح مدیریت را دارید. پس خودتان را دست کم نگیرید.

در جلساتی که در ارتباط با کار شماست. حتما شرکت کنید. چون باید از منافعتان دفاع کنید. خودتان را با اطلاعات و داده های جدید در محیط کار و تحصیل تطبیق دهید و مطالعه را فراموش نکنید. طالع شما نشان می دهد که یک دوره پرانگیزه را پیش رو خواهید داشت. سعی کنید بهترین استفاده ممکن را از وقت خود ببرید.

شاید خودتان ندانید که انسانی خودکفا هستید بنابراین چندان به انتظار کمک دیگران وقت را تلف نکنید. اگر لازم باشد مشغول شدن در یک کار دوم اشکالی ندارد. به شرط آنکه به سلامتی شما لطمه وارد نشود. به شرط آنکه به سلامتی شما لطمه وارد نشود. فرصتهای مناسبی در اختیار شما قرار می گیرد.

انتظارات شما از کاری که در آن شرکت داشتید. ممکن است برآورده نشود. اما ناامید نشوید چرا که سرمایه گذاری روحی و عقلی هنگفتی کرده اید که بازدهی آن از آنچه تصور می کنید بیشتر است. اعتماد به نفس تان شما را از معابر تنگ و تاریک مشکلات زندگی عبور می دهد. به استقلال فکری و مالی خود ارج بگذارید.

این هفته برای تفریح و فراغت بهترین فرصت ممکن است. بخشی از استعدادهای شما شکفته شده و به بار می نشیند. فعالیت خود را بیشتر کنید. در مورد هدفی که دارید. یک شخص حرفه ای به شما کمک می کند و باعث می شود نفس راحتی بکشید. در هزینه ها صرفه جویی کنید و به خانواده و در کنار آنها بودن اهمیت بیشتری بدهید.

فروردین:



اردیبهشت:



خرداد:



تیر:



مرداد:



شهریور:



عمودی:

- ۱- شغلی د رادارات و بانکها - دستگاه
- ۲- نمایش فیلم ۲- دوش و کتف - اشاره به
- ۳- بلدرچین - نسل و فرزند ۳- همه و
- ۴- جملگی - تا زمانیکه - اول شخص مفرد
- ۵- گریبان - وام - از مصالح ساختمانی
- ۶- حمله - نام دیوی در شاهنامه - حرف
- ۷- نداری ۶- تردید - ساختمان - یار غم - هر
- ۸- چیز آویخته ۷- بیماری زردی - دوستی و
- ۹- محبت - گرانبها ۸- دوا - موسسه -
- ۱۰- صف ۹- پیامبر نقاش - خسیس - شرط
- ۱۱- گیاه کتیرا - آسیب و آفت - برکه -
- ۱۲- چوب خوشبو ۱۱- نقش هنری - توانگران
- ۱۳- زین و برگ اسب ۱۲- بیت ها - دوات -
- ۱۴- نژاد اسلاو ۱۳- دنیا آوردن - هنر هفتم -
- ۱۵- گیاه ۱۴- وارسته - دارائی - وسط - نت
- ۱۶- چهارم ۱۵- جهالت - کشیش دربار تزار
- ۱۷- روسیه -

جدول کلمات

::افقی:

۱- از صنایع مادر ۲- برگ ها - کشتی جنگی
 ۳- از شهر های ترکیه ۴- مرده اش را گوگول
 نوشته است - مثل و شبیه - حاجت ۵- از
 حروف الفبا - نافرمانی - پول خارجی ۶-
 آخر - ترس - وسیله رشتن - گستره آبی
 ۷- بحران - دو بال انسان - منزلت ۸- سوپ
 نان و آبگوشت - از سیستم های ارتباطی
 ۹- مسیر ۱۰- واژگون و دمر - سبک های
 گوناگون ۱۱- پژوهشگر - پای تخته سیاه
 کلاس است - چهره نما ۱۲- پهلوی و کنار
 ۱۳- از درختان جنگلی - تیر انداز باستانی ۱۴-
 مانند - مقصود - از اجزاء پوند - از نت ها
 ۱۵- درخت افکن آوازه و شهرت - خسیس
 ۱۶- کاغذ فروش - مخلوط قهوه و شکر -
 خودخواهی و تکبر ۱۷- یک نوع جامه لطیف
 ۱۸- درد و محنت - قضاوت ۱۹- خلافکاران و
 معامله گران انواع اسعار خارجی

::عمودی:

۱- از موسسه های قدیمی تحقیقی دارویی
 ۲- از پایتخت های اروپایی - روایتگر - از
 ظروف گلی قدیمی ۳- امپراتور خونخوار -
 گوشه قباي نازک نارنجی را میگویند - از
 اساطیر هندی ۴- شبگرد - از میوه های
 جالیزی - برش ۵- درآمدش همان و رسوا
 شدنش همان! - بشاش و سرحال - تن
 و کالبد - متولد شدن ۶- وسیله بافتنی
 خانم ها - شکاف قلم نئ ۷- از میوه های
 بهشتی - از اسماء خداوند - از ماههای
 میلادی ۸- هدهد - مستعمره فرانسه در
 دریای کارائیب ۹- پیامبری در دل ماهی - از
 وسائل شکارچیان قدیم - گونه ای نارون
 ۱۰- رنج - خارج از خط و گمراه ۱۱- از
 چاشنی ها - زادگاه خالق افسانه - فوری -
 درد و رنج ۱۲- از راه میرسد - به مراد رسیدن
 ۱۳- گزنده خوش خط و خال ۱۴- ظرف نقره
 ۱۵- ارائه و به تماشا گذاشتن - گنج ها ۱۶-
 کمک کردن - کاسه و قند - نورانی بودن
 ۱۷- از تشکیلات رفاهی بهداشتی کشور .

۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
														۱
														۲
														۳
														۴
														۵
														۶
														۷
														۸
														۹
														۱۰
														۱۱
														۱۲
														۱۳
														۱۴
														۱۵

فال این ماه شما

اگرچه خوبی و محبت کاری است پسندیده اما اکنون در شرایطی نیستید که قرضهای کلان بدهید. با دیگران رودربایشتی نداشته باشید و اگر تشخیص می دهید موردی را باید به آنها تذکر بدهید. حتما این کار را بکنید. در این نیمه جر و بحث کوتاهی با یکی از افراد خانواده خواهید داشت که بهتر است آن را ادامه ندهید.

یک سفر کوتاه می تواند برای آرامشتان مفید باشد. موفقیت های شما طبیعتا حسادت عده ای را بر می انگیزد. حتی عده ای هم ممکن است فکر کنند شما متقلب هستید. با این حال نگران نباشید. آنها سرانجام حقیقت را درباره شما خواهند یافت. خرج و دخل خود را یکی کنید وگرنه مشکلات شما بیشتر خواهد شد.

حرفه ای عمل کردن شما در محیط کار و اجتماع سبب می شود تا زمینه های پیشرفت آسانتر برایتان مهیا شود. به نظر می رسد که از لحاظ مالی مشکلاتتان بزودی برطرف خواهد شد. اختلاف با نزدیکان را اگر بدون دخالت دیگران حل کنید بهتر است. دعوتی از شما به عمل می آید که در فکر هستید آن را رد کنید.

اگر نظم و ترتیب را سرلوحه کارهای خود قرار دهید به موفقیت های چشمگیری دست خواهید یافت. از مشکلات خم به ابرو نیاورید و به جای تشویش و نگرانی راههای مبارزه با آنها را پیدا کنید. اعتماد به نفس خوب است. اما اگر زیاده از حد باشد به خودبینی و غرور تبدیل می شود. به هرکسی که دست دوستی دراز می کند. پاسخ مثبت ندهید.

این نیمه برای اخذ تصمیمهای اساسی مناسب است. پس با صلاحدید بزرگترها و با تجربه ها دقیق ترین و بهترین تصمیم را بگیرید. شما هم باید نظم بیشتری به زندگیتان بدهید. چون در این صورت امور خود را ساده تر پیش خواهید برد. در فکر سلامت خود باشید و برای استراحت و تفریح وقت کافی بگذارید.

یک بگومگوی خانوادگی ممکن است قدری شما را دلخور کند که موقتی است و زمینه آشتی فراهم خواهد شد. به انجام کارهای خود به طور معمول ادامه دهید و در اختلافهایی که به شما ارتباطی ندارد دخالت نکنید. در غیر این صورت پای شما هم به



نیازمندیهای ایرانیان در لندن

07779235561	خدمات بیمه	محمد عزیزی
08452260747	شرکت های ساختمانی	امپریال
020-77274236	دارالترجمه	فریس
020-84555314	مدرسه ایرانی	البرز
020-84519996	دفتر وکالت	الاینس
020-84582242	تاکسی تلفنی	وست هیث

020-77064888
020-77242428
020-89941661
020-82039595
020-77277420
020-72669200
020-83465592
020-88896989
020-88471740
020-77363330
020-87316869
020-72892023
020-89488584
020-87408300

کلبه
کندو
لامیراز
پامچال
ساندویچ تازه
آریانا
شبهای شیراز
نیمکت
ژینو
دیزی
په به پیتزا
داریوش
زعفران
کوپس

فروشگاه های ایرانی

زمان
بهار
مازندران
مازندران ۲
تهران
سارا
هرمز
مسعود
خزر
خیام
بیژن
سهند
فردیس
ساوالان

صرافی ها

020-74995455
020-85797878
020-75842323
020-74830012

راوندی
وکیلی
پا کپور
پریشیا

قنادی ها

020-76030924
020-85799500
020-77062905

رضا
شیرینی سرای

امور چاپی

020-76027569
020-87462241

بکا پرینت
بوش پرینت

ورزش

020-87319333
020-87319333

انجمن ورزش
مدرسه فوتبال

آرایشگاه ها

020-83460006
020-73725239
020-85673275

ونوس
پرسیس
پیام

کلینیک و دندانپزشکی

020-83460006
020-76043124
020-79120920
020-73888556
020-79379097

مازندران
عسل
کلینیک ونوس
دکتر عباس شیر افکن

جواهری

020-75890777

کوئینز پارک کلینیک

رستوران ها

020-73711919
020-72299398
020-74314546
020-84529226
020-76033696
020-76039148
020-74023331
020-84589083
020-72290416
020-77238331

شهرزاد
حافظ (۱)
حافظ (۲)
پریشیا
آبادانا
یاس
شومینه
پاپیون
آلونک
صفا

موسسه خدماتی

020-87486682
020-77700041
020-87319333
020-87401123
020-87317418

جامعه ایرانیان
کانون ایرانیان
انجمن ورزش
خانه پردیس
سازمان جشنها

کتابخانه و کتاب فروشی

020-84555550
020-89936384
020-76036936

فرهنگسرا
مطالعات ایرانی
خانه کتاب

فرم اشتراك

زبان

اینجانب.....
 مایلم مجله رنگارنگ را برای شماره
 مشترک شوم.
 مبلغ به صورت نقد یا چک
 معادل پوند انگلیس همراه این فرم
 ارسال می شود.
 آدرس من به شرح زیر می باشد:
 (لطفاً با حروف بزرگ بنویسید)

 Post Cod.....
 Tel:.....

میزان حق اشتراك

انگلستان: ۱۲ شماره ۴۰ پوند

اروپا: ۱۲ شماره ۵۰ پوند

امریکا و کانادا: ۱۲ شماره ۱۰۰ پوند

لطفاً چکهای خود را به نام M. Sarabi صادر نمایید

P.O.Box: 2821 LONDON NW2 1DS

Tel: 020 - 8731 9333



Three Centuries of Fine Art in Jewellery

جواهرفروشی مظفریان به هموطنان عزیز بخصوص زوجهای جوان زیباترین طرحهای انگشتری و حلقه های نامزدی را با قیمتهایی باور نکردنی و تخفیف ویژه تقدیم میکند

Worldwide reputable and exclusive designers of fine quality Engagement and Wedding jewellery



The Ultimate

The largest collection of engagement and wedding rings made to your exact specification

Mozafarian Jewellers Ltd

Showroom & Head Office 88 Brompton Rd. , Knightsbridge, London SW3 1ER
Tel.: 020 - 7589 0777 Fax: 020 - 7589 0666

Email: info@mozafarian.com website: www.mozafarian.com



MEMBERS OF THE
ASSOCIATION
BRITISH JEWELLERS



MEMBERS OF THE
ASSOCIATION
BRITISH JEWELLERS



Three Centuries of Fine Art in Jewellery



The Ultimate

The largest collection of engagement and wedding rings made to your exact specification

*Worldwide reputable and exclusive designers of
fine quality Engagement and Wedding jewellery*

جواهرفروشی مظفریان به هموطنان عزیز بخصوص زوجهای جوان زیباترین طرحهای انگشتری و
حلقه های نامزدی را با قیمتهایی باور نکردنی و تخفیف ویژه تقدیم میکند

Showroom
&
Head Office

88 Brompton Rd. , Knightsbridge, London SW3 1ER

Tel.: 020 - 7589 0777 Fax: 020 - 7589 0666

Email: info@mozafarian.com website: www.mozafarian.com